



فعالیت‌های دیپلماتی و اقتصادی چین در آفریقا

(رابطه روسپیشرفت)

نویسنده: آنیا لاتینن

مترجم: سید جلال طاهری



پژوهشگاه دانشگاه امام صادق علیه السلام

فعالیت‌های دیپلماسی و اقتصادی چین در آفریقا (رابطه رو به پیشرفت)

نویسنده: آنیا لاتینین

مترجم: سیدجلال طاهری

ناشر: پژوهشگاه دانشگاه امام صادق علیه السلام

شماره مسلسل: ۲۵-۲۰-۱۴۰۳

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۳

ویرایش اول

تعداد صفحات: ۱۶۴

نشانی: تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، پژوهشگاه

کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱

تلفن: +۹۸۲۱۸۸۰۹۴۹۲۴

@research_isu

تمامی حقوق برای پژوهشگاه دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است
و استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع مجاز است.

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار مترجم
۷.....	قدردانی‌ها
۱۱.....	درمورد نویسنده
۱۳.....	مقدمه
۱۹.....	منابع
۲۱.....	فصل اول: روابط چین و آفریقا
۲۳.....	روابط معاصر
۲۵.....	تایوان و خط مشی چین واحد
۲۹.....	چین
۳۰.....	حکومت
۳۲.....	اصلاحات اقتصادی
۳۳.....	رشد اقتصادی
۳۶.....	آفریقا
۳۹.....	منابع
۴۳.....	فصل دوم: چین در آفریقا
۴۴.....	سیاست خارجه
۴۶.....	سیاست افریقایی
۵۰.....	محرك‌های قدرت جهانی
۵۱.....	روای چینی
۵۱.....	جاده ابریشم جدید
۵۵.....	سیاست چندجانبه گرایی و عدم مداخله چین در آفریقا
۵۸.....	حفظ صلح سازمان ملل در آفریقا
۶۲.....	منابع
۶۷.....	فصل سوم: قدرت نرم
۷۰.....	قدرت نرم چین
۷۱.....	قدرت نرم چین در آفریقا

۷۲.....	دیپلماتی
۷۳.....	مساعدت
۷۸.....	همکاری اقتصادی
۸۰.....	سرمایه گذاری چین در آفریقا
۸۳.....	راه آهن ساخت چین در آفریقا
۹۰.....	منابع
۹۵.....	فصل ۴: فرهنگ
۹۸.....	کنفوسیوسیسیم دولت محور
۱۰۰.....	صادرات فرهنگ چین به آفریقا
۱۰۲.....	آموزش زبان ماندارین به آفریقایی‌ها
۱۰۵.....	تبلیغات و تصویرسازی
۱۰۷.....	نتیجه
۱۱۳.....	منابع
۱۱۵.....	فصل پنجم: روابط رو به گسترش
۱۱۸.....	تغییر چشم انداز
۱۱۹.....	شهرنشینی و صنعتی شدن
۱۲۰.....	تولید
۱۲۱.....	کشاورزی
۱۲۳.....	استارت‌آپ‌ها و فناوری‌های جدید
۱۲۵.....	مشارکت‌های نوظهور
۱۲۷.....	رشد و منابع
۱۲۹.....	ژئوپلیتیک و روابط رو به جلو
۱۳۴.....	منابع
۱۳۹.....	فصل ششم: فرجام
۱۴۶.....	منابع
۱۴۷.....	کتاب‌شناسی

پیشگفتار مترجم

کتاب فوق در ۵ فصل به بررسی روابط رو به گسترش چین و آفریقا در طول تاریخ و با تاکید بر فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی معاصر چین در قاره سیاه می‌پردازد. این کتاب ماحصل چندین سال مطالعه میدانی و کتابخانه ایست که به رشته تالیف درآمده است. نویسنده به خوبی رشد فعالیت‌های چین در آفریقا را ترسیم کند و اینکه به چه شکل از آمریکا و اروپا پیشی گرفت.

فصل اول متمرکز بر آشنایی با تاریخ چین و سیر تکون رابطه با آفریقا تا امروز است که به صورت مختصر مورد اشاره قرار گرفته است. در این فصل حزب کمونیست چین و ساختار آن را مورد بررسی قرار گرفته است و اینکه چگونه حزب در صد سالگی خود موجب شده که این کشور با رشد اقتصادی بی‌نظیر خود ابر قدرت اقتصادی شود و از یک کشور جهان سوم به یک کشور رشدیافته تغییر یابد.

فصل دوم بر سیاست خارجه چین در آفریقا تمرکز دارد و اینکه حزب کمونیست از قاره سیاه چه می‌خواهد و چگونه توانست از فعالیت‌های اقتصادی اروپا و آمریکا در آفریقا پیشی بگیرد و بزرگ‌ترین شریک تجاری این قاره شود. در این فصل به رویای چینی که احیای جاده ابریشم و ارتباط مستقیم با آن سوی کره زمین است و اینکه آفریقا در این رویا چه جایگاهی دارد می‌پردازد و بیان می‌شود که چین به دنبال ترویج حکمرانی خوب و دموکراسی در آفریقا نیست و با هر دولتی می‌تواند همکاری داشته باشد.

فصل سوم قدرت نرم چین و به طور خاص در آفریقا را مورد بررسی قرار می‌دهد و به وضوح از ابزار قدرت نرم چین در آفریقا که دیپلماسی، کمک‌ها، همکاری اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را شامل می‌شود، نام می‌برد و بررسی می‌کند. شرکت‌های دولتی با سرمایه‌گذاری‌های سنگین و بی‌توجه به نوع حکومت در آفریقا موجب شده است که دیکتاتورهای آفریقایی با کمال میل با این شرکت‌ها همکاری کنند.

نویسنده در فصل چهارم به فرهنگ چین و تأکیدش بر جامعه هماهنگ می‌پردازد. فرهنگ چین توسط موسسات کنفوسیوس در سراسر آفریقا مورد تبلیغ قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین برنامه‌های این موسسات آموزش زبان ماندارین، بورسیه دانشجویان زبان چینی، گسترش هنر رزمی چینی و غذای چینی است. این موسسات با همکاری رسانه‌های چینی به دنبال تصویرسازی مثبت از چین است تا از این طریق قدرت نرم خود را افزایش دهد.

در فصل پنجم مشاهده خواهیم کرد که همکاری‌های چین در آفریقا موجب رشد صنعت و شرکت‌های دانش بنیان و افزایش شهرنشینی شده است. با همین حال با کاهش رشد اقتصادی چین کشورهای آفریقایی که صادرات تک محصول داشته‌اند بیش از سایرین آسیب دیده‌اند و به فکر استقلال اقتصادی خویش افتاده‌اند. این کتاب با توجه به حجم کم خود بسیاری از مسائل رابطه چین و آفریقا را مورد پوشش قرار داده است. البته نباید فراموش کرد که نویسنده یک پژوهشگر غربی است که با نگاه انتقادی به فعالیت‌های چین در آفریقا می‌نگرد زیرا هم‌اکنون چین در آفریقا رقیب جدی برای اروپایی‌ها و آمریکایی‌هاست. این نویسنده به‌طور ضمنی به این مورد اشاره می‌کند که چین به دنبال استعمار جدید کشورهای آفریقایی است.

قدردانی‌ها

وقتی من اولین سفرم به چین را در اواسط دهه ۸۰ داشتم، مثل سفر به یک سیاره دیگر بود. بعد از یک سفر خسته‌کننده طولانی، به سالن حمل‌ونقل قدم گذاشتم. افسران جوان با یونیفرم سبز رنگ مقابل میزگرد وسط سالن ایستاده بودند. موسیقی بلند چینی در حال پخش بود. زمان زیادی طول کشید تا من کیف و وسایلم را بگیرم. دوچرخه‌های سر راه فرودگاه تمایلی به دادن جای خود به اتوبوس ما نداشتند. پکن خاکستری، مرطوب، یکنواخت و دارای تعداد زیادی ساختمان اداری بتنی بود. هوا آلوده و بوی زغال سوخته میداد. کوهی از کلم چینی در حاشیه خیابان جمع شده بود. وسیله حمل‌ونقل اصلی دوچرخه بود و ظاهراً میلیون‌ها نفر دوچرخه‌سوار بودند. همه مردم چین جوان به ظاهر میرسیدند! آن‌ها در حالی که کنجکاو بودند با مهربانی به ما می‌خندیدند. چین در حال گشایش بود و از ما-گروهی از شرکت‌های کوچک و متوسط فنلاند-دعوت کرده بودند تا در مورد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی خود برای مدرن‌سازی و سرمایه‌گذاری در کشورشان آشنا شویم. از اولین بازدیدم، چین تحول قابل توجهی را تجربه کرده است. در فاصله ۳۰ سال، چین به یک قدرت جهانی در اقتصاد تبدیل شده است. در عوض، من با فرهنگ، مردم، سیاست و جامعه چینی بیش‌تر آشنا شده‌ام. سفرم به آفریقا، ده سال بعد، از الگوی مشابه پیروی میکرد و با بازدید اولیه از آفریقای جنوبی شروع شد. کشور سرشار از امید بود زیرا نلسون ماندلا تنها چند ماه قبل رئیس‌جمهور شده بود.

ورود چین به آفریقا همزمان با شروع تحقیقاتم در آفریقای جنوبی، از اواسط سال ۲۰۰۰ در اخبار بین‌المللی منتشر شد. در آن زمان، من مشغول تدوین پایان‌نامه با موضوع «اهمیت حکومت: توسعه چین با تمرکز بر استان چینگهای» بودم. این موضوع بسیار توجه مرا جلب کرد. ایده ترکیب دانش قبلی من و مواجهه آفریقا و چین، و یادگیری بیشتر در مورد هر دو کشور، به موضوع تحقیق بعدی من تبدیل شد.

کتاب‌های بسیاری در مورد چین در آفریقا منتشر شده است. بیشتر آن‌ها رابطه اقتصادی را بررسی می‌کنند. این کتاب، علیرغم داشتن صفحات مختصر، سعی می‌کند تصویری نسبتاً جامع ارائه دهد که گذشته، حال و آینده همکاری چین و آفریقا را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب ممکن نبود به وجود بیاید مگر اینکه من چین را به عنوان یک قدرت جهانی، با تمام جنبه‌های مثبت و منفی آن، مشاهده کنم و همچنین اهمیت آفریقا را در جهان به اندازه کافی تصدیق کنم، به خصوص در پتانسیلی که هنوز برای آن آشکار نشده است.

من از تعداد زیادی از پژوهشگران، مسولان و ناظران چینی و افریقایی و همه کسانی که وقت گذاشتن ایده‌ها را مطرح کنند و اطلاعات و دیدگاه خود را به اشتراک گذاشتن، ممنون هستم. من از دانشگاه علوم اجتماعی چین و از دانشگاه هنگ‌کنگ برای پذیرش سفرم به عنوان پژوهشگر به چین و از مسوول موسسه کنفسیوس تشکر می‌کنم. من به گرمی تشکر می‌کنم از هی و نیپینگ مدیر مطالعات افریقا در دانشگاه علوم اجتماعی چین و پروفیسور لی انشان در مرکز مطالعات افریقا دانشگاه پکینگ به منظور برای گفتگوهای پرباری که چشم انداز چینی را برای حضور چین در آفریقا فراهم کرد. من به ویژه از دوستانم در مرکز چین در دانشگاه استلنبوش، از سون‌گریم و آنتونی راس برای میزبانی از بازدیدهای من و به اشتراک گذاشتن دانش خود سپاسگزارم. تشکر ویژه من از براونی استینی گروبلر و لیدیا دو پلسیس در استلنبوش برای کمک‌های مهربانانه‌شان در طول

۹ قدردانی‌ها

فعالیت علمی محفوظ و دائمی است. من از پروفیسور اریک میتما برای میزبانی از بازدیدهای من در دانشگاه نایروبی و از پروفیسور آدام اولو برای به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌های خود و بازدید وی از دانشگاه هلسینکی برای صحبت در مورد روابط چین و آفریقا در زمان تحول چین، بسیار سپاسگزارم.

درمورد نویسنده

آنیا لاتین یک پژوهشگر مستقل است. او دارای مدرک دکترای مطالعات آسیای شرقی از دانشگاه هلسینکی فنلاند و مدرک MBA از مدرسه بازرگانی هنلی انگلستان است. او بیش از ۳۰ سال تجربه در فعالیت‌های تجاری و سپس در تحقیقات دانشگاهی درمورد چین دارد. شغل اخیر او به عنوان مدیر مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه هلسینکی، بینش‌های ارزشمندی را در مورد دولت چین ارائه کرده است. تجربه گسترده و دانش عمیق او از چین، چشم انداز وسیعی را برای درک بهتر فرهنگ، اقتصادی و زندگی اجتماعی آن فراهم کرده است. مشاهده تحول کشور و گشایش آن، به او این امکان را داده که پیوندها و پیامدهای تغییرات عظیم را بشناسد و در نتیجه به انگاره‌ای بزرگ از آرزوهای چین در آفریقا و جهان دست یابد. انتقال تمرکز تحقیقات به آفریقا از نظر فکری و احساسی یک فرآیند انرژی‌بخش بوده است. این موضوع به او فرصتی داده تا دنیا را در موقعیت‌ها و محیط‌های مختلف ببیند. همچنین انگیزه ای برای نوشتن کتابی درمورد «چین در آفریقا» بوده است تا به دنبال درک ماهیت و مسیرهای توسعه در روابط چین و آفریقا باشیم.

مقدمه

آفریقا برای مدت طولانی به عنوان «قاره ناامید» توصیف می‌شد، به عنوان مثال، در صفحه اول شماره‌ای از مجله اکونومیست که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد. برای سال‌ها، جهانی شدن این قاره را به دلیل زیرساخت‌های ضعیف، درآمد کم و بی‌ثباتی سیاسی کنار گذاشته بود. در این هنگام چین که برای توسعه ظرفیت صنعتی و تضمین رشد خود به عنوان یک قدرت صنعتی جهانی به منابع و نفت نیاز داشت به آفریقا ورود کرد. رهبران چین در راس هیئت‌های تجاری به تمام پایتخت‌های بزرگ آفریقا، به سراغ پروژه‌های زیرساختی و معاملات تجاری رفتند. شرکت‌های دولتی، بنگاه‌های خصوصی و کارآفرینان همگی به آفریقا سفر کردند.

در دهه پس از سال ۲۰۰۷، به نظر می‌رسد که چین در حال ساختن همه‌چیز در آفریقا است. چین جاده‌ها، مدارس، هتل‌ها و مراکز کنفرانس بسیاری را ساخت. یک مرکز خرید بزرگ در هراره پایتخت زیمبابوه، یک جاده کمربندی در اطراف مپوتو پایتخت موزامبیک ساخت و میلیاردها دلار در خط راه‌آهن تازه بازسازی شده لاگوس-کانو نیجریه سرمایه‌گذاری کرد. رهبران آفریقا به چین خوش‌امد گفتند. کشور آنها برای رشد سریع نیاز به جبران کسری زیرساخت‌های خود داشت. دولت‌های آفریقایی جذب رویکرد عمل‌گرایانه چین و شرایط «بدون محدودیت» برای انجام فعالیت تجاری شدند. این با شرایط تحمیل شده توسط کشورهای غربی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که خواستار حکمرانی خوب بودند، کاملاً در تضاد بود. مشارکت چین به کشورهای آفریقایی کمک کرد تا رشد اقتصادی خود را سرعت بخشند در حالی که آفریقا به «قاره دوم» چین

تبدیل شد. گزارش مک کینزی (۲۰۱۰) یک مسیر رشد را برای اقتصادهای آفریقا پیش بینی کرد و در سال ۲۰۱۱ (در عرض ده سال از مقاله مذکور) تصویر «آفریقا در حال بیدار شدن است» در صفحه اول اکونومیست به تصویر کشیده شد. چین و حضور رشد شتابان آن در آفریقا به سرعت نگرانی‌هایی را برانگیخت. نقش و تاثیر چین بر این قاره به دلیل وجود منابع این کشور و مدل زیرساختی و شیوه‌های تجاری بحث‌برانگیز همواره در عرصه بین‌المللی مورد سوال و انتقاد قرار گرفته است. از زمان بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، نرخ رشد اقتصادی چین کاهش یافته است. زمانی که چین ارزش پول خود را در آگوست ۲۰۱۵، دو درصد کاهش داد؛ این عمل شوک در بازارهای جهانی ایجاد کرد. اکنون، چین با تغییر فعالیت‌های خود از سرمایه‌گذاری و تولید به سمت مصرف و خدمات، به دنبال متعادل‌سازی مجدد اقتصاد خود است. کاهش سرعت بزرگترین اقتصاد تولیدی جهان بر بازارهای سراسر دنیا تأثیر گذاشته است و به آفریقا نیز ضربه سختی زد. کشورهای آفریقایی هم‌اکنون شاهد کاهش سریعتر از حد انتظار در واردات و صادرات بوده‌اند. رشد اقتصادی چین کاهش یافته است. از آنجایی که وابستگی اقتصادی کشورهای آفریقایی به چین آشکار شده است؛ دولت‌های این کشورها برای یافتن راهی برای الگوهای اقتصادی متنوع‌تر با چالش مواجه شده‌اند. نکته کلیدی دستیابی به توسعه پایدار، تمرکز بر رشد فراگیر و توسعه انسانی است. در این میان، محیط بین‌المللی کنونی از طریق جهانی شدن، تغییرات محیطی، مهاجرت، دیجیتالی شدن و پوپولیسم به سرعت در حال تغییر است. تاثیرات تصمیم بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا و پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بسیار گسترده است. روابط بین نیروهای سیاسی جهانی و نگرانی‌های زیست محیطی، چشم انداز اقتصادی و سیاسی را تغییر می‌دهد. این مسیرها، دولت‌های آفریقایی را وادار می‌سازد تا اهداف اقتصادی و اجتماعی خود را بازاریابی کنند و تصمیم بگیرند که چگونه پتانسیل رشد و توسعه کشورهای

خود را به نفع مردم باز کنند. فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی جدیدی در تصور است که همکاری چین و آفریقا را تغییر شکل دهد و یا تعمیق خواهد داد، اما با چه شرایطی؟ زمان آن فرا رسیده است که آفریقا تصمیم بگیرد.

این کتاب درباره چین در آفریقا با تمرکز بر آفریقای جنوب صحرا است. یک رویکرد جامع برای روابط چین و آفریقا ارائه می‌دهد و به بررسی این روابط رو به جلو می‌پردازد. کتاب برای به دست آوردن درک بهتر از حال و تلاش برای پیش بینی آینده، تاریخچه رابطه را بیان می‌کند. هدف این است که درک عمیق‌تری از چین در آفریقا، نقش و تأثیر چین در آنجا و چگونگی توسعه روابط ارائه شود. همچنین این کتاب بررسی می‌کند که چگونه قدرت نرم چین، شامل روابط اقتصادی، کمک، دیپلماسی و فرهنگ، در خدمت اهداف دولت کشورش بوده و چگونه آفریقایی‌ها این رویکرد را درک کرده اند. بدیهی است که این امر ورود چین به آفریقا را کمک کرده است، اما اینکه آیا «ذهن‌ها و قلب‌ها» را به دست آورده است یا خیر، یک موضوع پیچیده‌تر است. این کتاب واقعیت جدیدی را برای آفریقا که به دنبال رکود اقتصادی چین رخ داد، نشان می‌دهد. بدون شک، چین در آفریقا باقی می‌ماند، اما سوال اصلی این است که تا چه حد قدرت نرم چین همچنان در آفریقا نقش دارد و ماهیت این رابطه چگونه ممکن است در حال تغییر باشد؟ نیازی به گفتن نیست که روابط چین و آفریقا رو به جلو است. چین اهداف بلندپروازانه ژئوپلیتیکی را توسعه داده است و قدرت آن از نرم به سخت در حال تغییر است. این کتاب همچنین به سوالات زیر می‌پردازد:

چه درس‌هایی از مشارکت چین و آفریقا برای یادگرفتن وجود دارد؟ چالش‌ها و فرصت‌ها در تغییر چشم‌انداز اقتصادی، برای آفریقا و چین چیست؟ چگونه می‌توان مسیر توسعه آفریقا را به نفع آفریقایی‌ها هدایت کرد؟ چه موانعی وجود دارد؟ و در نهایت، بهترین راه برای فعال کردن پتانسیل آفریقا چیست؟ موضوع اصلی این کتاب قدرت نرم است. این امر توسط نظریه‌های روابط بین

الملل در مورد قدرت، منافع ملی، امنیت، استراتژی، هژمونی، وابستگی متقابل اقتصادی، درگیری و همکاری هدایت می‌شود. نوشتن این کتاب در دنیای سریع در حال تغییر ما، می‌تواند یک چالش برای واکنش و پاسخ باشد. اطلاعات جدید به طور فزاینده‌ای از طریق شبکه‌ها و تعامل در دسترس قرار می‌گیرد. نقش پژوهشگر این است که اطلاعات را در تعامل بین نظریه و مشاهده، سازماندهی و ساختار دهد و معنی‌دارترین و قابل‌توجه‌ترین مشکلات را تشخیص دهد. داده‌های تحقیق در این کتاب شامل ادبیات، گزارش‌ها، مقالات، وبلاگ‌ها، مصاحبه‌ها، بحث‌ها و مشاهدات است. اطلاعات پراکنده زیادی در دسترس است، بنابراین نیاز به یک لنز حیاتی برای مرتب کردن و اصلاح آن به «دانش» مورد نیاز است. این مطالعه با استفاده از رویکرد رئالیستی انتقادی (هامرسلی ۱۹۹۰؛ سیلورمن ۲۰۰۱) و تمرین نظریه انتقادی (هابرماس ۱۹۷۸) برای تفسیر و تبیین دانش موجود انجام شد. داده‌های تجربی در این مطالعه طی کار میدانی در آفریقا و چین بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ جمع‌آوری شد. بازدیدهای من از دانشگاه‌های چین و آفریقا بخشی از یک برنامه تبادل تحقیقاتی و در زمان ریاست من به عنوان مدیر مؤسسه کنفوسیوس بود. آن‌ها امکان گفتگوی عمیق پیرامون موضوع تحقیق من را با حدود ۱۰۰ محقق و دانشگاهیان در مؤسسات زیر فراهم کردند: دانشگاه پکن، دانشگاه رنمین، آکادمی علوم اجتماعی چین در چین؛ دانشگاه چینی هنگ کنگ و دانشگاه شهر هنگ کنگ در هنگ کنگ؛ دانشگاه کیپ تاون و دانشگاه استلنبوش در آفریقای جنوبی؛ دانشگاه نایروبی و دانشگاه کنیا در کنیا؛ دانشگاه دارالسلام در تانزانیا؛ دانشگاه شیخ آنتا دیوپ و دانشگاه گاستون برگر در سنگال و مرکز مطالعات چینی در دانشگاه استلنبوش در آفریقای جنوبی.

من سه بار به عنوان یک همکاری کوتاه مدت از بعضی از دانشگاه‌ها بازدید کردم. روش‌های نمونه‌گیری، غیراحتمالی و تصادفی، به دلیل سهولت نسبی استفاده از آنها در مصاحبه‌ها و بحث‌ها با افراد دانشگاهی، تجاری و دولتی اتخاذ شد. همه

این جلسات در چارچوب موضوع من چین در آفریقا الزامی بود و به من فرصت لازم را داد تا تمام دانش قبلی را که جمع آوری کرده بودم تامل و ارزیابی کنم و فرضیات خود را در محل آزمایش کنم. رویارویی با مردم عادی از همه اقشار در آفریقای جنوبی، تانزانیا، کنیا، سنگال، نامیبیا، زیمبابوه و بوتسوانا دیدگاه‌های بیشتری را در مورد واقعیت پیچیده ارائه داد. گفتگوها و مشاهدات آزاد در مورد فعالیت روزمره و عدم تعامل بین چینی‌ها و آفریقایی‌ها کمک زیادی به گسترش دیدگاه من و رسیدن به درک بهتری از روابط چین و آفریقا کرد.

این کتاب یک تصویر کلی ارائه می‌دهد، عناصر مورد نیاز برای ارزیابی جامع روابط چین و آفریقا را شناسایی می‌کند، با بررسی و آگاهی از مسائلی که بر روابط و همکاری بین دو کشور تأثیر می‌گذارد. رویکرد انتخاب شده به احترام اصل بررسی دقیق هر کشور آفریقایی است. در مقابل، این کتاب برای ترسیم تصویر جامع تری نوشته شده است. بنابراین این کتاب همچنین به تازه واردان اجازه می‌دهد تا موضع خود را در موضوع چین در آفریقا به حرکت درآورند. همچنین می‌تواند عنوان نقطه شروعی باشد برای علاقه‌مندان به ژئوپلیتیک و اینکه چگونه تحولات اخیر در روابط بین‌الملل در آفریقا خود را نشان داده است.

عقلانیت تفکر و سیاست چین و آفریقا شایسته مطالعه است؛ زیرا رابطه بین دو منطقه‌ای است که بسیار متنوع هستند و اصلاً همگن نیستند. این فصل به موضوعاتی مانند ایدئولوژی، کنفوسیوس، رویای چینی، قدرت نرم، فرهنگ، دموکراسی، حقوق بشر و ژئوپلیتیک می‌پردازد. این مقدمه چشم اندازی از ورود چین به آفریقا ارائه می‌کند و در عین حال اهداف، سؤالات و ماهیت مطالعه را نیز روشن می‌کند.

فصل ۱ روابط چین و آفریقا از دوران باستان تا دوره کنونی را بررسی می‌کند. برای درک زمان حال باید چیزی از گذشته دانست. این فصل مسیرهای تاریخی را برجسته می‌کند تا مقدمه‌ای برای روابط چین و آفریقا دوره معاصر باشد و همچنین

هر دو هر دو منطقه را توصیف کند. فصل ۲ به جستجوی چین برای قدرت جهانی می‌پردازد. این کتاب نقاط قوت جامعه هماهنگ، رویای چین و جاده ابریشم جدید را برجسته می‌کند. همچنین چهارچوب سیاست خارجی چین و سیاست آفریقا را به عنوان بخشی از سیاست خارجه‌اش برای هدایت و نظارت بر روابط چین و آفریقا ارائه می‌دهد. مجمع همکاری چین و آفریقا نیز معرفی شده که به عنوان بستری برای گفتگو و ویتزینی برای روابط چین و آفریقا مورد استفاده قرار می‌گیرد. فصل ۳ به بررسی نقش و تأثیر قدرت نرم چین می‌پردازد که شامل دیپلماسی، کمک، روابط اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. اگرچه این قدرت نرم در آفریقا موجب رشد اقتصادی شده است، اما همه از دخالت چین رضایت ندارند. فصل ۴ فرهنگ چینی را مورد بحث قرار می‌دهد که قدرت نرم این کشور را برای بهبود تصویر چین تقویت کرده است. نقش مؤسسه‌های کنفوسیوس را در آفریقا مورد بررسی قرار می‌دهد و استدلال می‌کند که فرهنگ چینی با اهداف سیاسی در رقابت با ارزش‌های آفریقایی نیست. همچنین، یافته‌های من در مورد قدرت نرم چین همراه با نحوه درک آن در آفریقا ارائه شده است. فصل ۵ گزارشی از روابط روبه‌جلو چین و آفریقا است. این فصل رکود اقتصادی چین و پیامدهای آن برای آفریقا را بررسی می‌کند. در مورد وابستگی آفریقا به چین صحبت می‌شود و اقداماتی که برای تغییر مسیر آفریقا باید اتخاذ شود. این فصل، ابتکار راه ابریشم جدید چین و نقش اقتصادی-سیاسی آن در ایجاد پیوندهای زمینی و دریایی که آسیا، اروپا، خاورمیانه و آفریقا را به هم متصل می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. همانطور که قبلاً در دریای چین جنوبی دیده شد، چین به دنبال افزایش نقش خود در ژئوپلیتیک منطقه است. پایگاه نظامی این کشور در جیبوتی نشان می‌دهد که قدرت نرم چین در حال تغییر از نرم به سخت است و روابط دو منطقه در حال تغییر است. فصل ۶ برخی از نتایج را بیان می‌کند. چین منابع قابل توجهی را به قدرت نرم خود اختصاص داده است که در خدمت هدف سیاسی «به دست آوردن دوستان و

تأثیرگذاری بر مردم» در آفریقا است. کمک‌های آن به آفریقا واضح است و درس‌هایی از روابط چین و آفریقا استخراج شده است. جست‌وجوی چین برای رهبری جهانی و پیشبرد ابتکاراتش در آفریقا به این معنی نیست که می‌تواند مطابق با شرایط خود به این هدف دست یابد. برای اینکه چین در سطح جهانی رقابت کند، باید با چالش‌های حاکمیت شرکتی و مسئولیت‌پذیری روبرو شود، همانطور که در اقتصاد بین‌المللی انجام می‌شود. تا اینکه این مساله در شرکت‌های دولتی چین که در آفریقا یا جاهای دیگر فعالیت می‌کنند، نهادینه شود. این فصل بحث می‌کند که مسیر توسعه آفریقا می‌تواند به نفع مردم آفریقا تغییر کند. گشودن فرصت‌های کشورهای آفریقایی مستلزم تنوع بخشیدن به اقتصاد آنها، توانمندسازی زنان و دسترسی گسترده‌تر به آموزش است. انتخاب‌هایی که باید انجام شود به عهده دولت‌های آفریقایی و حکومت‌های آنهاست.

منابع

- Habermas, J. (1978/1968). *Knowledge and Human Interest*. London: Heinemann.
- Habermas, J. (1978/1968). *Knowledge and Human Interest*. London: Heinemann.
- Hammersley, M. (1990). *Reading Ethnographic Research*. New York: Longman.
- Hammersley, M. (1990). *Reading Ethnographic Research*. New York: Longman.
- McKinsey. (2010). *Lions on the Move: The Progress and Potential of African Economies*. Retrieved from http://www.mckinsey.com/insights/africa/lions_on_the_move
- McKinsey. (2010). *Lions on the Move: The Progress and Potential of African Economies*. Retrieved from http://www.mckinsey.com/insights/africa/lions_on_the_move

Silverman, D. (2001). *Interpreting Qualitative Data: Methods for Analyzing Talk, Text, and Interaction* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications

Silverman, D. (2001). *Interpreting Qualitative Data: Methods for Analyzing Talk, Text, and Interaction* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications

فصل اول: روابط چین و آفریقا

خلاصه

در زمان‌های قدیم، چین آفریقا را به عنوان انتهای منطقه غربی جهان، در نظر می‌گرفت. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، ایدئولوژی جدیدی شکل گرفت که روابط تازه‌ای را با این قاره شکل داد. چین از جنبش‌های آزادی‌بخش آفریقا به عنوان بخشی از جبهه متحد بین‌المللی علیه ابرقدرت‌ها و اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت می‌نمود. هم‌چنین با کشورهای آفریقایی ارتباط برقرار و از آنها حمایت سیاسی می‌کرد. در دهه ۱۹۹۰ این رابطه وارد مرحله جدید و فعالیت‌های اقتصادی شد. تجارت چین و آفریقا به سرعت افزایش یافت. در سال ۲۰۱۲، چین با پیشی گرفتن از ایالات متحده و اروپا، به بزرگترین شریک تجاری آفریقا مبدل شد. توجه بین‌المللی گسترده‌ای را در رسانه‌ها به خود جلب کرد به طوری که سیاست‌گذاران و محققان نگران بودند. اهداف چین در آفریقا چیست؟ آیا چین برای توسعه آفریقا خوب است یا بد؟

کلیدواژگان: توسعه روابط، چشم‌انداز روابط چین و آفریقا

روابط چند وجهی چین با آفریقا جدید نیست. در دوران باستان، چین آفریقا را انتهای غرب جهان می‌دانست. با آغاز سلسله هان (۲۰۷-۲۲۰ پس از میلاد) جاده ابریشم با شبکه جاده‌ای شرق و غرب را به هم متصل کرد. این مسیری برای تجارت و تبادل فرهنگی بود که برای ایجاد تعامل، بین مردم تمدن‌های مختلف حیاتی به شمار می‌رفت و در طول سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷ میلادی) به اوج اهمیت خود رسید. گفته می‌شود ردای کلتوپاترا هفتم (۶۹ پیش از میلاد تا ۳۰ پس از میلاد)، ملکه مصر، از ابریشم چینی ساخته شده است. ظروف چینی و سکه‌های چین در مصر، کنیا و زنگبار یافت شده است. دو هوان، افسر ارتش سلسله تانگ، بازدیدش از مولین-گو، یک کشور آفریقایی واقع در دشت بیابانی سودان و اریتره را ثبت کرده است. او در سفر غربی نوشت: «ساکنان، سیاه‌پوست و سرسخت هستند، برنج یا گندم کمی دارند، و علف یا درختان تقریباً برایشان ناشناخته است. اسب‌هایشان از ماهی‌های خشک تغذیه می‌شود و مردم‌شان از خرما و ایرانی به عنوان غذا استفاده می‌کنند. این مکان با موارد مکرر طاعون روبه‌رو است» (Smidt 2001, p. 18). در طول سلسله‌های سانگ (۹۶۰-۱۲۷۹) و یوان (۱۲۷۹-۱۳۶۸)، مبادله کالا بین مردم افزایش یافت و کالاهای چینی راه خود را در داخل خاک زیمبابوه و آفریقای جنوبی یافتند. وانگ دایوان، مسافر چینی، سفری به زنگبار (حدود ۱۳۱۱-۱۳۵۰) داشت و با ابن بطوطه مراکشی (۱۳۰۳-۱۳۷۷) ملاقات و از هانگژو و گوانگژو در جنوب چین دیدن کرد. ژو سین (۱۲۷۳-۱۳۳۳) اولین کسی بود که آفریقا را بر روی نقشه، به صورت مثلثی که به سمت جنوب امتداد دارد نشان داد (وو ۲۰۰۶، ص ۲۳).

در سالهای اولیه سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴)، امپراتوران چین مجموعه‌ای از اکتشافات دریایی را به رهبری دریاسالار ژنگ هه (۱۳۷۱-۱۴۳۴) به راه انداختند. در آن روزها، چین در فناوری نیروی دریایی پیشرو بود. آن‌ها دو قرن قبل از اروپایی‌ها از قطب‌نماهای مغناطیسی برای ناوبری استفاده می‌کردند. ژنگ

فرزند مسلمانی از استان یوننان بود که در سن ۱۲ سالگی به عنوان خواجه دربار کار خود را آغاز کرد. امپراتور یونگل (۲۴-۱۴۰۳) او را برای متحدسازی کشورهای جنوب و جنوب شرقی تحت سلطه چین انتخاب کرد. ژنگ بین سالهای ۱۴۰۵ تا ۱۴۳۳ هفت سفر مختلف را هدایت کرد. اولین سفر شامل بیش از ۶۰ کشتی بود که بزرگترین آنها ۱۳۰ متر طول داشت و ۲۷۰۰۰ نفر را حمل می‌کرد. چهارمین سفر او، از سال ۱۴۱۳ تا ۱۴۱۵، یک سفر به طول ۱۲۰۰۰ کیلومتر بود که در هرمز خلیج فارس توقف کرد. او ۸۰ سال قبل از پرتغالی‌ها بخشی از ناوگان را به سمت سواحل عربستان تا عدن حرکت داد و به کاوش در سواحل شرقی آفریقا پرداخت و تقریباً تا موزامبیک رفت. هنگامی که ناوگان در سال ۱۴۱۵ به چین بازگشت، نمایندگان از بیش از ۳۰ کشور آمدند برای ادای احترام به محموله غنی چین که شامل یک زرافه نیز میشد! ژنگ در آخرین سفرهای خود از خلیج فارس و خط‌ساحلی شرقی آفریقا، از جمله بنادر سومالی و کنیا امروزی بازدید کرد. سفرهای او بدون شک منافع تجاری چین را پیش می‌برد. کشتی‌های او محموله‌هایی شامل ابریشم، چینی، مروارید، مشک، طلا، برنج، ارزن و لوبیا را حمل می‌کرد. او با عاج، شاخ کرگدن، کهربا، رنگدانه‌ها و حیوانات عجیب و غریب به چین بازگشت. ژنگ در سال ۱۴۳۴ درگذشت. سلسله مینگ در نتیجه شورش‌های داخلی و حمله مانچوها سقوط کرد. چین درهای خود را بست و موقعیت خود را به عنوان یک قدرت بزرگ دریایی از دست داد، اما بدون تایید رسمی به تجارت خود ادامه داد. سپس پرتغالی‌ها وارد آفریقا شدند و در سال ۱۴۶۰ به سواحل غرب آفریقا و سیرالئون سفر کردند. پرتغال نزدیک به ۲۰۰ سال بر تجارت جهانی تسلط داشت.

روابط معاصر

جمهوری خلق چین در ۱ اکتبر ۱۹۴۹ تأسیس شد. سیاست خارجی چین جدید به عنوان «اتکا به یک سو» با متحدشدن با اتحاد جماهیر شوروی، به اجرا درآمد.

چین تازه تاسیس حامی کشورهای آفریقایی بود که دارای تجربیات تاریخی مشترک بودند؛ در حالی که هر دو قربانی «استعمار سرمایه داران و امپریالیست‌ها» بودند. این موضوع راه را برای جلب حمایت سیاسی کشورهای آفریقایی هموار کرد. این ایدئولوژی تا پایان انقلاب فرهنگی در دهه ۱۹۷۰ موضوع اصلی سیاست خارجی چین بود. مائو تسه تونگ مکرراً دوستان و سازمان‌های آفریقایی را پذیرایی می‌کرد و «همدردی صمیمانه و حمایت کامل چین از مبارزه مردم آفریقا علیه امپریالیسم و استعمار» را اعلام می‌کرد. چین از جنبش‌های آزادی‌بخش کشورهای آفریقایی به عنوان بخشی از جبهه متحد بین‌المللی علیه ابرقدرت‌ها - ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق - حمایت کرد. چین شباهت‌هایی را با آفریقا حس کرد و خود را در کنار کشورهای آفریقایی تحت عنوان «همبستگی جنوب-جنوب» دید.

کنفرانس آسیا-آفریقا در سال ۱۹۵۵، با حضور نمایندگانی از ۲۹ کشور تازه استقلال یافته، در باندونگ، اندونزی برگزار شد. در آنجا، نخست‌وزیر چین، ژو انلای، به طور فعال با رهبران کشورهای آفریقایی (مصر، اتیوپی، غنا، لیبیا، لیبی و سودان) درباره استعمار، همکاری اقتصادی و فرهنگی، و نقش آن‌ها در جهانی که تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ قرار داشتند، بحث و گفت‌وگو کرد. یک سال بعد، چین اولین روابط دیپلماتیک در این قاره را با مصر برقرار کرد که همچنین اولین دریافت‌کننده کمک از چین بود. ژو انلای اولین تور آفریقایی خود را در سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۴ در چارچوب جنگ سرد انجام داد. او از ده کشور آفریقایی دیدن کرد تا در رقابت با «امپریالیست‌ها» (ایالات متحده آمریکا) و «تجدیدنظر طلب‌ها» (اتحاد جماهیر شوروی سابق) حمایت قاره را به دست آورد.

در سراسر دهه ۱۹۶۰، چین «با هر دو مشت» به ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق حمله می‌کرد. در حالی که روابط چین با شوروی رو به وخامت بود، برای کسب کرسی در سازمان ملل متحد در حال لابی بود و در سال

۱۹۶۶ دانشمندان و پژوهشگران چینی توانستند از ایالات متحده بازدید کنند. در اوایل دهه ۱۹۶۰، چین با ده کشور و در پایان سال ۱۹۷۰ با ۴۴ کشور از ۵۰ کشور مستقل آفریقایی روابط دیپلماتیک برقرار کرده بود. چین هزاران مهندس، تکنسین و پزشک را به آفریقا فرستاد تا استادیوم‌ها، بیمارستان‌ها، راه‌آهن‌ها و زیرساخت‌های دیگر بسازند. راه‌آهن تازارا روابط چین و آفریقا را برای دهه‌های آینده تقویت کرد. این خط آهن به طول ۱۸۶۰ کیلومتر در شرق آفریقا، بندر دارالسلام در تانزانیا را به شهر کاپیری موشی در استان مرکزی زامبیا متصل می‌کند. این پروژه بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ به عنوان پروژه کلیدی توسط چین تامین مالی و پشتیبانی شد. تانزانیا، زامبیا و چین راه‌آهن را با روح پان‌آفریقایی سوسیالیستی به عنوان «راه‌آهن بزرگ اوهورو» ساختند (اوهورو کلمه سواحلی به معنای آزادی است). هدف ساخت راه‌آهن از بین بردن وابستگی اقتصادی زامبیای محصور در خشکی به رودزیا (زیمبابوه کنونی) و آفریقای جنوبی بود که در آن زمان هر دو توسط دولت‌های اقلیت سفیدپوست اداره می‌شدند. حتی امروز، تازارا همچنان نماد پایدار حمایت چین از استقلال و توسعه آفریقا است، همانطور که در گفت‌وگوهای رسمی و روایت تاریخی چین تکرار شده است.

تایوان و خط مشی چین واحد

اعلام جمهوری خلق چین توسط مائو تسه تونگ، رهبر کمونیست چین، به جنگ داخلی تمام‌عیار بین حزب کمونیست چین حزب ملی‌گرا یا کومینتانگ پایان داد. حزب ملی‌گرا چیانگ کای‌شک و ارتش به جزیره تایوان بازگشتند، که فقط ۹۰ مایل از ساحل چین اصلی فاصله داشت. جمهوری چین یا همانطور که رسماً خود را تایوان می‌نامد، از نظر سیاسی از جمهوری خلق چین جدا ماند. در حالی که چین، تایوان را بخشی از خود می‌داند ولی تاکنون به منظور ممانعت از جدایی رسمی، به زور متوسل نشده است. چین در اجرای سیاست «چین واحد» ثابت قدم است و در برابر به رسمیت شناختن تایوان مستقل استقامت می‌کند. با این

حال، چین و تایوان روابط اقتصادی گسترده‌ای را برای تجارت و دیدار با خویشاوندان شکل داده‌اند. ایالات متحده به یک «راه حل صلح آمیز» در مورد تایوان متعهد شده است و به فروش فناوری نظامی به منطقه ادامه می‌دهد تا تایوان بتواند از خود دفاع کند. در همین حال چین از سیاست آمریکا در قبال تایوان به عنوان مداخله در امور داخلی خود انتقاد می‌کند. «سقوط» سرزمین اصلی چین به دست کمونیسم در سال ۱۹۴۹ باعث شد که ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری خلق چین به حالت تعلیق در آورد. این شرایط ادامه داشت تا زمانی که رئیس‌جمهور ایالات متحده نیکسون در فوریه ۱۹۷۲ سفر کرد و به دو دهه خصومت جنگ سرد پایان داد. حمایت سیاسی کشورهای آفریقایی از چین در زمان پیوستنش به سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ و در نتیجه تصاحب مقر ROC (تایوان) بسیار مهم بود. بعد از آن، تایوان شاهد کاهش شدید تعداد کشورهای آفریقایی است که آن را به رسمیت می‌شناسند. پس از اینکه مالایا در سال ۲۰۰۷ وفاداری خود را از تایپه به پکن تغییر داد، تنها چهار کشور سوازیلند، بورکینافاسو، گامبیا، و سائو تومه و... تایوان را به رسمیت می‌شناختند. ده سال بعد، بورکینافاسو و سوازیلند، آخرین متحدان آفریقایی تایوان بودند. آن‌ها می‌گویند که هیچ برنامه‌ای برای قطع روابط با تایوان ندارند. با این حال، پیش‌بینی اینکه این دو کشور تا چه زمانی می‌توانند در برابر حوزه نفوذ اقتصادی چین مقاومت کنند، دشوار است.

دنگ شیائوپینگ اصلاحات را در سال ۱۹۷۸ با تمرکز بر توسعه اقتصادی داخلی آغاز کرد و اقتصاد را از دستوری به بازار تغییر داد. سوسیالیسم عمل‌گرایانه با ویژگی‌های چینی، چین را به روی سرمایه‌گذاری و بازار جهانی باز کشاند و این کشور را به یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان تبدیل کرد. اساساً، معضل این کشور تنظیم رابطه بین پیشرفت اقتصادی و آزادی سیاسی برای تضمین قدرت حزب کمونیست چین است. همین چالش پس از فاجعه میدان تیان آن من در سال ۱۹۸۹ همچنان ادامه دار است. همین تراژدی به رابطه ماه

عسل‌گونه چین با کشورهای غربی برای چند سال پایان داد و توسط غرب مورد انتقاد و انزوا قرار گرفت. بنابراین برای تقویت روابط قدیمی خود و آغاز پروژه های جدید به آفریقا روی آورد. در دهه ۱۹۹۰، روابط چین و آفریقا سرانجام از ایدئولوژی به امور اقتصادی تغییر کرد. تجارت چین و آفریقا به سرعت افزایش یافت و از ۱۰.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ و به ۱۶۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسید. در سال ۲۰۱۲، چین با پیشی گرفتن از ایالات متحده و اروپا به بزرگترین شریک تجاری آفریقا تبدیل شد.

ورود چین به آفریقا مورد توجه بسیاری از محققان، سیاست‌گذاران و اصحاب رسانه قرار گرفت. تعامل سریع آن با فعالیت‌های اقتصادی در آفریقا نگرانی‌هایی را برانگیخته است. اهداف چین در آفریقا چیست؟ و علاوه بر این، چه تأثیری بر توسعه آفریقا دارد؟ خوب است یا بد؟ ادبیات نسبتاً گسترده در این زمینه، علاقه‌های چند بعدی و چندلایه چین در آفریقا را توصیف، بررسی و تحلیل کرده و نظراتی را درباره آن ارائه داده است. به طور کلی توافق وجود دارد که اقتصادهای آفریقایی از همکاری چین با آفریقا سود برده اند؛ اما به طور فزاینده‌ای این سوال مطرح می‌شود که آیا این رابطه برای آفریقا به همان اندازه که برای چین مفید بوده خوب بوده است یا خیر؟ پژوهشگران برجسته انتقاداتی داشته‌اند. کریس آلدن در کتاب «چین در آفریقا» (۲۰۰۵) اشاره کرد که چین با چه سرعت زیادی وارد آفریقا شد. او نگران تجارت بی‌قید و شرط چین و واکنش مشتاقانه‌ای بود که دولت‌های آفریقایی به آن داشتند. سیف‌الدین ادم در مقاله خود با عنوان «پارادوکس سیاست چین در آفریقا» (۲۰۱۰) ادعا کرد که تعامل آفریقا با چین مانع از تلاش این کشورها برای غلبه بر وابستگی و توسعه نیافتگی خواهد شد. شیوه های تجاری چین و زیرساخت‌هایش برای مدل منابع، عمدتاً مورد انتقاد قرار گرفته است. بسیاری از آن‌ها به دلیل آسیب رساندن به منابع طبیعی قاره سیاه مورد انتقاد و چین را به رفتار «نئو استعمارگرایانه» متهم کرده‌اند. دیپلماسی

نفتی تیلور چین در آفریقا (۲۰۰۶) تأیید کرد که چین در درجه اول به دنبال نفت و سایر منابع طبیعی آفریقا است. بعدها، تیلور در روابط بین‌المللی آفریقای صحرای جنوبی (۲۰۱۰)، آفریقا را به صحنه جهانی مرتبط کرد که در آن بازیکنان جدید و قدیمی برای منابع آفریقا با هم رقابت می‌کنند. کارمودی در کتاب «تلاش‌های جدید در آمریکا» ادعا کرده است که دخالت چین در آفریقا به استعمار شبیه است. در مقابل، دبرا بریتنگام گفته است که آفریقا منفعت سرشاری را از همراهی با چین کسب کرده است زیرا مسیر رشد با چین از کمک‌های پدرسالارانه غرب موثرتر است. کتاب «هدیه اژدها» وی (۲۰۰۹) به یک موفقیت و مرجع برای کسانی تبدیل شد که دیدگاه معتدل تری نسبت به نیات چین در آفریقا داشتند. روزنامه‌نگاران اسپانیایی، خوان پابلو کاردنال و هریرتو آرائوخو، دیدگاه‌های نسبتاً متضادی در مورد چین و اهداف آن، در آفریقا و در سطح جهان دارند. کتاب «ارتش خاموش چین» (۲۰۱۴) ادعا می‌کند که چین به دنبال رهبری جهان است. آنها شرایط بد کاری و رفتاری با کارگران، اعم از محلی و چینی، در شرکت‌های چینی فعال در آفریقا را افشا می‌کنند. با این حال، دیوید شامبو تلاش می‌کند تا ترس‌ها در مورد حاکمیت چین بر جهان را کاهش دهد. او در کتاب «چین جهانی می‌شود» (۲۰۱۴)، ادعا می‌کند که این تصور اغراق‌آمیز و نادرست است. از نظر او، چین راه درازی برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی واقعی در پیش دارد. با این حال، امروزه با توجه به حوادث اخیر و رویدادهای پیش‌بینی نشده در سیاست جهانی، ارزیابی مجدد دوره‌ای ضروری است.

بسیاری از آفریقایی‌ها نسبت به حضور چین در آفریقا ابراز نگرانی کرده‌اند. مانجی و مارکس صدای خود را به عنوان تحلیلگران و فعالان مستقل در «چشم‌اندازهای چین در آفریقا» (۲۰۰۷) که مجموعه مقالاتی است، بلند کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان در مقالات نگرانی‌هایی در مورد مردم آفریقا دارند، اما هیچ «دیدگاه آفریقایی» واحدی در مورد چین در آفریقا وجود ندارد. روچا سازمان‌های

جامعه مدنی آفریقا را برای اطمینان از توسعه اقتصادی آفریقا به سمت پایداری حیاتی ارزیابی می‌کند و نگرانی‌هایی را در مورد بهره‌برداری از منابع طبیعی آن افزایش می‌دهد. ندویسی اوبیورا حقوق بشر و دموکراسی را برای توسعه آفریقا ضروری می‌داند. کوسی کرا پرا، ضمن انتقاد از نگرانی‌های غرب در مورد چین، گذشته استعماری غرب در آفریقا را مطرح می‌سازد. از نظر او، غرب صرفاً «به نفوذ چینی‌ها به آفریقا حسادت می‌کند». در مقابل، آنابلا لموس و دانیل ریبرو، موزامبیک را «غذای چین» توصیف می‌کنند و نگران هستند که این کشور در خطر استعمار مجدد قرار گیرد. علی عسکوری از سیاست عدم مداخله چین انتقاد می‌کند و مدعی است که روابط اقتصادی چین و دولت‌های آفریقایی بسیار نزدیک است. او بر مزایای خودتوانمندسازی اقتصاد آفریقایی‌ها تأکید می‌کند. موزی تنها نفری نیست که می‌گوید سرزنش کردن استعمار برای شکست‌های آفریقا متعلق به زمان‌های گذشته است. از نظر او آپارتاید تاریخ ناگواری است که هرگز نباید فراموش شود، اما اکنون زمان آن فرا رسیده است که به جلو برویم. الی کاموگیشا با این موضوع موافق است. او در کتاب «چرا آفریقا شکست می‌خورد» (۲۰۱۲)، ادعا می‌کند که بیقراری آفریقا تا حد زیادی نتیجه اشتباهات آن است: طمع، سیاست‌های ضعیف و فقدان رهبری.

چین

چین کشوری پهناور با تنوع بسیار زیاد پوشش زمین و آب و هوای متنوع است. جمعیت آن بیش از ۱.۳ میلیارد نفر است که به طور نابرابر در سراسر استان‌های آن توزیع شده است. این کشور دارای طولانی‌ترین تاریخ ثبت شده مداوم در جهان است. قدیمی‌ترین نوشته چینی که بیش از ۴۰۰۰ سال پیش بر روی به اصطلاح استخوان‌های اوراکل یافت شده است، اطلاعاتی در مورد توسعه خط چینی ارائه می‌دهد. قدیمی‌ترین آثار ادبی مربوط به اواخر سلسله ژو (۱۰۴۶-۲۵۶ قبل از میلاد) است که طولانی‌ترین دوره سلسله‌های چینی بوده است. تأثیرگذارترین اذهان در

سنت فکری چین در دوره سلسله ژو، به ویژه در دوره ژو شرقی (۷۷۰-۲۵۶ قبل از میلاد) شکوفا شد. بسیاری از ایده‌هایی که لائوزی، کنفوسیوس، منسیوس و موزی توسعه داده‌اند، تمدن چینی امروزی را معرفی می‌کند.

حکومت

چین یک کشور تک حزبی است و قدرت زیادی در اختیار حزب کمونیست چین قرار دارد. این حزب به مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه مائو تسه تونگ، نظریه دنگ شیائوپینگ، سه بیان جیانگ زمین، جامعه هماهنگ هو جین تائو، و اندیشه شی جین پینگ مبتنی است که پس از کنگره یک هفته‌ای حزب کمونیست در اکتبر ۲۰۱۷، در اساسنامه حزب گنجانده شد. بازگرداندن چین به عظمت، دال مرکزی است. رژیم استبدادی که طیف قابل توجهی از آزادی‌های اقتصادی را تحمل می‌کند، در سیستم حکومتی اعمال می‌شود که شامل حزب کمونیست چین (CPC)، کنگره ملی خلق NPC و دولت مرکزی خلق (همچنین به عنوان شورای دولتی شناخته می‌شود). CPS حزب کمونیست چین حزبی است که دارای قدرت می‌باشد.

CPC دارای سازمان‌های مرکزی و محلی است که در راس کمیته مرکزی قرار دارد. هنگامی که جلسه تشکیل نمی‌شود، دفتر سیاسی و کمیته دائمی آن قدرت کمیته مرکزی را اعمال می‌کنند. هر دو دفتر سیاسی و کمیته دائمی توسط جلسه عمومی کمیته مرکزی انتخاب می‌شوند. اعضای حزب در سراسر کشور تقریباً همه پست‌های برتر را در دولت، ارتش و نهادهای امنیت داخلی و همچنین در بسیاری از نهادهای مالی و تجاری، دانشگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی را دارا می‌باشند. حزب کمونیست چین هیچ شکلی از اپوزیسیون سازمان یافته یا احزاب سیاسی مستقل را تحمل نمی‌کند. علیرغم آزادی نسبی در مباحث خصوصی، رسانه‌های چین به شدت محدود هستند. همه تلویزیون‌ها، رادیوها و رسانه‌های چاپی چین، بلندگوهای حزب هستند. قوانین چین به طور رسمی رفتار برابر را برای تمام اقشار جامعه تضمین می‌کند، اما همیشه در عمل به این امر

دست نمی‌یابد. خانه آزادی (۲۰۱۷) روند نزولی آزادی را در نتیجه نظارت مایوس کننده بر بحث خصوصی و عمومی، به ویژه آنلاین، گزارش می‌دهد که توسط امنیت سایبری و قوانین سازمان‌های غیردولتی خارجی (NGO)، به وکلای حقوق بشر، میکرو بلاگرها، فعالان مردمی و معتقدان مذهبی افزایش نظارت بر اینترنت و احکام سنگین صادر شده است.

NPC جمهوری خلق چین بالاترین ارگان قدرت دولتی است. مدت مسئولیت NPC و کمیته دائمی آن پنج سال است. ۳۰۰۰ عضو آن سالی یک بار گرد هم جمع میشوند. NPC عملاً یک نهاد نمادین تحت رهبری CPC است. تنها انتخابات رقابتی برای کمیته‌های روستایی و شوراهای شهری است که اختیارات محدودی دارند و تابع کمیته‌های محلی CPC هستند. نام‌نویسی نامزدها به شدت تحت کنترل است و بسیاری از انتخابات با تقلب، فساد و حمله به نامزدهای مستقل خدشه وارد شده است.

ارگان اداری مرکزی، شورای حکومت مرکزی خلق است. ادارات دولتی محلی در چهار سطح قرار دارند: استان‌ها (مناطق خودمختار و شهرداری‌های تحت مدیریت مرکزی)؛ شهرها؛ بخش‌ها؛ و شهرستان‌ها. دولت و ارتش زیرمجموعه CPC هستند که دستور کار سیاست ملی را تعیین می‌کند.

ریاست جمهوری جمهوری خلق چین به عنوان رئیس دولت، به عنوان یک ارگان مستقل است و دفتر قدرت دولتی، خودش در مورد امور ملی تصمیم نمی‌گیرد، بلکه قدرت خود را بر اساس خط‌مشی‌های NPC و کمیته دائمی آن اعمال می‌کند. در هجدهمین کنگره حزب در نوامبر ۲۰۱۲، کمیته دائمی جدید دفتر سیاسی متشکل از هفت عضو معرفی شد. ریاست آن را شی جین‌پینگ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، رئیس جمهور چین و رئیس کمیسیون نظامی مرکزی بر عهده دارد. او در مارس ۲۰۱۳ به عنوان رئیس جمهور کشور انتخاب شد. شی در جریان نوزدهمین کنگره حزب که در اکتبر ۲۰۱۷ برگزار شد،

مجدداً به سمت دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و به عنوان رئیس شورای نظامی انتخاب شد.

اصلاحات اقتصادی

دنگ شیائوپینگ اقتصاد راكد و دولت آسیب دیده را از مائو تسه تونگ به ارث برد. چین هنوز توسعه یافته نبود. تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه آن مانند زامبیا بود که کمتر از نیمی از میانگین کشورهای آسیایی و کمتر از دو سوم متوسط آفریقا بود. تولید صنعتی و تجارت این کشور با توجه به اهداف تولید متمرکز کنترل می شد. کشاورزی جمعی یک امر عادی بود. به دنبال اصلاحات در سال ۱۹۷۸ و تحت رهبری دنگ، چین از یک اقتصاد متمرکز به یک اقتصاد مبتنی بر بازار تغییر رویکرد داد. اجزای اصلی اصلاحات شامل کشاورزی با انگیزه قیمت و مالکیت برای کشاورزان می شد. تجارت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI هسته اصلی اصلاحات اقتصادی به عنوان بخشی از سیاست درهای باز بود. این امر باعث تشویق چین برای واردات خارجی و ارتقای صادرات شد. در دهه ۱۹۸۰، از سرمایه‌گذاران خارجی دعوت شد تا کارخانه‌هایی را در مناطق ویژه اقتصادی در امتداد ساحل، در مناطق شنژن و شانگهای، مستقل یا به طور مشترک با شرکت‌های چینی، برای فرآوری مواد وارداتی یا تولید شده در داخل برای صادرات، راه‌اندازی کنند. هیچ عوارضی برای مواد آماده شده برای صادرات وضع نشد. هدف اصلی از این کار جذب نیروی کار چینی با استفاده از سرمایه و دانش فنی سرمایه‌گذاران خارجی بود. دنگ در توسعه منطقه ساحلی نقش بسزایی داشت و اظهار کرد که «برخی مناطق باید قبل از سایرین ثروتمند شوند» و ثروت مناطق ساحلی در نهایت برای کمک به ساخت و سازهای اقتصادی در داخل کشور خرج شود. عبارت دنگ «پولدار شدن شکوهمند است» در طول تور معروف او در جنوب چین در سال ۱۹۹۲، کارآفرینی را تشویق کرد تا اقتصاد چین را به حرکت درآورد. در سال ۱۹۹۹، چین خط‌مشی «برو بیرون» یا «استراتژی

جهانی شدن» را راه اندازی کرد تا شرکت‌های چینی را تشویق به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور کند. سپس ورود این کشور به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، چین را در اقتصاد جهانی ادغام کرد. در نتیجه، چین رشد کرد و این رشد پیش‌بینی نشده قابل توجه بود. چین برای حفظ صنایع و شرکت‌های ساختمانی خود و همچنین بازارهای جدید برای محصولات خود به نفت و منابع آفریقا نیاز داشت. چین به مرکز تولید جهان تبدیل شده بود.

در واقع، چین از اصلاحات بازار سود برده است. تنها در این چند دهه، این کشور به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده و به یک مرکز تولیدی تخصصی در تولیدات مبتنی بر نیروی کار و صادرات منجر شده است. تولید قابل توجه ناخالص داخلی دو رقمی سالانه چین، بیش از ۸۰۰ صد میلیون نفر را از فقر نجات داد (بانک جهانی، چین ۲۰۱۷). شاخص توسعه انسانی به طور پیوسته افزایش یافته و امید به زندگی، ثبت نام در مدارس ابتدایی و سواد با سایر کشورهای با درآمد متوسط قابل مقایسه است. امروزه اکثر شهروندان چینی در وضعیت بهتری نسبت به گذشته قرار دارند. ثروتمند شدن برای بسیاری واقعیت است.

رشد اقتصادی

چین به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی جهانی ظاهر شده است. این کشور در حال حاضر دومین اقتصاد بزرگ جهان است.

پیش از اصلاحات در سال ۱۹۷۹، میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سالانه در چین ۵.۳ درصد (از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸) بر اساس خدمات تحقیقات کنگره تخمین زده شده است. رشد سالانه چین در سال ۱۹۹۰ معادل ۳.۹ درصد بود. بر اساس گزارش بانک جهانی، تا سال ۲۰۰۰ رشد سالانه ۸.۵٪ و تا سال ۲۰۰۷ به ۱۴.۲٪ به اوج خود رسید. از آن زمان به بعد، با تأثیرات رکود جهانی، شیب و افت شدیدی در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین رخ داد. در آگوست

سال ۲۰۰۸، زمانی که چین میزبان بازی‌های المپیک تابستانی بود، آسمان از آلودگی پاک شد و مذاکرات اصلاحات سیاسی ناپدید نشد. اقتصاد این کشور در حال رشد بود. در سپتامبر همان سال، چهارمین بانک سرمایه گذاری بزرگ ایالات متحده، Lehman Brothers، سقوط کرد. اقتصاد جهانی وارد رکود شد و بحران اقتصادی جهانی اقتصاد چین را تحت تاثیر قرار داد. صادرات، واردات و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین کاهش یافت، رشد تولید ناخالص داخلی کند شد و از قرار معلوم میلیون‌ها کارگر چینی شغل خود را از دست دادند. دولت چین با اجرای یک بسته محرک اقتصادی ۵۸۶ میلیارد دلاری و کاهش سیاست‌های پولی برای افزایش وام‌دهی بانکی به این موضوع واکنش نشان داد. در سال ۲۰۰۸ نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشور با ۴.۶ درصد کاهش به ۹.۶ درصد رسید که برابر با سال ۲۰۰۶ بود. در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، چین به هدف بلندمدت رشد ۸ درصدی خود رسید. با این حال، در سال ۲۰۱۲، رشد تولید ناخالص داخلی آن ۷.۹٪ بود، بنابراین دولت «متوسط جدید» را با هدف رشد ۷.۵٪ اتخاذ کرد. در سال ۲۰۱۵، تولید ناخالص داخلی چین به کمترین رقم در ۲۵ سال گذشته رسید، زیرا رشد تنها ۶.۹ درصد بود. این یک شوک برای بازارهای جهانی بود. صندوق بین‌المللی پول، پیش‌بینی کرد که رشد کشور در سال ۲۰۱۶ به ۶.۳ درصد و در سال ۲۰۱۷ به ۶.۰ درصد کاهش خواهد یافت. با این حال، طبق داده‌های رسمی، اقتصاد چین در سال ۲۰۱۶ به ۶.۷ درصد افزایش یافت، هرچند که با دوز سنگین محرک‌های دولتی همراه بود. رشد سال ۲۰۱۶ از رشد ۶.۹ درصدی سال ۲۰۱۵ کمتر، اما از پیش‌بینی‌ها بیشتر بود. اقتصاددانان می‌گویند که چنین رشدی نمی‌تواند به طور نامحدود ادامه یابد. آنها انتظار دارند که در سال ۲۰۱۷ به ۶.۵ درصد کاهش یابد.

مشکلات چین در صنعت و بازارهای املاک و مستغلات ناشی از ظرفیت مازاد تولید و اعطای وام بیش از حد به دولت‌های محلی است. این امر منجر به

عرضه بیش از حد خانه و کاهش قیمت‌ها به ویژه در خارج از شهرهای بزرگ شده است. اگرچه مقدار بدهی چین به برخی از کشورهای مقروض دیگر نزدیک است، اما سرعت رشد بدهی نگران کننده است. طبق گزارش مک کینزی (۲۰۱۵)، بدهی‌ها از سال ۲۰۰۷ چهار برابر شده است و حدود ۵۰ درصد وام‌ها به خرید املاک و مستغلات مرتبط است. بازارهای جهانی از سقوط رشد چین بیم دارند. اعتبار داده‌ها برای مدت طولانی مشکل ساز بوده است. به گزارش خبرگزاری رسمی چین، شین هوا، فرماندار لیائونینگ - یک منطقه صنعتی بزرگ در شمال شرق چین - گفت که آمارهای نادرست اطلاعات اقتصادی این استان را از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ افزایش داده که موجب تردیدهای طولانی در مورد صحت داده‌های اقتصادی چین شده است. این استان به جعل داده‌های اقتصادی برای سال‌ها اعتراف می‌کند (CNN 2017)

توسعه اقتصادی چین نیز موجب بروز مشکلات فراوانی شده است. این مشکلات به چالش کشیدن مشروعیت دولت منجر می‌شود که بیشتر وابسته به حفظ رشد اقتصادی و نحوه موفقیت آن در برخورد با مسائل جامعه‌ای جدید استوار است. تظاهرات شهروندان در سراسر کشور رایج شده و در حقیقت، رشد اقتصادی به ضرر محیط زیست بوده است. سرعت تخریب محیط زیست شدید و بحران زیست محیطی فزاینده چین یکی از مهم‌ترین چالش‌های این کشور است. این کشور بزرگترین منبع انتشار کربن در جهان است و در نتیجه کیفیت هوای بسیاری از شهرها مطابق با استانداردهای بهداشتی بین‌المللی نیست. به دلایلی، شهروندان نگران تهدیدات سلامتی خود هستند. ثمرات رشد به طور نابرابر توزیع شده است. شکاف درآمدی در میان مردم در حال افزایش است در حالی که اختلافات بین روستاها و شهرها رو به گسترش می‌باشد. همزمان چین با فشارهای جمعیتی مرتبط با عدم تعادل جنسیتی، پیری جمعیت و مهاجرت داخلی نیروی کار مواجه است. پیری سریع جمعیت به این معنی است که نسبت

نیروی کار در حال کاهش و تعداد افراد تحت تکفل در حال افزایش است. در پاسخ، چین اخیراً محدودیت‌های سیاست تک فرزندی خود را کاهش داده و به همه زوجها اجازه داده تا دو فرزند داشته باشند. با این حال، ممکن است فشارهای جمعیتی بر اقتصاد را کاهش ندهد، زیرا بسیاری از زوج‌ها می‌گویند که نمی‌توانند از پس فرزند دیگری برآیند. همچنین، چین در حال تغییر و تحول سریع روستایی-شهری است. بانک جهانی (۲۰۱۴) تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۳۰ حدود ۷۰ درصد از جمعیت چین - حدود یک میلیارد - در شهرها زندگی خواهند کرد. شهرنشینی سریع باعث افزایش تقاضا برای اشتغال، زیرساخت‌های شهری و خدمات اجتماعی شده است. دولت سیستم ثبت‌نام شهری خود را تسهیل کرده تا انتقال روستا به شهر را آسان‌تر کند. دهقانان مهاجر می‌توانند برای کار در شهرها با مشاغل کم‌درآمد نقل مکان کنند، اما واجد شرایط دریافت خدمات اجتماعی اولیه شهری نیستند. فرزندان آن‌ها اغلب در حومه شهر به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها یا بستگان سپرده می‌شوند و حتی گاهی اوقات خودشان باید مراقب خودشان باشند.

چین برای تغییر مسیر اقتصادی خود اکنون در حال تبدیل شدن از یک اقتصاد مبتنی بر تولید به یک اقتصاد خدماتی و فناوری پیشرفته با گستره جهانی است که بر آفریقا و اقتصادهای آن نیز تأثیر دارد.

آفریقا

آفریقا دومین قاره بزرگ جهان با ۵۴ کشور مجزا و جمعیتی در حال رشد تقریباً یک میلیاردی است. این مناطق عبارتند از شمال آفریقا، غرب آفریقا، شرق آفریقا، آفریقای مرکزی و آفریقای جنوبی. آفریقا سرزمین متنوع با منابع طبیعی فراوان است. آفریقا دارای حیات وحش خارق‌العاده، مناظر و فرهنگ‌های جذاب و پیچیدگی‌های تقسیمات قومی است. این قاره نه تنها از منظر جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیز دارای تضادهای بسیاری

است. این یک مکان از تغییرات فضایی و فرهنگی است، مانند یک چهره ژانوسی، که شبیه به یک ماسک آفریقایی با چهره‌های مخالف است همزمان به گذشته و آینده نگاه می‌کند.

آفریقا در ابتدای نخستین منشأ بشریت قرار دارد، همانطور که توسط اکتشافات بسیاری در اطراف منطقه دره بزرگ اثبات شده است. سنت‌های اجدادی آن به دوران‌های اولیه بازمی‌گردد. تاریخ آفریقا شامل سنت و دو مهاجم بزرگ است. همپوشانی سنت‌های مسیحی-اروپایی و سنت‌های عربی-اسلامی به آفریقا مجموعه‌ای از ایده‌های غامض را تشکیل داده است. مسیحیت و اسلام ساختار رفتار آفریقایی را تغییر داد و رسوم جدیدی را ایجاد کرد که با سنت‌های باستانی رقابت می‌کند یا جایگزین آن شده. ضعف داخلی به همراه توسعه نیافتگی آفریقا به تاریخ آن مرتبط است که با تجارت برده و حکومت استعماری نمایان می‌شود. از اواخر قرن پانزدهم، اروپایی‌ها و اعراب از غرب، مرکز و جنوب شرقی آفریقا برده می‌گرفتند. در آغاز قرن هفدهم، هلندی‌ها شروع به اکتشاف و استعمار این قاره کردند. بریتانیا به عنوان ارباب دریاها، به بزرگترین کشور برده دار در جهان تبدیل شد. بین سال‌های ۱۴۹۲ و ۱۸۸۵، قدرت قاره اروپا بی‌رقیب بود. میلیون‌ها آفریقایی به آن سوی اقیانوس اطلس - قاره آمریکا و کارائیب - فرستاده شدند و اروپایی‌هایی را که مزارع و تجارت در آن اماکن داشتند؛ به ثروت و قدرت رساندند.

غلبه استعمارگران که منجر به استعمار مستقیم شد در حدود سال ۱۸۷۰ آغاز شد. در سال ۱۸۷۸، در کنگره برلین به میزبانی اولین صدراعظم آلمان، اتو فون بیسمارک، آفریقا توسط قدرت‌های اروپایی تقسیم شد. مانند یک کیک، با توجه به خطوط مستقیم از عرض و طول جغرافیایی، بر اساس اصل «اشغال موثر» تکه تکه شده است. آفریقا توسط پنج کشور رقیب بلعیده شد: آلمان، ایتالیا، پرتغال، فرانسه و بریتانیا (در حالی که اسپانیا مقدار کم و بی‌اهمیتی شریک بوده است).

این قاره به نام تجارت، مسیحیت، «تمدن» و تسخیر مورد استثمار و کنترل قرار گرفت. شدیدترین استثمار کنگو توسط بلژیک در زمان لئوپولد دوم، پادشاه بلژیک رخ داد. حضور قدرت‌های اروپایی در آفریقا در تلاش برای استعمار و الحاق قلمرو آفریقا، بین سال‌های ۱۸۸۱ و ۱۹۱۴ به اوج خود رسید. همه این رویدادها پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه آفریقا داشته است. تعامل بین آفریقا و اروپا به مدت ۱۵۰ سال - از سال ۱۸۰۷ که بریتانیا تجارت برده را ممنوع کرد، تا سال ۱۹۵۷ که ساحل طلایی غنا نام گرفت و مستقل شد - به صورت یک جنگ قاره‌ای تلخ بود. پس از پایان جنگ آفریقا استقلال سیاسی خود را از قدرت‌های استعمارگر به دست آورد؛ اما همچنان در چنگال روحی و جسمی اربابان استعماری سابق خود بود.

با تمامی این توضیحات، آفریقای مدرن ظهور کرد. استعمار زدایی در پی استقلال و درگیری‌ها در بسیاری از بخش‌های این قاره در نیم قرن بعد اتفاق افتاد. همه کشورهایی که قبلاً تحت کنترل آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه بودند، از حاکمان استعماری خود استقلال یافتند، به جز لیبیا و اتیوپی که هرگز مستعمره نشده بودند. در طول جنگ سرد، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰ - بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی - قدرت‌های غربی، دموکراسی یا اصلاحات بازار آزاد را بر کشورهای آفریقایی دریافت‌کننده کمک تحمیل نکردند. آن‌ها از دیکتاتورهای «دوست» ضد کمونیست مانند موبوتو سه سکو در زئیر حمایت می‌کردند که در کودتای تحت حمایت بلژیک و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به قدرت رسیده بود. پس از جنگ سرد، از دهه ۱۹۸۰، چگونگی حمایت‌های اقتصادی و سیاسی از سوی موسسات مالی تحت تسلط غرب به یک امر عادی تبدیل شد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول سیاست‌های تعدیل ساختاری را به اجرا گذاشتند تا کشورهای در حال توسعه را به آزادسازی اقتصاد خود در ازای دریافت وام تشویق کنند. به انجام رساندن این شرایط نیازمند دست‌یابی به

منابع است. سپس در دهه ۱۹۹۰ از کشورها خواسته شد تا دموکراسی چندحزبی را اتخاذ کنند. از سال ۱۹۹۴، زمانی که آفریقای جنوبی، از طریق انتخابات دموکراتیک، سیستم آپارتاید که بین‌المللی محکوم شده بود، را جایگزین کرد، حرکتی به سوی دموکراسی چندحزبی در سراسر قاره آغاز شده است. در سال ۲۰۱۵، انتخابات در کشورهای سیاست‌زده مانند نیجریه، تانزانیا، گینه و ساحل عاج نسبتاً مسالمت آمیز به پایان رسید. در حالی که در موریس، کیپ ورد، بوتسوانا، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان جنوبی و سومالی همه در اثر درگیری روبه ضعف رفته‌اند.

آفریقا، قاره ای که بیشترین استثمار را داشت، برای مدت طولانی در انزوا و به حاشیه رفتگی اقتصاد دچار بود. اما رشد و توسعه اقتصادی شروع شد و چین به آفریقا آمد. چین در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری، نفت و مواد خام را وارد و کالاهای ارزان قیمت به آفریقا صادر کرد. در سال ۲۰۱۲، چین مسلط‌ترین شریک تجاری ملی برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا (SSA) بود. زمانی که بازارهای جهانی در سال ۲۰۰۸ وارد رکود شد و رشد چین کاهش یافت؛ اقتصاد آفریقا بسیار ضربه خورد. مسیرهای پیشرفت و رشد در میان اقتصادهای آفریقا پیچیده است، اما بانک جهانی بهبودی را در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ برای SSA و بهبود تدریجی برای بزرگترین اقتصادهای منطقه پیش‌بینی می‌کند.

منابع

- Adem, S. (2010). The Paradox of China's Policy in Africa. *African and Asian Studies*, 9, 334–355. Leiden: Brill.
- Africa Renewal. (2013, January). Retrieved from <http://www.un.org/africarenewal/magazine/january-2013/china-heart-africa>

- Alden, C. (2005). China in Africa. *Survival: Global Politics and Strategy*, 47(3), 147–164.
<https://doi.org/10.1080/00396330500248086>.
- Asante, M. (2007). *The History of Africa. The Quest for Eternal Harmony*. London: Routledge.
- Brautigam, D. (2009). *Dragon's Gift, The Real Story of China in Africa*. New York: Oxford University Press.
- Cardenal, J. P., & Heriberto, A. (2014). *China's Silent Army: The Pioneers, Traders, Fixers and Workers Who Are Remaking the World in Beijing's Image*. London: Penguin.
- Carmody, P. (2011). *The New Scramble for Africa*. Cambridge: Polity Press. CNN. (2017). *Chinese Province Admits Falsifying Economic Data for Years*.
<http://money.cnn.com/2017/01/18/news/economy/china-province-falsified-economic-data/index.html>
- IMF. (2016a). *Regional Economic Outlook: Sub-Saharan Africa: Time for a Policy Reset*. April 2016 Issue. Retrieved from <https://www.imf.org/external/pubs/ft/reo/2016/afr/eng/pdf/sreo0416.pdf>
- IMF. (2016b). *World Economic Outlook*. Update January 2016. Retrieved from <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2016/update/01>
- Manji, F., & Marks, S. (Eds.). (2007). *Perspectives on China in Africa*. Nairobi/ Oxford: Fahamu.
- McKinsey. (2015). *Debt and (Not Much) Deleveraging Report*. Retrieved from <http://www.mckinsey.com/mgi>
- Muzi, K. (2012). *Black Man's Medicine*. Johannesburg: Jacana Media. Pakenham, T. (2011). *The Scramble for Africa 1876–1912*. London: Abacus.
- Shambaugh, D. (2014). *China Goes Global: The Partial Power*. Oxford: Oxford University Press.
- Smidt, W. (2001). A Chinese in the Nubian and Abyssinian Kingdoms (8th Century). *Arabian Humanities. International*

- Journal of Archeology and Social Sciences in the Arabian Peninsula*, 9. Retrieved from <https://cy.revues.org/33#quotation>
- Spence, J. D. (1999). *The Search for Modern China* (2nd ed.). New York: W.W. Norton & Company.
- Taylor, I. (2006, September). China's Oil Diplomacy in Africa. *International Affairs*, 82(5), 937–959. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1468-2346.2006.00579.x/abstract>
- Taylor, I. (2010). *The International Relations of Sub-Saharan Africa*. New York: The Continuum International Publishing Group Inc. The Freedom House. (2017). *Freedom in the World 2017*. China Profile. Retrieved from <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2017/china>
- Tucker, J. (2003). *The Silk Road: Art and History*. London: Philip Wilson Publishers.
- Twineyo-Kamugisha, E. (2012). *Why Africa Fails. The Case for Growth Before Democracy*. Cape Town: Tafelberg.
- World Bank. (2014). *Urban China: Toward Efficient, Inclusive, and Sustainable Urbanization, Development Research Center of the State Council, the People's Republic of China*. Washington, DC: World Bank. Retrieved from <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/18865>
- World Bank. (2016a). *Ethiopia Overview*, October 11, 2016. Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/country/ethiopia/overview>
- World Bank. (2016b). *Global Economic Prospects*. Sub-Saharan Africa. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/publication/global-economic-prospects>
- World Bank. (2017). *China Overview*. Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/country/china/overview>

Wu, Y. (2006). *China and Africa* (p. 23). Beijing: China Intercontinental Press.

Zhang, C. (2013). *Historical Changes in Relations Between China and Neighboring Countries (1949–2012)*. Retrieved from <http://isdpc.eu/content/uploads/images/stories/isdp-main-pdf/2013-chi-historical-changes-in-relationsbetween-china-and-neighboring-countries.pdf>

فصل دوم: چین در آفریقا

خلاصه

چین به یک قدرت اقتصادی در سطح جهان تبدیل شده و از اقتصاد و قدرت دیپلماتیک خود برای تجارت و سرمایه‌گذاری در آفریقا استفاده می‌کند. سیاست خارجی چین در موضوع آفریقا، چارچوب راهبردی روابط دوجانبه بین کشورهاست. تلاش چین برای دستیابی به قدرت جهانی ناشی از موقعیت قدرت اقتصادی آن است که الهام گرفته شده از تاریخ ۵۰۰۰ ساله و سنت‌هاست. آیین کنفوسیوس، رویای چینی، و جاده ابریشم جدید در خدمت اهداف سیاست داخلی و خارجی دولت هستند. زمانی که چین اولین پایگاه نظامی خارج از کشور را در جیبوتی تأسیس کرد، قدرت نرم این کشور به سخت تغییر کرد. «ظهور مسالمت‌آمیز با نمایشی کم‌فروغ»، به پایان رسیده است.

کلیدواژه‌گان: سیاست‌ها و محرک‌های چین

برای بیش از ۲۰۰۰ سال رویکرد مسلط چین در روابط خارجی به تمایز بین «ما چینی» و «دیگران غیرچینی» منوط بود. جهان گرایی چین محور بر پایه امپراتوران چین به عنوان فرزند بهشت استوار بود که فرمان حکومت بر همه بهشت و زیر بهشت را داشت. در امپراتوری چین، آیین کنفوسیوس و فرمان بهشت، پایه‌های نظام خراج‌دهی بودند که سیاست خارجی و تجارت را شکل دادند. در دوران امپراطوری‌ها، چین توسط قبایل آسیای مرکزی مورد حمله قرار میگرفت و در طول قرن نوزدهم و بیستم توسط غربی‌ها و در آخر در سال ۱۹۳۰ از طرف ژاپن مورد تهاجم قرار گرفت. از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، حزب کمونیست چین تأکید دارد بر لزوم بازیابی احترام و عزت چین به عنوان یک ملت بزرگ که به مدت یک قرن توسط مهاجمان خارجی تحقیر شده است. امروزه، استراتژی چین سه هدف بزرگ دارد: اول، تأمین نظم داخلی با حفظ قدرت اقتصادی، و در نتیجه مشروعیت بخشیدن به رژیم ژئوپلیتیکی. چین در دو دهه به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شد. این کشور به عنوان یک قدرت اقتصادی در مقیاس جهانی تبدیل شده و از قدرت اقتصادی و دیپلماتیک خود را برای به دست آوردن متحدان برای سرمایه‌گذاری و تجارت در آفریقا و سراسر جهان استفاده می‌کند. منافع چین در آفریقا سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ایدئولوژیک است. این کشور به دنبال جلب حمایت آفریقا از سیاست خارجی خود در مجامع چندجانبه است.

سیاست خارجه

سیاست خارجی چین توسط CPC تعیین می‌شود. این حزب با حدود ۷۰ میلیون عضو، تنها حزب سیاسی است که مجاز به اعمال قدرت در چین است. حزب کمونیست چین (CPC) ارتش آزادیبخش خلق (PLA) را کنترل می‌کند. رئیس‌جمهور به عنوان رئیس دولت خدمت می‌کند، در حالی که NPC با ۳۰۰۰ عضو، بالاترین سطح قدرت دولتی را در تئوری نشان می‌دهد. ریاست شورای ملی بر

عده نخست وزیر است که دولت را رهبری می کند. قانون اساسی سلسله مراتبی را مشخص کرده که چین را به استان ها، شهرها، بخش ها و شهرستان ها تقسیم می کند. هر یک از این سطوح در اجرای سیاست دخالت دارند.

سیاست خارجی چین برگرفته از اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز است. این اصول شامل احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم تجاوز متقابل، عدم مداخله (به ویژه در مورد تایوان و تبت)، برابری و منافع متقابل، و همزیستی مسالمت آمیز است. این پنج مورد برای اولین بار در توافقنامه بین چین و هند در سال ۱۹۵۴ بیان و سپس به شکلی اصلاح شده در بیانیه کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ گنجانده شد. ژانگ دریافت که پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز نشان دهنده تغییر از دیپلماسی انقلابی قبلی به دیپلماسی ملی است. تشدید رقابت برای آفریقا در دهه ۱۹۶۰، دستور کار سیاست خارجی چین قرار گرفت. بین سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴، ژو انلای از ده کشور آفریقایی بازدید کرد و هشت اصل کمک‌های خارجی اقتصادی و فناوری خود را در رابطه با تایید و حمایت آفریقا برای رقابت با «امپریالیست‌ها» (ایالات متحده آمریکا) و «تجدیدنظرطلب‌ها» (اتحاد جماهیر شوروی سابق) صادر کرد. در طول انقلاب فرهنگی، چین علی‌رغم مشکلات اقتصادی داخلی خود، به کمک‌های خارجی به آفریقا ادامه داد. این شامل راه آهن معروف تانزانیا - زامبیا هم می‌شد.

سومین اجلاس عمومی یازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که در سال ۱۹۷۸ تشکیل شد، تصمیم به اجرای سیاست اصلاحات و گشایش گرفت. حزب بر توسعه اقتصادی متمرکز شد و در نتیجه سیاست خارجی چین معتدل شد. به تدریج، دیپلماسی چین از قید و بندهای ایدئولوژیک خود آزاد گشت. از دهه ۱۹۸۰، دولت چین یک «سیاست خارجی مستقل و به‌دنبال صلح» را دنبال کرد. بر اساس آن، اهداف سیاست خارجی چین حفظ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی و همچنین ایجاد یک محیط بین‌المللی مساعد برای اصلاحات،

گشایش و نوسازی کشور بود. شعار دنگ شیائوپینگ «قدرت خود را پنهان و تا وقتش صبر کن» بود که هدف خود را برای فاصله گرفتن از مشکلات جهانی بیان می‌کند. انجمن مشارکت و توسعه علمی «هو جین تائو» هدف تضمین رشد اقتصادی چین را منعکس می‌سازد؛ در حالی که چین شروع به مشارکت بیشتر در امور جهانی از جمله تلاش برای حفظ صلح سازمان ملل کرده است. شی جین پینگ سیاست خارجی بسیار فعال تری نسبت به پیشینیان خود دارد. تحت ریاست او، چین در حال گسترش نقش خود در سیاست جهانی است. سیاست خارجی به رهبری شی «پیش‌کنشگر» شده است؛ در حالی که همچنان بر توسعه روابط حسن‌هم‌جواری، مشارکت جنبه‌های غیرنظامی در یکپارچگی اقتصادی و همکاری‌های چندجانبه تأکید دارد. «ظهور مسالمت آمیز با سطح پایین» که اصل اساسی سیاست خارجی چین است؛ به پایان رسیده است.

سیاست افریقایی

سیاست چین در آفریقا، به عنوان بخشی از سیاست خارجی این کشور، در ژانویه ۲۰۰۶ صادر شد. این کشور بر منافع متقابل و رفاه مشترک به عنوان یکی از اهداف کلی چین تأکید دارد. سیاست مربوط به آفریقا چهارچوب راهبردی روابط و مناسبات دوجانبه چین و آفریقا را تشکیل می‌دهد. حزب کمونیست چین و بخش بین‌الملل آن شالوده همکاری سیاسی و تجاری را می‌سازد. وزارت امور خارجه اجرای سیاست افریقایی را کنترل می‌کند، در حالی که وزارت بازرگانی نقش مهمی در تجارت، کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها دارد. بانک صادرات و واردات چین تحت رهبری مستقیم شورای ملی است که کمک‌های رسمی اقتصادی را در قالب وام‌های کم بهره، اعتبارات صادراتی و ضمانت‌ها توزیع می‌کند. سیاست آفریقا همچنین به مناسبت پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و آفریقا تنظیم شد. سیاست به روز شده آفریقا در دومین اجلاس مجمع همکاری چین و آفریقا (FOCAC) در سال ۲۰۱۵ منتشر شد که وعده کمک به آفریقا برای

غلبه بر تنگناهای زیرساختی و توسعه منابع انسانی را نشان می‌دهد. چین حمایت خود از آفریقا و تمایل خود برای دستیابی به «نتایج عملی» را تأیید می‌کند. برخلاف کشورهای غربی که برای دستیابی به آرمان‌های دموکراتیک به کشورهای دیگر می‌گویند که چگونه خودشان را اداره کنند. این سیاست همچنین بر تعهد چین به همکاری دوستانه با همه کشورهای آفریقایی، طبق اصول پنجگانه همزیستی مسالمت‌آمیز و اصول احترام متقابل و همکاری برد-برد تأکید دارد. همچنین سیاست آفریقایی چین پیش شرط سیاسی روابط با کشورهای آفریقایی را تعیین می‌کند. سیاست چین واحد، حمایت از اتحاد مجدد چین و امتناع از داشتن روابط و تماس‌های رسمی با تایوان؛ از جمله این پیش شرط‌هاست. تلاش چین برای حمایت آفریقا از سیاست چین واحد و به اصطلاح «مدل چینی»، مستلزم حمایت از ایدئولوژی سیاسی این کشور است. با این حال، سیاست عدم مداخله چین مبهم است زیرا این کشور به کشورهای سرکش مانند سودان و زیمبابوه سلاح می‌فروشد.

اتحادیه آفریقا (AU) مشارکت جدید برای توسعه آفریقا (NEPAD) را در لوزاکا، زامبیا، در سال ۲۰۰۱ تصویب کرد. NEPAD یک برنامه توسعه اقتصادی است که توسعه پایدار، حکمرانی خوب و دموکراسی را ترویج می‌دهد. هدف اصلی آن ریشه‌کن‌سازی فقر، ادغام آفریقا در اقتصاد جهانی و تسریع توانمندسازی زنان است. از آنجایی که چین از پرداختن به شفافیت، دموکراسی، مطبوعات آزاد، جامعه مدنی، قوه قضاییه مستقل و حاکمیت قانون - همه عناصر ساختاری NEPAD اجتناب دارد - می‌گوید از NEPAD از طریق FOCAC حمایت می‌کند. FOCAC مرام‌نامه چین برای نشان دادن همکاری با کشورهای آفریقایی است. بنابراین، چین می‌تواند از بحث درباره ارزش‌های مرتبط با NEPAD با اشاره به FOCAC اجتناب کند؛ زیرا می‌داند که این ارزش‌ها در دستور کار FOCAC نیستند.

FOCAC به عنوان بستری برای هماهنگی روابط بین دو طرف ایجاد شد. همچنین به عنوان ویتربینی برای همکاری چین و آفریقا عمل می‌کند. از زمان اولین مجمع در پکن در سال ۲۰۰۰، FOCAC در آدیس آبابا اتیوپی (۲۰۰۳)، پکن (۲۰۰۶ و ۲۰۱۲)، شرم‌الشیخ مصر (۲۰۰۹) و ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی (۲۰۱۵) برگزار شده است.

اولین اجلاس دو روزه چین و آفریقا در نوامبر ۲۰۰۶ در پکن برگزار شد. تصاویری از حیات وحش و مردم آفریقا بر روی بیلبردهای غول پیکر که «آفریقای شگفت‌انگیز» را نشان می‌داد، از بازدیدکنندگان انجمن پکن استقبال کرد. در همین حال، رسانه‌های چینی پوشش گسترده‌ای از این اجلاس با موضوع «دوستی، صلح، توسعه و همکاری» داشتند. نتیجه این اجلاس ایجاد یک مشارکت استراتژیک بین چین و آفریقا بود که دارای برابری سیاسی و اعتماد متقابل، همکاری برد-برد اقتصادی و تبادلات فرهنگی است. در همین حال، چین کمک‌های خارجی خود را به آفریقا در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد.

ششمین اجلاس سران FOCAC در سال ۲۰۱۵ به میزبانی آفریقای جنوبی در ۴ تا ۵ نوامبر در ژوهانسبورگ برگزار شد. موضوع «پیشرفت توامان چین و آفریقا؛ همکاری برد-برد برای توسعه مشترک» بود. چین در نشست‌های قبلی FOCAC به طور مداوم منابع مالی خود را به آفریقا دو برابر کرده بود، از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ به ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ و در سال ۲۰۱۲ به مبلغ ۲۰ میلیارد دلار رسید. در این مناسبت، تعهد چین به مبلغ ۶۰ میلیارد دلار رسید که شامل ۵ میلیارد دلار برای کمک‌های بلاعوض و وام‌های بدون بهره، ۳۵ میلیارد دلار برای وام‌های امتیازی و اعتبار خرید، و مابقی برای تأمین مالی تجاری بود. این افزایش قابل توجهی در مقایسه با تعهدات قبلی بود.

دولت چین اعلام کرد که ده طرح همکاری با آفریقا را در سه سال آینده اجرا خواهد کرد. این برنامه‌ها حوزه‌های صنعتی سازی، نوسازی کشاورزی، زیرساخت‌ها، خدمات مالی، توسعه سبز، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، کاهش فقر و رفاه عمومی، سلامت عمومی، مبادلات مردم با مردم و صلح و امنیت را پوشش می‌دهد. (خبرگزاری دولت آفریقای جنوبی ۲۰۱۶). این تعهد چین در زمانی که رشد اقتصادی خود دچار ضعف شده بود، به عنوان یک حرکت بخشنده تحسین شد، زیرا که "وضعیت جدید" هیچ تأثیری بر برنامه‌های چین در آفریقا نداشت. شی بار دیگر بر تعهد چین به توسعه آفریقا تاکید کرد. و طبق معمول از تجربه و مبارزات تاریخی جمعی صحبت کرد. او همچنین به حضار یادآور شد که چینی‌ها راه‌آهن تانزرا و مرکز همایش اتحادیه آفریقا را ساخته‌اند و چگونه چین به آفریقا در مبارزه با ابولا کمک کرد. متقابلاً، شی مجدداً از حمایت فداکارانه کشورهای آفریقایی از بازگشت چین به سازمان ملل تشکر کرد. با این حال، همانطور که سان (۲۰۱۵) اشاره می‌کند، این بار او از اهمیت منابع طبیعی در تجارت چین و آفریقا صحبت نکرد، شاید به این دلیل که تقاضای چین برای مواد خام در نتیجه رکود اقتصادی در حال کاهش بود. مشخص شد که قصد چین انتقال ظرفیت تولید خود به آفریقا و ساخت و ارتقاء پارک‌های صنعتی در آنجاست.

شی اعلام کرد که چین آماده است تا در رشد آینده آفریقا مشارکت کند. قرار بود «نقش سازنده‌ای در ترویج حل و فصل سیاسی موضوعات داغ آفریقا» و رفع کمبودها در زیرساخت‌ها، پرسنل ماهر و دسترسی به منابع مالی داشته باشد. وی به مخاطبان از تعهد چین برای کمک به رشد آفریقا از طریق راه‌حل‌های آفریقایی برای مشکلات آفریقا اطمینان داد. در مقابل، جیکوب زوما، رئیس جمهور آفریقای جنوبی، رئیس جمهور شی را به خاطر رساندن روابط چین با آفریقا به بالاترین سطح ستود. او از همکاری کشور با استفاده از واژگان

چینی « صداقت، اعتماد متقابل، برابری و منافع متقابل » سیاست‌گذاری کرد. او گفت که حمایت چین واقعاً برنامه توسعه آفریقایی را که در دستور کار سازمان اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۶۳ و برنامه اجرایی ده ساله اول آن نمایش داده شده، بهبود می‌بخشد.

همچنین در FOCAC پکن در سال ۲۰۱۲، رئیس‌جمهور زوما به همراه بسیاری دیگر نگران افزایش سریع تجارت با چین و الگوی تجاری ناپایدار آن بودند. با این حال، تنها سه سال بعد، او آماده بود تا از حمایت کامل آفریقا از همکاری با چین را ابراز کند. از آن زمان، دولت او امتیازات سیاسی بسیاری به چین داده است. چهاردهمین اجلاس جهانی صلح قرار بود در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ در کیپ‌تاون برگزار شود و گردهمایی برندگان سابق جایزه نوبل برای بزرگداشت نلسون ماندلا، رهبر فقید آفریقای جنوبی و برنده جایزه صلح نوبل باشد. اما فشار چین برای عدم حضور دالایی لاما باعث شد آفریقای جنوبی ویزا به او ندهد. چون دالایی لاما نتوانست در آن شرکت کند، ۹ برنده سابق جایزه صلح و ۱۱ سازمان وابسته اعلام کردند که کنفرانس را تحریم خواهند کرد. بنابراین آفریقای جنوبی مجبور شد این رویداد را لغو کند. در پنج سال گذشته نیز سه بار به دالایی لاما ویزا داده نشده که دلیل آن ترس دولت آفریقای جنوبی از ناراحت کردن چین و در نتیجه به خطر انداختن روابط اقتصادی با این کشور بود. این موضوع خشم و فریاد عمومی در مورد فروش حاکمیت آفریقای جنوبی به چین را تشدید کرد. اسقف اعظم دزموند توتو، جاکوب زوما را متهم به انفعال در قبال چین کرد.

محرك‌های قدرت جهانی

چین به دنبال جایگاهی به عنوان قدرت جهانی است. این تلاش از قدرت اقتصادی آن ناشی می‌شود و از تاریخ ۵۰۰۰ ساله و سنت‌های آن کشور الهام گرفته شده است. آیین کنفوسیوس، رویای چینی، و جاده ابریشم جدید در خدمت اهداف سیاست داخلی و خارجی دولت هستند. کنفوسیوس‌سیسم و روابط هماهنگ،

توسط دولت در کنار هدف ثبات و وفاداری برای مشروعیت بخشیدن به حزب کمونیست چین تبلیغ می شود.

رویای چینی

رویای چینی این است که کشور را جوان کند و جاده ابریشم جدید ابتکاری است که در نهایت جهان را به ژونگ گوو پیوند می دهد. رویای چینی چشم اندازی از آینده ملت است. هدف این است که چین در دهه های آینده از لحاظ اقتصادی و سیاسی هماهنگ و زیبا (شامل کاهش آلودگی) باشد. رویای چینی این است که مشروعیت ایدئولوژیک حزب کمونیست چین را با افزایش اعتماد به نفس کشور در طول دو قرن بازگرداند. بر اساس این اهداف، چین تا سال ۲۰۱۲ در زمان صدمین سالگرد حزب کمونیست چین، جامعه ای نسبتاً مرفه خواهد بود. دوم اینکه چین باید تا سال ۲۰۴۹، یعنی تاریخ صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین، به یک کشور کاملاً توسعه یافته تبدیل شود.

جاده ابریشم جدید

ابتکار راه ابریشم جدید بخشی از تلاش چین برای تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی است. چین مسیر تاریخی - تجاری جاده ابریشم را که از مرزهای این کشور تا اروپا امتداد داشت؛ احیا کرده است. در سال ۲۰۱۳، شی جین پینگ در سفر خود به آسیای مرکزی و جنوب شرقی، پروژه یک کمربند یک جاده را اعلام کرد. توسعه اقتصادی کشور از طریق شبکه ای از بنادر، خطوط لوله و راه آهن که حدود ۶۰ کشور در آسیا و اروپا، اقیانوسیه و آفریقا را در بر می گیرد؛ تقویت می شود. شی در حال تشویق شرکت های چینی به سرمایه گذاری در زیرساخت ها و ساخت و ساز در خارج از کشور است. بدیهی است که هدف مسیر تجاری جدید این است که به عنوان یک خروجی برای جذب ظرفیت عظیم صنعتی چین، عمدتاً در تولید فولاد و تجهیزات سنگین عمل کند. شرکت های دولتی

(SOE) و موسسات مالی می‌توانند وارد بازارهای جدید شوند و در نتیجه سلامت اقتصاد ملی را حفظ کنند. با این حال، «ابتکار» فقط در مورد مسائل اقتصادی نیست؛ بلکه دارای اهداف ژئوپلیتیکی نیز هست. طرح این است که یک کمربند و یک جاده، چین را از طریق آسیای مرکزی و غرب آسیا به خلیج فارس و دریای مدیترانه متصل کند. درحالی‌که برنامه‌ریزی شده است جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم از سواحل چین و از طریق دریای چین جنوبی و اقیانوس هند به اروپا و در مسیری دیگر از سواحل چین از طریق دریای چین جنوبی به اقیانوس آرام جنوبی برود. این کریدورهای جدید چین را به سایر نقاط آسیا، آفریقا و اروپا متصل می‌کند. جاده ابریشم جدید به آفریقا خواهد رسید. وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، پس از گفتگوهای دوجانبه با آمنة محمد، وزیر امور خارجه کنیا، در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵ گفت: «چین به عنوان یک دوست خوب آفریقا، مایل است برای کمک به دوستان آفریقایی خود تلاش کند تا این رویا را تحقق بخشند.» برنامه چین ساخت یک راه آهن ۳۸ میلیارد دلاری است که نایروبی، پایتخت کنیا را به مومباسا، بندری در اقیانوس هند متصل می‌کند. نایروبی شهری است که در جاده ابریشم دریایی قرار دارد. پروژه راه آهن کنیا در نهایت نایروبی را به پایتخت‌های اوگاندا، رواندا، بوروندی و سودان جنوبی مرتبط می‌کند. چین همچنین در توسعه بنادر در جیبوتی، تانزانیا و موزامبیک مشارکت دارد. همچنین ممکن است برنامه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در بنادر ماداگاسکار و سیشل داشته باشد. در نامیبیا، در خلیج والویس، یک شرکت دولتی چینی در حال ساخت یک شبه‌جزیره مصنوعی به عنوان بخشی از توسعه گسترده بندر است. شایعات ایجاد پایگاه دریایی در خلیج والویس به شدت توسط مقامات چینی تکذیب می‌شود؛ اما دسترسی به شش بندر آفریقا در جاده ابریشم دریایی، از اقیانوس هند و دریای سرخ، امکان‌پذیر است.

وظیفه اصلی رئیس جمهور شی، جاده ابریشم جدید است که بخشی از سیاست خارجی فعال و متمایز اوست. «چشم‌انداز و اقدامات درمورد ساخت مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱» توسط کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی، وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی جمهوری خلق چین با مجوز شورای ملی در ۲۸ مارس ۲۰۱۵ صادر شد. ابتکار «کمربند و جاده» به‌عنوان یک همکاری برد-برد؛ توسعه و رفاه، صلح و دوستی مشترک را با افزایش درک و اعتماد متقابل و تقویت مبادلات همه‌جانبه ارتقا می‌دهد. پیش از این، در اکتبر ۲۰۱۳، رئیس جمهور شی، راه را برای یکی از بزرگترین ابتکارات در تاریخ معاصر چین هموار کرده بود. وی در کنفرانسی در مورد کار دیپلماتیک در کشورهای همسایه، از نمایندگان شورای ملی خواست که «در سیاست همسایگان خود را دوست‌تر کنیم، از نظر اقتصادی بیشتر با ما مرتبط باشند، باید همکاری امنیتی عمیق‌تری داشته باشیم و ارتباطات بین‌مردمی بیشتری داشته باشیم.»

بانک زیرساخت آسیایی (AIIB) در سال ۲۰۱۵ تاسیس شد. این یک موسسه مالی بین‌المللی به رهبری چین است که برای ارائه منابع مالی به پروژه‌های زیرساختی به‌عنوان بخشی از طرح راه ابریشم جدید ایجاد شده است. این بانک از اجزای حیاتی تلاش‌های «شی» برای گسترش دامنه جغرافیایی چین است. AIIB دارای ۵۷ عضو است، اما برخی از کشورهای توسعه یافته بزرگ، از جمله ایالات متحده آمریکا و ژاپن، به آن ملحق نشده‌اند. چین حدود ۳۰ درصد از سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلاری را تامین کرد. تصمیمات عمده نیازمند توافق ۷۵ درصدی است و چین دارای حق وتو است. AIIB ده‌ها عضو آسیایی و اروپایی را جذب کرد. بسیاری از آن‌ها متحدان ایالات متحده هستند که نگرانی‌های واشنگتن در مورد ظهور رقیب چینی برای بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی (ADB) را نادیده گرفته‌اند. AIIB همچنین با مقاومت روسیه روبرو شد که پروژه

یکپارچه سازی خود- اتحادیه اقتصادی اوراسیا- را ترویج میکند. AIIB برای پروژه های انرژی و نیرو، حمل و نقل و مخابرات، زیرساخت های روستایی و توسعه کشاورزی، تامین آب، فاضلاب، حفاظت از محیط زیست، توسعه شهری و لجستیک، سرمایه‌گذاری دولتی و غیر دولتی ارائه می دهد. در سال ۲۰۱۶ مقدار هدف سرمایه گذاری ۱.۲ میلیارد دلار بود.

انتقادات و نگرانی‌هایی در مورد شفافیت و مطابقت عملکرد AIIB با استانداردهای بین‌المللی ابراز شده است. تأسیس این بانک به عنوان تلاشی از سوی پکن در نظر گرفته می‌شود برای رقابت با بانک جهانی که تحت تسلط ایالات متحده است و بانک توسعه آسیایی که توسط ژاپن مدیریت می‌شود. ایکنبری (۲۰۱۷) ادعا می‌کند که ایجاد AIIB توسط چین می‌تواند به عنوان تلاشی «ضد هژمونیک» برای افزایش نفوذ و اقتدار خود و در عین حال کاهش نفوذ ایالات متحده در نظر گرفته شود. با این حال، AIIB و بانک جهانی که در ابتدا به عنوان رقیب دیده می‌شدند، در ۱۴ آوریل ۲۰۱۶ توافقنامه‌ای را برای تأمین مالی بعضی از پروژه‌های مشترک امضا کردند. این دو بانک در مورد تامین مالی ده‌ها پروژه مشترک در بخش‌هایی از جمله حمل و نقل، آب و انرژی در آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای شرقی گفتگو کرده‌اند. بدیهی است که چین سرمایه خود را به خارج از کشور هدایت می‌کند تا جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر عمده در امور جهانی نشان دهد.

جاده ابریشم جدید فقط شبکه‌ای از جاده‌ها که از ارومچی شروع می‌شود و به قزاقستان و روسیه می‌رود و به اروپا ختم می‌شود یا یک پروژه اقتصادی برای تقویت جایگاه چین در اقتصاد جهانی نیست. در واقع یک پروژه ژئوپلیتیکی است که یکی از خصیوصیات استراتژیک سیاست خارجی چین است. شن (۲۰۱۶) بر این باور است که به جای ایجاد مشارکت اقتصادی با سایر کشورها، هدف این است که آن کشورها به تدریج به چین وابسته شوند.

تعهد ۱۲۴ میلیارد دلاری چین برای جاده ابریشم جدید چشم گیر است. فرصت‌های بزرگی وجود دارد، اما چالش‌های موجود در تحقق برنامه‌ها نیز زیاد است. باید دید که آیا پروژه جاده ابریشم جدید، هدف پیوند آسیا، آفریقا و اروپا را محقق خواهد کرد یا خیر. موانع لجستیکی، خطرات امنیتی و عدم اطمینان سیاسی مشکلات جدی هستند. در همین حال، قدرت‌های دیگر مانند هند و روسیه رویکردهای خاص خود را برای ایجاد زیرساخت‌ها و کسب نفوذ سیاسی در همان مناطق دارند. بنابراین برای بسیاری از کشورها تردیدهایی در مورد انجام پروژه‌های مشترک وجود دارد که در آن اختلافات ارضی ممکن است رخ دهد. بنابراین اتصال سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ممکن است به چالش کشیده شود.

سیاست چندجانبه گرایی و عدم مداخله چین در آفریقا

رویکرد سیاست خارجی چین رویکرد چندجانبه‌گراست. بنابراین، به دنبال همکاری با مجامع چند جانبه، مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه آفریقا (AU)، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است. چین نقش فزاینده‌ای در عملیات صلح سازمان ملل در آفریقا ایفا می‌کند. در همین حال، سیاست عدم وجود پایگاه نظامی در آنجا را دارد. چین یکی از اعضای منشور سازمان ملل متحد و یکی از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل است. قدرت نرم چین در امور نظامی و از منافع اقتصادی و سیاسی آن در آفریقا محافظت می‌کند. چین با خودداری از رای دادن به تصمیماتی که تحریم یا مداخله در آن قاره را اجباری می‌کند، اصل سیاست عدم مداخله خود را نشان داده است. رای منفی چین یک حق و توست و اجازه داده است که چندین درگیری با رای ندادن ادامه یابد. پرتکرارترین نمونه‌ای که در آفریقا نقل می‌شود نمونه دارفور و زیمبابوه است.

سودان و چین در سال ۱۹۵۹ روابط دیپلماتیک خود را برقرار کردند. در آغاز دهه ۱۹۷۰، چین اولین وام خود را ارائه و یک سری پروژه‌های کمکی را در این کشور آغاز کرد. این کشور در درگیری با سودان جنوبی از خارطوم حمایت کرد. در سال ۱۹۷۱ از کودتای نافرجام با مشارکت حزب کمونیست سودان از نظر سیاسی سود برد. عمر البشیر، رئیس‌جمهور سودان، در سال ۱۹۹۰ از پکن بازدید کرد که در سال بعد به خرید تسلیحات چینی توسط ایران منجر شد. سودان انزوای فزاینده‌ای را از غرب به ویژه ایالات متحده تجربه کرده است. دارفور - شهری در حاشیه سودان - به طور مداوم از نظر سیاسی و اقتصادی به حاشیه رانده شده و با بی توجهی به توسعه منطقه و مسائل قومیتی منجر به بروز درگیری در دارفور در سال ۲۰۰۳ شد.

زمانی که قدرت‌های غربی چین را تحت فشار قرار دادند تا از نفوذ خود در سودان برای بهبود وضعیت دارفور استفاده کند؛ تصمیم شورای امنیت سازمان ملل در مارس ۲۰۰۵ برای ارجاع این موضوع به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) روابط چین با سودان و غرب را پیچیده کرد. چین به این قطعنامه رای ممتنع داد و در آن زمان توضیح داد که ترجیح می‌دهد عدالت در دادگاه‌های سودان اجرا شود. هیچ یک از سودان و چین عضو قرارداد روم نیستند که دیوان کیفری بین‌المللی را تأسیس کرد. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی متعاقباً تشخیص داد که دو شهروند سودان شمالی، از جمله احمد محمد هارون، وزیر امور بشردوستانه سودان، مسئول جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت هستند که در دارفور بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ انجام شده است. قضات دیوان بین‌المللی کیفری در آوریل ۲۰۰۷ حکم بازداشت بین‌المللی را علیه این دو صادر کردند. در سپتامبر همان سال، سفیر چین در سودان با هارون در خارطوم ظاهر شد، و چین کمک‌های بشردوستانه به دارفور ارسال کرد. در دسامبر همان سال، سازمان حقوق بشر اعلام کرد: «چین قصد ندارد سودان را به دلیل طفره رفتن از تعهد قانونی

خود برای همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی بازخواست کند. در واقع چین امکان فرار مستمر خارطوم را فراهم کرده است.»

اصل عدم مداخله چین در مواقع رای گیری در مورد تصمیماتی که تحریم‌ها یا مداخلات را الزامی می‌کند؛ خود را به خوبی نشان داده است. رای منفی چین به منزله حق و تو می‌باشد. چین چندین بار با رای ندادن یا رای ممتنع اجازه ادامه مداخله را داده است. هنگامی که سازمان ملل خواستار اعمال فشار بر دولت رابرت موگابه در زیمبابوه شد، چین از این کار امتناع کرد و اعلام کرد که این اقدام اثر معکوس خواهد داشت و سپس به معاملات خود با زیمبابوه ادامه داد. این اقدام به طور گسترده توسط رهبران آفریقایی مورد استقبال قرار گرفت، اما انتقاد غرب را برانگیخت.

سیاست عدم مداخله در سودان، صادرکننده بزرگ نفت به چین، آزمایش شده است. شرکت‌های نفتی چین با تصاحب میادین نفتی جنوب، به یکی از سهامداران اصلی این کشور تبدیل شده‌اند. سودان در طول جنگ داخلی به تامین نفت چین ادامه داد. بخش عمده ای از درآمد نفتی از چین صرف خرید سلاح های سبک و سایر تجهیزات نظامی شد: از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، چین بیش از ۵۵ میلیون دلار سلاح سبک به خارطوم فروخت.

پس از استقلال سودان جنوبی، چین به سرعت با این کشور جدید روابط دیپلماتیک برقرار کرد؛ زیرا میادین سرشار نفت در آنجا قرار داشت. با شروع جنگ داخلی سودان جنوبی در دسامبر ۲۰۱۳، سرمایه گذاری های چین و زندگی شهروندانش در این کشور به خطر افتاد. بنابراین، چین نقش پیشگیرانه تری را در این بحران بر عهده گرفت. در مذاکرات صلح با دیپلمات های غربی و میانجی های آفریقایی که در ژانویه ۲۰۱۴ آغاز شد، به صورت فعال شرکت کرد. این کاملاً در تضاد با رویکرد معمول آن در بحران بود که خواستار حل مسالمت آمیز از راه دور بود. چین نقش میانجی را بر عهده گرفت. ما کیانگ، سفیر چین در سودان

جنوبی به رویترز گفت: «ما منافع زیادی در سودان جنوبی داریم، بنابراین باید تلاش بیشتری برای متقاعد کردن دو طرف برای توقف جنگ و توافق با آتش‌بس انجام دهیم». با این حال، نقش فعال چین در مذاکرات سودان جنوبی به این معنا نیست که چین سیاست خارجی عدم مداخله خود را تغییر داده است زیرا چین به طور رسمی مدعی سیاست عدم مداخله خود است. احتمالاً با ادامه سرمایه‌گذاری و تجارت چین در مناطق بی‌ثبات آفریقا و جاهای دیگر، این سیاست بارها و بارها به چالش کشیده خواهد شد. با این حال، در چندین مورد، چین تنها پس از ارائه حمایت به عواملی که موجب وقوع وضعیت می‌شدند، نیروهای حفظ صلح را ارسال کرده است. در واقع، چین بر روابط اقتصادی تمرکز کرده و اجازه تجارت و سرمایه‌گذاری بدون هیچ گونه محدودیتی را دارد و همچنین سیاست عدم مداخله در امور دولتی آفریقا را به نمایش گذاشته است.

حفظ صلح سازمان ملل در آفریقا

در دوران ریاست جمهوری شی جین پینگ، چین مشارکت مستقیم خود را در مسائل صلح و امنیت در آفریقا افزایش داده است. تا مارس ۲۰۱۷، بیش از ۲۵۰۰ نیروی نظامی، پلیس و کارشناس نظامی چین به شش مأموریت صلح‌بانی سازمان ملل در آفریقا اعزام شده‌اند که چهار مورد از آنها در دارفور، جمهوری دموکراتیک کنگو، مالی و سودان جنوبی بودند. همچنین نیروهای کوچکتری به ساحل عاج و صحرای غربی اعزام شده‌اند. کشته‌شدن صلح‌بانان چینی در مالی و سودان جنوبی و ربوده شدن کارگران چینی در کامرون، آسیب‌پذیری این کشور را نشان می‌دهد؛ زیرا چین در مسائل آفریقا و بین‌المللی بیشتر درگیر شده است.

نقش چین در عملیات حفظ صلح سازمان ملل در آفریقا افزایش یافته است و بدون شک می‌خواهد از فعالیت‌های اقتصادی و منافع سیاسی خود در آنجا محافظت کند. اولین مأموریت صلح‌بانی چین در دسامبر ۲۰۱۵ بود که ۷۰۰ سرباز را به مأموریت سازمان ملل در سودان جنوبی فرستاد. سفیر چین در سودان

جنوبی، ما کیانگ، اطمینان داد که سیاست چین تغییر نکرده است و تاکید کرد که این کشور به اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز پایبند بوده و مشارکت این کشور در روند صلح و حفظ صلح سازمان ملل کمکی به یک ابتکار عمل چندجانبه است. او گفت که چین از کشورهای آفریقایی در مسیر خود حمایت می‌کند و به اصطلاح ارزش‌های دموکراسی غربی را تحت فشار قرار نمی‌دهد که اجرایی شود.

شی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را زمانی که متعهد شد یک نیروی دائمی حفظ صلح چین متشکل از ۸۰۰۰ سرباز تشکیل دهد به صورت اساسی غافلگیر کرد. وی همچنین گفت که چین ۱۰۰ میلیون دلار کمک نظامی به اتحادیه آفریقا برای پنج سال آینده ارائه خواهد کرد تا از ایجاد یک نیروی آماده باش آفریقایی حمایت کند و ظرفیت خود را برای واکنش به بحران افزایش دهد. همانطور که لی (۲۰۱۵) اشاره می‌کند، علیرغم ادعای شی مبنی بر اینکه تلاش‌های چین برای حمایت از عملیات حفظ صلح و آموزش نیروهای حافظ صلح بخشی از قدرت نرم آن است؛ انگیزه صرفاً ایجاد ثبات در قاره نیست. پیش از این، چین سهم خود را از نظر پرسنل نظامی به نیروهای مهندسی، لجستیکی و پزشکی محدود کرده بود. اکنون شی دخالت چین در امور امنیتی آفریقا را به طور قابل توجهی تغییر داده است. دو ماه پس از ریاست جمهوری وی، ۱۷۰ سرباز رزمی از نیروی ویژه PLA به ماموریت حافظ صلح سازمان ملل به مالی اعزام شدند. این اولین باری بود که چین «نیروهای رزمی» را به یک کشور خارجی می‌فرستاد.

در سال ۲۰۱۶ زمانی که اولین پایگاه نظامی خارج از کشور خود را در جیبوتی در شاخ آفریقا تأسیس کرد، تغییر قدرت چین از نرم به سخت آشکار شد. جیبوتی یک دولت - شهر، پر گرد و غبار و کوچک با کمتر از یک میلیون نفر، موقعیت استراتژیکی در تنگه باب المندب دارد که کانال سوئز و دریای سرخ

را به خلیج عدن متصل می‌کند. این کشور با نزدیکی به مناطق ناآرام در آفریقا و خاورمیانه، نقش مهمی در تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با دزدی دریایی در منطقه ایفا می‌کند و در عین حال مکان اصلی برای ابرقدرت‌های نظامی جهان است. چین و جیبوتی در سال ۲۰۱۴ یک توافقنامه امنیتی و دفاعی امضا کردند. دو سال بعد، چین آغاز به ساخت یک پایگاه نظامی دریایی با بنای گنج و سنگ در جیبوتی کرد، که اکنون میزبان پایگاه‌های نظامی ایالات متحده، فرانسه و ژاپن است. چنین توافقاتی برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری و اجازه فعالیت بانک‌های چینی در آن وجود دارد. چین سوء ظن در مورد نقش پایگاه در توسعه استراتژیک نظامی خود را کم اهمیت جلوه می‌دهد. بنابراین، این پایگاه را به عنوان خدمتی برای «ارائه لجستیک بهتر و حفاظت از نیروهای چینی حافظ صلح در خلیج عدن، سواحل سومالی و سایر وظایف کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل» معرفی می‌کند. چین به عنوان یک نیروی آماده به کار حافظ صلح سازمان ملل کمک می‌کند تا نشان دهد که یک بازیگر بین‌المللی مسئول است علی‌رغم نگرانی‌هایی که در مورد قدرت نظامی رو به رشد خود وجود دارد. از ۱۶ مأموریت سازمان ملل، ۹ مأموریت در آفریقا هستند، جایی که چین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی دارد.

حفظ صلح به چین قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری در سازمان ملل می‌دهد، وجهه بین‌المللی این کشور را بهبود می‌بخشد و هم‌چنین به جمع‌آوری اطلاعات کمک می‌کند. چین هم‌چنین طرح‌های دریایی دیگری برای بنادر ساحلی غرب آفریقا در سنگال، گابن و غنا دارد. شرکت مهندسی بندرگاه چین در ژوئن ۲۰۱۱ ساخت یک بندر آب عمیق را در شهر بندری کریمی کامرون آغاز کرد و این پروژه را ظرف سه سال به پایان رساند. پروژه‌های جدید ممکن است به کشورهای آفریقای مرکزی گسترش یابد که چین قبلاً در آن‌ها فعالیت داشته است. سه کشتی جنگی چینی به ناوگان دریایی بین‌المللی پیوستند که با دزدی دریایی در خلیج

عدن مبارزه کنند. قطعاً چین می خواهد در سیاست جهانی حرف خود را بزند، بنابراین خود را به عنوان یک قدرت نظامی جهانی مطرح می کند.

علیرغم بیانیه های سیاسی، دکترین «ظهور مسالمت آمیز با نمایه کم» به پایان رسیده است. رویکرد عدم مداخله چین دیگر مؤثر نیست.

در همین حال، ایده اصلی پنج اصل مسالمت آمیز - که هیچ دولتی حق مداخله در امور داخلی دیگری را ندارد - رسماً باقی است. این بدان معناست که چین از منافع اصلی خود در تایوان، دریای جنوبی چین، تبت و سین کیانگ دست نمی کشد. استقلال تایوان از چین عملاً وجود دارد، اما نه به صورت قانونی، در حالی که تبت و سین کیانگ جزء لاینفک این کشور در نظر گرفته می شوند. منطقه خودمختار سین کیانگ در منتهی الیه غرب چین، باعث تنش میان مقامات چینی و جمعیت قومی اویغور شده است. تنش های قومیتی ناشی از عوامل اقتصادی و فرهنگی علت اصلی ناآرامی و خشونت در سین کیانگ است. در حالی که سین کیانگ سرمایه گذاری های دولتی قابل توجهی در پروژه های صنعتی و انرژی دریافت کرده است تا منطقه به رشد لازم برسد، اما کارگران چینی نیز از شرق آمده اند که باعث از دست دادن شغل برای اویغورها شده است. چین بارها به صراحت اعلام کرده است که برای حفاظت از منافع اصلی خود از زور اگر لازم باشد استفاده خواهد کرد. این موضوع قبلاً در ادعاهای ارضی آن در جزایر دیائویو/سنکاکو مشهود بوده است. چین در این مورد موضع قاطعانه ای اتخاذ کرده است و منافع ارضی خود را به دلایل تاریخی مشروع می داند. در قلب مناقشه، هشت جزیره خالی از سکنه در دریای چین شرقی قرار دارند که به جزایر سنکاکو در ژاپن و جزایر دیائویو در چین معروف هستند. آن ها در شمال شرقی تایوان، شرق سرزمین اصلی چین و جنوب غربی استان ژاپن، اوکیناوا قرار دارند. این جزایر به این دلیل اهمیت دارند که به خطوط کشتیرانی و مناطق ماهیگیری مهم نزدیک هستند و در نزدیکی ذخایر نفت و گاز بالقوه قرار دارند. آن ها همچنین در

رقابت فزاینده بین ایالات متحده و چین برای برتری نظامی در منطقه آسیا و اقیانوسیه در موقعیت استراتژیک مهمی قرار دارند. ژاپن از سال ۱۸۹۵ تا آغاز جنگ جهانی دوم در جزایر سنکاکو ساکن بود. زمانی استان اوکیناوا به طور موقت از سال ۱۹۴۵ تحت مدیریت ایالات متحده قرار گرفت، اما در سال ۱۹۷۲ به ژاپن بازگشت. چین و ژاپن هر دو ادعا کردند که تاریخ در کنار آن‌هاست. ارتش چین در جزایر نزدیک به جزایر سنکاکو تأسیسات گسترده‌ای ایجاد کرده است. از سال ۲۰۱۲ تنش به شدت افزایش یافته است. کشتی‌های گارد ساحلی چین اکنون مرتباً به سمت جزایر حرکت می‌کنند و اغلب ناوگان قایق‌های ماهیگیری را اسکورت می‌کنند. در پاسخ، ژاپن نیز گارد ساحلی خود را گسترش داده است. هدف چین برای بازنگری در وضعیت موجود دریای چین جنوبی، منافع ملی فیلیپین، اندونزی، مالزی و ویتنام را نیز تهدید می‌کند. تنش‌های چین و ایالات متحده بر انتخاب سیاست خارجی رهبران آسیای جنوب شرقی تأثیر گذاشته است. از این رو، این اختلاف‌ها تبدیل شد به قلب نگرانی‌هایی در مورد جاه طلبی قدرت رو به رشد چین در منطقه که زمانی تحت سلطه ایالات متحده بود.

حداقل در مورد آفریقا، روابط «خوب همسایگی» و «مشارکت برد-برد» باقی مانده است. این فعالیت‌های اقتصادی و سیاست خارجی این کشور است که در حال حرکت و روبه جلو است. چین در کنار موقعیت خود به عنوان یک قدرت اقتصادی جهانی، می‌خواهد نظر خود را در سیاست جهانی نیز بیان کند.

منابع

- China's Africa Policy. (2006). Retrieved from http://www.gov.cn/misc/2006-01/12/content_156490.htm
- China's African policy. (2015). Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/2015-12/04/c_134886545.htm

- China's Arm Sales to Sudan. (n.d.). Retrieved from <https://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/080311-cah-armssales-fact-sheet.pdf>
- Ikenberry, G. J. (2017). *China's Emerging Institutional Statecraft: The AsianInfrastructure Investment Bank and the Prospects for Counter-hegemony Project on International Order and Strategy*. Brookings. Retrieved from <https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2017/04/chinas-emerging-institutional-statecraft.pdf>
- Jacobs, A., & Yu, J. (2014). Dalai Lama Debacle Stirs Anger in South Africa. *Sinosphere, the China Blog of The New York Times*. Retrieved from <http://sinosphere.blogs.nytimes.com/2014/10/06/dalai-lama-debacle-stirs-anger-in-south-africa>
- Kuhn, R. (2013, June 4). Xi Jinping's Chinese Dream. *International New York Times*. Retrieved from <http://www.nytimes.com/2013/06/05/opinion/global/xi-jinpings-chinese-dream.html>
- Larmer, B. (2017). Is China the World's New Colonial Power? *The New York Times*. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2017/05/02/magazine/is-china-the-worlds-new-colonial-power.html>
- Li, G. (2015, November 2). Xi's Blue Helmets: Chinese Peacekeeping in Context. *China Brief*, 15(21). <http://www.jamestown.org/programs/chinabrief/single>
- Nathan, A., & Ross, R. (1997). *The Great Wall and the Empty Fortress: China's Search for Security*. New York: W.W. Norton.
- See also: Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st-Century Maritime Silk Road. (2015). *National Development and Reform Commission*. Retrieved from http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330_669367.html

- Shen, S. (2016, April 19). 10 Characteristics of Chinese Diplomacy in the Xi Jinping Era. *Foreign Policy Blogs*. Retrieved from <http://foreignpolicyblogs.com/2016/04/19/10-characteristics-of-chinese-diplomacy-in-the-xi-jinping-era>
- South African Government News Agency. (2016). *China to Roll Out Ten Cooperation Plans in Africa*. <http://www.sanews.gov.za/world/china-roll-out-10-cooperation-plans-africa>
- Sun, Y. (2015). Xi and the 6th Forum on China-Africa Cooperation: Major Commitments, but with Questions. *Africa in focus*. <http://www.brookings.edu/blogs/africa-in-focus/posts/2015/12/07-china-africa-focac-investmenteconomy-sun>
- Swaine, M., & Tellis, A. (2000). *Interpreting China's Grand Strategy. Past, Present, and Future*. Washington, DC: Rand.
- Taylor, I., & Wu, Z. (2013). China's Arms Transfers to Africa and Political Violence. *Journal Terrorism and Political Violence*, 25(3), 457-475. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546553.2012.664588>
- Tiezzi, S. (2014). *China's New Silk Road Vision Revealed*. Retrieved from <http://thediomat.com/2014/05/chinas-new-silk-road-vision-revealed>
- Tumanjong, E. (2014, May 17). Chinese Workers Kidnapped by Suspected Boko Haram Militants in Cameroon. *The Wall Street Journal*. <https://www.wsj.com/articles/chinese-workers-kidnapped-by-suspected-boko-haram-militants-in-Cameroon>
- Wu, W. (2016). *AIIB and World Bank Reach Deal on Joint Projects, as China-led Lender Prepares to Approve US\$1.2 Billion of Funds This Year*. <http://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/1935932/aiib-and-world-bankreach-deal-joint-projects-china-led>

Xinhua. (2013, October 26). *Xi Jinping: China to Further Friendly Relations with Neighboring Countries*. Retrieved from <http://en.people.cn/90883/8437410>. Html

Xinhua. (2015). *Vision and Actions on Jointly Building Belt and Road*. Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/china/2015-03/28/c_134105858_2.htm.

Zhang, C. (2013). *Historical Changes in Relations Between China and Neighboring Countries (1949–2012)*. Retrieved from <http://isdpeu/content/uploads/images/stories/isdp-main-pdf/2013-chi-historical-changes-in-relationsbetween-china-and-neighboring-countries.pdf> A. LAHTINEN

فصل سوم: قدرت نرم

خلاصه

دولت چین قدرت نرم خود را به عنوان بخشی از سیاست آفریقای خود گسترش داده است. چین برای حفظ رابطه با کشورهای آفریقایی از دیپلماسی، روابط و کمک اقتصادی و فرهنگ استفاده می‌کند. مهمترین عامل ایجاد تصویر مثبت از چین، سهم این کشور در ساخت زیرساخت‌هاست. با این حال، همه مشارکت این کشور را تایید نمی‌کنند. این نگرانی وجود دارد که فعالیت‌های چین در آفریقا شغل یا تجارت را از مردم محلی می‌رباید. آفریقایی‌ها تعامل کمی با چینی‌هایی دارند که در محله‌های خودشان زندگی می‌کنند و از جامعه محلی جدا شده‌اند. بنابراین تا حدی توضیح داده می‌شود که چرا آفریقایی‌ها چینی‌ها را با سوء ظن و احساسات مختلط نگاه می‌کنند. بسیاری از آفریقایی‌ها نگران ورود هزاران چینی هستند که سرمایه‌گذاری‌ها، تجارت‌ها و مشاغل را در اختیار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌گان: تاثیر و نقد قدرت نرم چین

تمام زندگی سیاسی به قدرت مربوط می‌شود. قدرت چیست؟ مائو تسه تونگ گفت: «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید.» این عبارت معروفی است که صاحبان قدرت و ارتش به عنوان سهام‌داران اصلی قدرت در کشور از آن استفاده می‌کنند. با این حال، تعداد کمی از دولت‌ها می‌توانند تنها بر پایه قدرت نظامی دوام بیاورند. ماهیت قدرت در حال تغییر است؛ زیرا تلفن‌های همراه و اینترنت به توانمندسازی کشورهای بی‌رمق کمک کرده است. مسائل اقتصادی، ارتباطات و همکاری نقش مهمی در سیاست جهانی ایفا می‌کنند. ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۶) دریافت که سیاست جهانی چند قطبی و چند فرهنگی شده است و شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های غیردولتی نفوذ زیادی پیدا کرده‌اند. آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، کثرت‌گرایی و مارکسیسم تفکر و رویکردهای قدرت را در روابط بین‌الملل شکل داده‌اند. آرمان‌گرایی در مورد ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای حقوقی دیدگاه‌هایی دارد، در حالی که سنت واقع‌گرایی یا «واقع‌گرایی سیاسی» بیشتر مبتنی بر مفروضات «عقل سلیم» است. رویکرد کلاسیک واقع‌گرایی به متفکران بزرگی مانند توسیدید - مورخ یونان باستان با شرح جنگ پلوپونز (۴۳۱ قبل از میلاد) - و سون تزو با اثر کلاسیک خود با نام «هنر جنگ»، که تقریباً در همان زمان در چین نوشته شده است، بازمی‌گردد. بعد از جنگ جهانی اول، دیدگاه آرمان‌گرایی بر روابط بین‌الملل حاکم بود. تأکید بر منافع مشترک داشت که می‌توانست انسانیت، عقلانیت و اخلاق را متحد کند و راه حل آن سیستم حقوقی بین‌الملل بود که توسط سازمان‌های بین‌المللی حمایت می‌شد. ماکیاوولی، نظریه‌پرداز سیاسی ایتالیایی دوره رنسانس و توماس هابز، فیلسوف سیاسی و حقوقی انگلیسی قرن هفدهم، سیاست قدرت خود را بر اساس واقع‌گرایی بنا کردند. محققین رئالیستی چون ای.اچ.کار (۱۹۳۹) و هانس جی. مورگنتا (۱۹۴۸) بر توازن قدرت در یک نظام بین‌الملل آنارشیک تأکید داشتند. کار (۱۹۳۹) به سلطه مکاتب فکری آرمان‌گرایی پایان داد و آنها را در کتاب خود

با نام «بحران بیست ساله، ۱۹۱۹-۱۹۳۹» تحت عنوان آرمان‌گرایی مورد هجمه قرار داد. مفهوم او از «تضاد منافع» بر اساس واقع‌گرایی بود، نه اخلاق. کار مانند هابز، اخلاق را ساخته شده توسط نظام حقوقی می‌دید که توسط یک قدرت اجباری اعمال می‌شود. او همچنین اشاره کرد که منطق واقع‌گرایی ناب، چیزی جز مبارزه عریان به منظور قدرت که برای جامعه بین‌المللی امکان‌پذیر نیست، نمی‌تواند ارائه دهد. مورگنتا استدلال کرد که شهوت سیری ناپذیر انسان برای قدرت و میل به تسلط، علت اصلی درگیری است. او در اثر اصلی خود، **سیاست در میان ملل (۱۹۴۸)**، ادعا کرد که «سیاست بین‌المللی، مانند همه سیاست‌ها، مبارزه برای قدرت است». کنت والتز در کتاب **تئوری سیاست بین الملل (۱۹۷۹)** الگوهای رفتار و کنش متقابل دولت‌ها را در نظام بین‌الملل تبیین کرد. فرض او این بود که چیزی به نام حکومت جهانی وجود ندارد. (وجود آنارشی در نظام بین‌الملل) او وجود بازیگران غیردولتی را به رسمیت شناخت، اما نتوانست آنها را مهم تلقی کند. رابرت کوهن و جوزف نای (۱۹۷۷) در کتاب «قدرت و وابستگی متقابل» دیدگاه خود را در مورد روابط پیچیده اجتماعی و سیاسی در روابط بین‌الملل گسترش دادند. آنها ادعا کردند که نیروی نظامی منسوخ شده است و استفاده از زور برای بسیاری از کشورها به‌طور فزاینده‌ای پرهزینه شده است، اما علیرغم اتخاذ استراتژی‌هایی غیر از قدرت نظامی، قدرت نرم در لیست اولویت‌ها قرار نگرفت. نای (۱۹۹۰) این ایده را بیشتر ارتقا داد و ایده خود را از «قدرت نرم» بیان کرد. او قدرت نرم را توانایی یک دولت برای تأثیر غیرمستقیم بر رفتار یا منافع دیگر کشورها از طریق جذاب کردن نتایج معرفی کرد. قدرت نرم راهبرد مورد استفاده در چین باستان بود، در حالی که مفهوم مدرن قدرت نرم در نظریه روابط خارجی توسط نای منطبق شد و در فاصله‌ای نزدیک در چین نیز معرفی شد. نای (۲۰۰۴) در کتاب «**قدرت نرم**» این قدرت را به عنوان توانایی یک ملت برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود از طریق اقناع دیپلماتیک یا جذب بدون

استفاده از قدرت سخت یا اجباری، مانند اقدام نظامی، توضیح داد. او استدلال کرد که فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی به ابعاد جدیدی برای روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند که به طور مستقیم به قدرت سخت اقتصاد و قدرت نظامی وابسته نیستند. او در کتاب **آینده قدرت (۲۰۱۱)** گفت که قدرت نرم با توجه به منابع قدرت موجود و نحوه استفاده از آنها می‌تواند مفید باشد. به عبارت دیگر، مانند هر شکلی دیگری از قدرت، قدرت نرم می‌تواند برای اهداف خوب یا بد استفاده شود.

قدرت نرم چین

در چین باستان، اعتقاد بر این بود که قدرت نرم از قدرت سخت راه‌گشا تر است. قدرت نرم به عنوان «چکه‌های آبی که می‌توانند به یک سنگ نفوذ کنند» توصیف شده است. این حکمت قدیمی به این معنی است که با استفاده از روش‌هایی جز شمشیر می‌توان بر کسانی که قدرتمند هستند، غلبه کرد. همانطور که در هنر جنگ توضیح داده شده است؛ استراتژی‌های سون‌تزو برای گیج‌کردن رقبا و از بین بردن آنها و «به دست آوردن پیروزی بدون ضربه زدن» برای قرن‌ها به رهبران چین خدمت کرده است. شاید به همین دلیل، مفهوم قدرت نرم نای (۱۹۹۰) در چین مورد توجه محققان، روزنامه‌نگاران و تحلیلگران دولتی قرار گرفته است. مفهوم قدرت نرم نای هماهنگی و طرز تفکر چینی را طنین انداز می‌کند. بنابراین، قدرت نرم با ویژگی‌های چینی «برای اینکه دیگران مردم چین را بهتر بشناسند» اتخاذ شد و دیگر اینکه چین را در عرصه بین‌المللی درگیر کند. بسیاری قدرت نرم را یک مفهوم غربی و در نتیجه غیر قابل اجرا در چین می‌دانستند. برخی از محققان ادعا کردند که تقسیم مفهومی نای از قدرت نرم و قدرت سخت بسیار ساده است و برخی از استدلال‌های او با واقعیت سیاست بین‌الملل همخوانی ندارد، اما منظور خود را توضیح ندادند. همچنین ادعای آنها مبنی بر «عدم کفایت علمی»، استدلال مناسبی نداشت. از نظر ژنگ و ژانگ، فهرست قدرت نرم نای،

مانند فرهنگ عامه پسند ایالات متحده، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، جوایز نوبل اروپا و کمک‌های توسعه‌ای خارج از کشور، پیامدهای مهمی برای سیاست بین‌المللی یا رفتار دولت ندارد. به این دلیل که «دولت‌های مستقل هنوز بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل هستند و منافع ملی مهم‌ترین عاملی است که آنها هنگام تدوین سیاست خارجی در نظر می‌گیرند». برخی از محققان همچنین پیشنهاد کرده‌اند که «نرم یا سخت بودن یک منبع قدرت به ادراکات و احساسات بازیگران مختلف در موقعیت‌های خاص بستگی دارد». استاد دانشگاه چینگهوا و مشاور دولت هو انگانگ (۲۰۰۶) به نفع قدرت نرم چین موضع‌گیری کرد. وی تأکید کرد که این موضوع از دموکراسی و حقوق بشر ایالات متحده تأثیرگذارتر و جذاب‌تر است. در مقابل، استاد دانشگاه فودان، چن یوگانگ (۲۰۰۷) می‌گوید که قدرت نرم چین در چارچوب جهانی شدن به اصلاحات و فساد نظام سیاسی چین مربوط است.

قدرت نرم چین در آفریقا

در دنیای جهانی شده، قدرت نرم اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. قدرت نرم چین به عنوان بخشی از سیاست خارجی این کشور، تصویر مثبتی از چین در داخل و خارج از کشور ایجاد کرده است. دولت چین قدرت نرم خود را به آفریقا نیز تعمیم داده است تا در آنجا ذهن‌ها و قلب‌ها را به دست آورد و از این طریق به کشورهای آفریقایی دسترسی پیدا کند. این کشور مجموعه‌ای از ابزارهای قدرت نرم مانند دیپلماسی، فعالیت‌های اقتصادی، کمک و فرهنگ استفاده کرده است که همگی درهم تنیده شده‌اند. هدف دیپلماسی چین این است که «سطح بالای اعتماد» نخبگان و تصمیم‌سازان آفریقا را به خود جلب کند. دیپلماسی شخصی در سطح دولت در طول دیدارها و کنفرانس‌ها اعمال می‌شود. سمینارها، مبادلات، بورسیه‌ها و تورهای مطالعاتی روش‌های استاندارد برای گسترش و بهبود روابط بین مردمی هستند. با این حال، روابط اقتصادی به عنوان همکاری

«برد-برد» در خط مقدم روابط چین و آفریقا می‌باشد. از دهه ۱۹۵۰، کمک‌های چین باعث ایجاد حسن نیت بین دو بلوک شده است. امروزه کمک‌های چین به آفریقا بخشی از پروژه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید. فرهنگ سنتی چین در قدرت نرمش تجسم یافته است تا زبان و فرهنگ خود را از طریق آئین کنفوسیوس ترویج دهد.

دیپلماسی

دیپلماسی در روابط بین‌الملل بخشی از سیاست خارجی است. چین یک سنت تبلیغاتی و دیپلماسی دارد که برای حمایت از دولت خود اجرا می‌شود. هدف از لفاظی‌های رسمی و روایت‌های تاریخی در مورد آنچه رخ داده است، مقابله با نفوذ غرب، تبلیغ «سیاست خود و نگرانی‌های چین» است. دیپلماسی به عنوان بخشی از قدرت نرم، ابزاری کارآمد در ورود چین به آفریقا بوده و به ایجاد و حفظ روابط چین و آفریقا کمک می‌کند. تقریباً همه سیاستمداران ارشد چینی به آفریقا سفر کرده‌اند و بسیاری از رهبران آفریقایی نیز از چین بازدید کرده‌اند. سفرهای دولتی به آفریقا پس از بازدید رئیس‌جمهور هو جیتائو از هشت کشور آفریقایی در اوایل سال ۲۰۰۷ به یک رسم تبدیل شد. نخست وزیر ژو آنلای و رئیس‌جمهور جیانگ زمین و هو جین تائو چندین بار از کشورهای آفریقایی بازدید داشتند. شی جین پینگ با درک اهمیت روزافزون روابط چین با این قاره، اولین سفر خارجی خود به آفریقا را در مارس ۲۰۱۳، بلافاصله پس از تحلیف خود به عنوان رئیس‌جمهور انجام داد. چین در ۴۸ کشور آفریقایی جز سومالی سفارت‌خانه دارد. همچنین، ۲۲ استان، پنج منطقه خودمختار، چهار شهرداری و دو منطقه اداری ویژه (هنگ کنگ و ماکائو) همه با کشورهای آفریقایی ارتباط دارند. کمیسیون نظامی مرکزی چین (PLA) معاملات مکرری با هم‌تایان خود در ۴۹ کشور آفریقایی برای رسیدگی به مسائل امنیتی دارد. دیپلماسی عمومی چین در آفریقا شامل تبادلات علمی، رویدادهای فرهنگی و پخش برنامه‌های تلویزیونی

تحت حمایت دولت برای مخاطبان خارجی است. هدف اصلی آن تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر نگرش‌ها و نظرات نخبگان و مردم است و هدف نهایی آن ارتقاء منافع ملی چین است. تبادل تجربه حاکمیتی بین چین و کشورهای آفریقایی رایج شده است. برای مثال؛ حزب حاکم آفریقای جنوبی -کنگره ملی آفریقا- مقامات خود را برای تحصیل به مدرسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین فرستاده است. بر اساس گزارش پکن ریویو، تا پایان ژوئیه ۲۰۱۶، بیش از ۲۰۰ آفریقایی شامل ۷۰ مقام وزارتی و ۳۷ نماینده و دیپلمات از پارک صنعتی سوژو در استان جیانگ سو بازدید کرده‌اند. در نتیجه این تجربه، آفریقایی‌ها می‌خواهند چندین پارک صنعتی را در کشورهای خود تأسیس و ارتقا دهند. مراکز آموزش حرفه‌ای و کالج‌های ظرفیت‌ساز برای آموزش صدها هزار متخصص و پرسنل فنی در آفریقا در حال توسعه هستند.

از دیپلماسی چین به عنوان «دیپلماسی بتنی» نیز یاد می‌شود. به عنوان مثال، دولت چین کاخ ریاست جمهوری را برای عمر الباشی در سودان ساخت. ساختارهای دیپلماسی مشابه را می‌توان در آنگولا، بوروندی، گینه بیسائو، لسوتو، مالاوی، موزامبیک، سیرالئون و توگو یافت؛ در حالی که ساختمان‌های دیپلماتیک مشابهی را نیز می‌توان در آنگولا، بوروندی، گینه بیسائو، لسوتو، مالاوی، موزامبیک، سیرالئون و توگو یافت. مقر اتحادیه اتحادیه آفریقا در آدیس آبابا، در سال ۲۰۱۲ ساخته شد. این یک هدیه ۲۰۰ میلیون دلاری بود که تماماً توسط دولت چین تأمین مالی شد.

مساعدت

از اواسط دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰، چین هزاران مهندس، پزشک و تکنسین را برای ارائه کمک به آفریقا فرستاد تا از کشورهای تازه استقلال یافته آفریقایی ضد امپریالیسم و مبارزه ضد استعماری آن‌ها حمایت کند. همچنین چین تیم‌های پزشکی را برای ساخت بیمارستان و ارائه کمک‌های پزشکی اعزام کرد. از سال

۲۰۰۰، کمک‌های توسعه‌ای چین به آفریقا به طور قابل توجهی افزایش یافته است. چین در حالی که خود را «بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه» معرفی می‌کند، می‌گوید که بیش از نیمی از کمک‌های خارجی خود را در ۵۱ کشور آفریقایی هزینه می‌کند. گزارش هیات دولت چین، اسناد اصلی سیاست در مورد کمک است. هشت ابزار درمورد کمک‌های خارجی چین در گزارش‌های رسمی دولتی مورد بحث قرار گرفته است. این کمک‌ها شامل تکمیل پروژه‌ها، کالا و مواد، همکاری فنی، همکاری توسعه منابع انسانی، تیم‌های پزشکی چینی که در خارج از کشور کار می‌کنند (نه به عنوان کمک بشردوستانه بلکه برای توسعه)، کمک‌های بشردوستانه اضطراری (اغلب از طریق نهادهای سازمان ملل)، برنامه‌های داوطلبانه در خارج از کشور، و کاهش بدهی‌ها می‌شود. گزارش هیات دولت «کمک خارجی» رسمی چین را به سه نوع تقسیم می‌کند: کمک بلاعوض، وام بدون بهره و وام اعطایی. دولت چین جزئیات کمی در مورد برنامه کمک‌های خارجی خود منتشر می‌کند و در نتیجه از سیستم گزارش‌دهی جهانی خارج می‌شود. «حمایت» به راهبرد دیپلماسی - سیاسی چین در آفریقا کمک می‌کند، بنابراین نادیده‌انگاری بدهی همیشه در آفریقا و عرصه بین‌المللی جایگاه قابل توجهی ایجاد کرده است. سامانه AidData نشان می‌دهد که چین بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ حدود ۳۱.۵ میلیارد دلار به آفریقا کمک کرده است. در مقایسه، ایالات متحده ۹۲.۷ میلیارد دلار، تقریباً سه برابر بیشتر در مدت مشابه پرداخت کرده است Tracking (China Development Finance n.d.).

بر اساس گزارش AfDB (2017)، کمک‌های رسمی توسعه (ODA) از همه کمک‌کنندگان در سال ۲۰۱۵ به قاره آفریقا بالغ بر ۵۱ میلیارد دلار رسید که ۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. برآوردهای اولیه کاهش ۱.۷ درصدی ODA در قاره سیاه را که به ۴۵.۰ میلیارد دلار رسیده است را در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۹ بیش از نیمی از

کشورهای کم درآمد، کمتر از سال ۲۰۱۵ کمک‌های رسمی توسعه دریافت نمایند. کمک‌های رسمی توسعه دوجانبه «کشورهای کمیته کمک به توسعه» به SSA در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار میشد. در میان کشورهای DAC، ایالات متحده آمریکا بزرگترین کمک کننده (۹.۳ میلیارد دلار) بود، پس از آن بریتانیا (۴.۲ میلیارد دلار)، آلمان (۳ میلیارد دلار) و فرانسه (۲.۳ میلیارد دلار)؛ (AfDB سال ۲۰۱۷، صفحه ۶۰).

اتیوپی بزرگترین دریافت کننده ODA در سال ۲۰۱۵ (۳.۲ میلیارد دلار) بود، اگرچه کمک‌ها در مقایسه با سال ۲۰۱۴، بیش از ۲ درصد کاهش یافت. سایر دریافت کنندگان اصلی کمک‌ها عبارتند از: جمهوری دموکراتیک کنگو (۲.۶ میلیارد دلار)، تانزانیا (۲.۶ میلیارد دلار)، مصر (۲.۵ میلیارد دلار)، کنیا (۲.۵ میلیارد دلار)، نیجریه (۲.۴ میلیارد دلار)، موزامبیک (۱.۸ میلیارد دلار) و غنا (۱.۸ میلیارد دلار). این هشت کشور دریافت کننده ۳۸ درصد از کل ODA به آفریقا را تشکیل می‌دهند. شرق و غرب آفریقا بیشترین تخصیص کمک‌ها را در سال ۲۰۱۵ به خود اختصاص دادند (به ترتیب ۱۵.۵ و ۱۴.۹ میلیارد دلار). برآورد می‌شود که حجم ODA به شرق آفریقا در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ افزایش بیشتری داشته باشد (به ترتیب به ۱۶.۴ میلیارد دلار و ۱۶.۹ میلیارد دلار)، در حالی که انتظار می‌رود تخصیص کمک‌ها به غرب آفریقا در مدت مشابه (به ۱۴.۶ میلیارد دلار و ۱۴.۲ میلیارد دلار) کاهش یابد.

جریان‌های مالی رسمی از چین و غرب به بسیاری از دولت‌ها و مناطق مشابه در آفریقا می‌رود. چین مجموعه گسترده و متنوعی از سرمایه‌گذاری‌ها را در بخش‌های کشاورزی، آموزشی و بهداشتی در آفریقا ایجاد کرده است که شبیه سرمایه‌گذاری کشورهای غربی است. با این حال، تمرکز چین بر روی «سخت‌افزار توسعه» (مانند جاده‌ها، بنادر، راه‌آهن، پالایشگاه‌ها و شبکه‌های برق) است و کمک‌های آن در آفریقا شامل وام‌های ترجیحی است که به ارتقا

زیرساخت‌ها منجر می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که کمک‌های چین و بانک جهانی اغلب به مناطق ثروتمندتر و نه فقیرتر کشورهای آفریقایی ختم می‌شود، در حالی که ثابت شده سهم زیادی از کمک‌ها منجر به سوء استفاده سیاسی نخبگان حاکم می‌شود.

چین منابع جایگزینی برای تامین مالی چندجانبه برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است: AIIB و بانک توسعه جدید. بدون شک « فشار رقابتی » بر اهداکنندگان سستی وارد شده است و آن‌ها را به بازنگری در سیاست‌های حمایتی و کمک‌های توسعه خود دعوت می‌کند. اغلب چین، اتحادیه اروپا (EU) و اهداکنندگان عادی را به مدیریت خرد، مداخله در سیاست داخلی و خواستار حکمرانی خوب متهم می‌کند. گفته می‌شود که سرمایه‌داری و مدل نئولیبرالی توسعه اقتصادی نیز مسئول فقر در کشورهای در حال توسعه هستند (کریگ و پورتر ۲۰۰۶؛ بلانت و همکاران ۲۰۱۱).

به دلایل موجهی، بسیاری از اقتصاددانان و حتی کمک‌کنندگان، الگوی فعلی تامین مالی را قدیمی می‌دانند. رکود اقتصادی اخیر، دولت‌های کمک‌کننده اروپایی را تحت فشار قرار داده است تا سیاست‌های کمکی خود را تعدیل کنند و بر نتایج و تاثیر کمک‌های توسعه‌ای خود بیشتر تمرکز کنند. رویکرد توسعه جدید که ترکیبی از کمک و تجارت، و بخش خصوصی و اجتماعی می‌باشد، به بهره برداری رسیده است. بیانیه پاریس (۲۰۰۵) اصولی را برای مؤثرتر کردن کمک‌ها ترسیم می‌کند. این بیانیه بر مالکیت و مسئولیت پذیری متقابل تأکید دارد. کشورهای در حال توسعه را تشویق می‌کند تا راهبردهای خود را بر کاهش فقر، بهبود نهادها و مقابله با فساد متمرکز کنند. دستور کار آکرا برای اقدام (۲۰۰۸) با پیشنهاد مشارکت گسترده تر در تدوین سیاست‌ها این اهداف را بیشتر توسعه می‌بخشد. همچنین بر کمک‌های هدفمندتر با تأثیر قابل اندازه‌گیری

تأکید می‌کند و به ضرورت توسعه ظرفیت در کشورهای آفریقایی اشاره دارد تا به آنها امکان مدیریت آینده خود را بدهد.

امروزه، جریان اصلی اقتصاددانان و کمک‌کنندگان موافق هستند که الگوی بودجه ریزی فعلی منسوخ شده و آنها خواستار کمک‌های مؤثرتر هستند. در همین حال، رکود اقتصادی اخیر بر دولت‌های کمک‌کننده اروپایی فشار آورده تا تأثیر این کمک‌ها را بررسی کنند. در نتیجه، رویکرد توسعه‌ای در حال اجرا شدن است که کمک‌ها را با تجارت و بخش‌های خصوصی و اجتماعی ترکیب می‌کند. آیا آفریقا به کمک نیاز دارد؟ این قاره مدت‌هاست که دریافت‌کننده کمک‌های دولت‌ها، آژانس‌های بین‌المللی، مبلغان و بشردوستان بوده است. جفری ساکس در کتاب «پایان فقر» (۲۰۰۵) پرسید که چگونه می‌توان فقر را در آفریقا متوقف کرد. تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، در مجمع جهانی اقتصاد که در سال ۲۰۰۵ در داووس برگزار شد؛ خواستار «فشار بیشتر و رو به جلو» در آفریقا شد و پیشنهاد افزایش کمک‌های خارجی را داد. با این حال، نتایج کمک‌های بحث‌برانگیز اغلب مورد انتقاد بوده است. ویلیام ایسترلی - اقتصاددان سابق بانک جهانی - این سوال را مطرح کرد که چرا تلاش‌های غرب، علیرغم نیت‌های خوب، به فقر پایان نداده است. ایسترلی در کتاب «مسئولیت مرد سفید» (۲۰۰۷)، کتاب خود را با داستان آمارتچ ۱۰ ساله آغاز و به پایان می‌رساند. معیشت روزانه او به جمع‌آوری شاخه‌های اکالیپتوس برای فروش در بازار می‌گذرد، اما او ترجیح می‌دهد به مدرسه برود به شرط آن که والدینش توانایی مالی برای حمایت از او را داشته باشند. او با بیانیه‌ای قوی اظهار داشت که تنها «طرح بزرگ» این است که طرح بزرگ را متوقف کنیم و «فقط توجه کنیم که چگونه عوامل خیریه می‌تواند آمارتچ را به مدرسه ببرند.» دمبیسا مویو، اقتصاددان زامبیایی الاصل در کتاب خود به نام «کمک‌های بی‌جان ۲۰۰۹» به کمک‌های خارجی در آفریقا حمله کرد. او مدعی شد که کمک‌های توسعه‌ای یک تریلیون دلاری طی ۵۰ سال

پس از سال ۱۹۶۷ که از دولت‌های غربی به آفریقا سرازیر شده، کمکی نکرده است. او کمک‌های غرب با ستاره‌های راک و بازیگران را محکوم کرد؛ در حالی که چین را به عنوان شریک مورد علاقه آفریقا تحسین می‌کند. با این حال، طبق نظرسنجی پیو (۲۰۱۵)، بسیاری از آفریقایی‌ها معتقدند که کشورهايشان به کمک نیاز دارد و ۶۸ درصد از افراد مورد تحقیق مراقبت‌های بهداشتی و آموزش را به عنوان دغدغه‌های اصلی خود معرفی کردند. از این رو گفتمان در مورد کمک‌ها ادامه دارد. سوال اصلی این است که چگونه این حمایت‌ها به فعال شدن پتانسیل آفریقا و تکامل این قاره کمک می‌کند؟ علاوه بر این، چگونه اطمینان حاصل کنیم که این کمک‌ها به آفریقا بر توسعه کشور، رشد اقتصادی، ظرفیت‌سازی، و نتایج زیست‌محیطی پایدار کمک می‌کند؟

همکاری اقتصادی

روابط اقتصادی چین با آفریقا که به عنوان همکاری اقتصادی دوجانبه سودمند با کشورهای آفریقایی توصیف می‌شود، نشانه بارز رابطه چین و آفریقا است. از اواخر دهه ۱۹۹۰، تجارت چین و آفریقا به ویژه (SSA) به سرعت افزایش یافت و در فاصله یک دهه تا ۲۰۰۸ از ۸ میلیارد دلار به ۸۶ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۹، چین به بزرگترین شریک تجاری آفریقا تبدیل شد. در سال ۲۰۱۳، تجارت چین و آفریقا به ۲۱۰ میلیارد دلار رسید؛ درحالی که این عدد در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار می‌شد. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به SSA بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۲ به میزان ۴۷.۸ درصد افزایش یافت و در سال ۲۰۱۳ به ۳.۵ میلیارد دلار رسید. حدود ۷۵ درصد صادرات به چین (نفت، فلزات و سوخت‌های معدنی) از آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو، گینه استوایی، جمهوری کنگو و آفریقای جنوبی بوده است. در همین حال، بیش از ۸۰ درصد کل واردات از چین (عمدتاً ماشین‌آلات، مواد شیمیایی و کالاهای

تولیدی) توسط آنگولا، بنین، غنا، لیبیا، نیجریه و آفریقای جنوبی انجام شد (بانک جهانی ۲۰۱۶، ص ۱۶۲).

رکود اقتصادی جهانی پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، بازارهای جهانی از جمله آفریقا را تحت تأثیر قرار داده است. پس از اینکه اقتصاد چین تا سال ۲۰۱۰ با نرخ متوسط ۱۰ درصد در سال رشد کرد؛ در سال ۲۰۱۵ به میزان قابل توجهی از این میزان رشد کاسته شد و از آن زمان تاکنون این کاهش محسوس تر بوده است. در نتیجه، چین شروع به تغییر ساختار اقتصادی خود کرد و تمرکزش را از سرمایه‌گذاری و تولید به مصرف و خدمات تغییر داد. پیامدهای آشفته‌گی اقتصادی در آفریقا نیز مشهود بود. کاهش قیمت کالاها که از اواسط سال ۲۰۱۴ آغاز شد، تأثیر مخربی بر اقتصاد چندین کشور صادرکننده کالاهای آفریقایی هم‌چون آنگولا، چاد، کنگو، اریتره، گینه بیسائو، نیجریه، سیرالئون و سودان جنوبی داشت که به صادرات تک‌محصولی متکی بودند. رشد تولید ناخالص داخلی آفریقا از ۳.۴ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۲.۲ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت. این کاهش رشد تولید ناخالص داخلی آفریقا، اهمیت چند اقتصاد بزرگ بر عملکرد رشد کلی قاره را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۶، نیجریه ۲۹.۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این قاره را به خود اختصاص داد. بنابراین، رکود اقتصادی در نیجریه تأثیر نامطلوب تری بر رشد تولید ناخالص داخلی آفریقا نسبت به رکود اقتصادی در چاد داشت. آفریقای جنوبی، بزرگترین اقتصاد منطقه، تنها ۰.۳ درصد رشد کرد. (AfDB 2017، ص ۵). رکود در معادن و استخراج، از جمله عوامل مهم است که منجر به رشد حداقلی شد. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی در میان اقتصادهای آفریقایی وجود دارد. کشورهای غیروابسته به نفت در شرق آفریقا از جمله جیبوتی، اتیوپی، کنیا، رواندا و تانزانیا همگی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بیش از ۶ درصد را در سال ۲۰۱۶ ثبت کردند که اتیوپی با ۸ درصد پیشتاز بود (همان، ص ۳۰).

سرمایه گذاری چین در آفریقا

شرکت‌های دولتی چین در حال سرمایه گذاری در مواد نفتی، معدنی و زیرساخت‌ها هستند و پروژه‌های بزرگی را در زمینه ساخت‌وساز، معدن و مواد شیمیایی انجام می‌دهند. مرز بین شرکت‌های «دولتی» و «غیر دولتی» در چین به دو عامل بستگی دارد: مالکیت دولتی و نفوذ دولت. در چین، شرکت‌هایی که از اقتصاد برنامه‌ریزی شده متمرکز بیرون می‌آیند، شرکت‌های دولتی مشخصی هستند که کارکنان ارشد آن توسط دولت منصوب می‌شوند و مدیران ارشد اجرایی دارای رتبه‌ای در سطح وزیر هستند. با این حال، در مواردی، تشخیص اینکه آیا یک شرکت چینی «دولتی» یا «خصوصی» است، چندان آسان نیست. بسیاری از شرکت‌ها اطلاعات روشنی در مورد ساختار سهام‌ها افشا نمی‌کنند که شناخت مالکیت آن‌ها را برای خارجی‌ها دشوار می‌کند. یک شرکت ظاهراً خصوصی ممکن است توسط یک شرکت مادر دولتی و غیرثبته مدیریت شود. علاوه بر این، به دلیل پیوندهای رسمی و غیررسمی آنها با آژانس‌های دولتی کلیدی، احتمالاً حتی بر شرکت‌های خصوصی استراتژیک نیز نفوذ قابل توجهی وجود دارد. چنین شرکت‌هایی از دسترسی به خطوط اعتباری خاص، معافیت‌های مالیاتی، و احتمالاً تفسیر مطلوب مقررات و اولویت در تخصیص قراردادهای بزرگ سود می‌برند. کسب‌وکارهای خصوصی کلیدی در چین همچنین دارای کمیته‌های CPC داخلی هستند که احتمالاً پاسخگویی نزدیک به دولت را تشویق می‌کنند. در حالی که چنین شرکت‌هایی از نظر عملیاتی مستقل هستند، در مورد مسائل هشدارآمیز احتمالاً به سیاست‌های دولت یا اهداف غیر رسمی مشخص شده پایبند هستند (کوتولا و همکاران ۲۰۰۹، صفحات ۳۱-۳۲).

دولت چین از وام‌های امتیازی/ ترجیحی از بانک صادرات و واردات چین (بانک exim چین) برای تضمین معاملات تجاری استفاده می‌کند. در مقابل، چین

ملزم می‌کند که ساخت زیرساخت‌ها و قراردادهای دیگر به نفع شرکت‌های چینی، بنگاه‌های دولتی و سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چینی «تایید شده» باشد. شرکت گروه صنعت فلزات غیر آهنی چین، استخراج مس در مقیاس بزرگ را در زامبیا انجام می‌دهد. چین همچنین در استخراج کروم و پلاتین از زیمبابوه، الوار از کامرون و حوضه کنگو، آهن از گامبیا و پنبه از تانزانیا نیز مشارکت دارد. نفت و سایر صنایع استخراجی در نیجریه، سودان جنوبی، آفریقای جنوبی و زامبیا متمرکز هستند. شرکت نفت چین علیرغم تهدیدهای خشونت آمیز در واکنش به اینگونه از سرمایه‌گذاری‌ها، در حال سرمایه‌گذاری نفتی در بسیاری از کشورهای آفریقایی است. چین اقدام به سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای دارای نفت سنگین مانند نیجریه با شرکت ملی نفت نیجریه، در آنگولا با ساناگول و در سودان با سوداپت کرده است. چین به دنبال فرصت‌های اکتشافی جدید در اتیوپی، کنیا، ماداگاسکار و اوگاندا بوده و به مناطق پرخطر مانند چاد، موریتانی، نیجر و گینه استوایی وارد شده است. حمایت چین در سطح دولتی به ویژه در الجزایر، آنگولا، چاد، جمهوری کنگو، نیجر، نیجریه، موریتانی و سودان مشهود بوده است. وام‌های ۲ میلیارد دلاری در آوریل ۲۰۰۴ و سپس ۳ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۶ اگزیم بانک چین، راه را برای ورود سینوپک به صنعت نفت آنگولا هموار کرد به طوری که آنگولا تبدیل به بزرگترین تامین‌کننده نفت خام چین شد. با این حال، این معامله به سرعت شکست خورد. در مارس ۲۰۰۷، سونانگول از ساختن یک پالایشگاه نفت صرفاً به منظور تولید برای چین خودداری کرد. این اولین شکست بزرگ برای چین در بازار انرژی آفریقا از منظر هزینه زمان، پول و تلاش دیپلماتیک بود. «مدل آنگولا» چین به دلیل الگوی «منابع زیرساختی» مورد انتقاد قرار گرفت. نفت از طریق خطوط لوله ساخت چین به پالایشگاه‌ها یا بنادر ساخته شده توسط چین می‌رود. در آنجا بر روی کشتی‌های چینی بارگیری می‌شود تا تحت نظارت نیروی دریایی چین به چین منتقل شود.

این سوال مطرح می‌شود: چرا بسیاری از کشورهای آفریقایی با داشتن منابع فراوان نفت، گاز و سایر مواد معدنی در فقر باقی مانده‌اند؟ دو تا از بزرگترین تولیدکنندگان نفت - آنگولا، نیجریه - و گینه استوایی کوچک به خوبی «نفرین منابع» یا پارادوکس فراوانی را نشان می‌دهند. گینه استوایی کشور کوچکی در سواحل غربی آفریقا است که در سال ۱۹۹۵ با اکتشاف نفت بازار را تحت تأثیر قرار داد. این کشور چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت SSA در طول این سال‌ها شده است. با این حال، استانداردهای زندگی برای ۵۰۰۰۰۰ نفر ساکن این کشور به طور قابل توجهی بهبود نیافته است. گینه استوایی به لحاظ شکلی یک دموکراسی چند حزبی است، اما انتخابات ساختگی بوده است. دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۰۹) گزارش داد که دیکتاتوری تحت ریاست جمهوری اوبیانگ از رونق نفت برای تثبیت قدرت و ثروتمندتر شدن خود به هزینه مردمش استفاده کرده است. بدیهی است که اغلب عواید حاصل از صادرات نفت به خزانه دولت‌های آفریقایی و از آنجا به جیب مقامات دولتی فاسد و نزدیکان آن‌ها سرازیر می‌شود. در نتیجه، تقریباً بدون استثنا بازنده اصلی در کشورهای غنی از منابع، شهروندان هستند. آن‌ها از محرومیت، فقر شدید، تخریب محیط زیست و نقض حقوق بشر رنج می‌برند. استبداد با حکمرانی ضعیف راهی به سوی درگیری‌های داخلی و جنگ است. با این وجود، اتحادیه اروپا همچنان در سطح بلوک اقتصادی بزرگترین مشتری آفریقا است. این کشور بیش از ۳۰ درصد از تجارت جهانی آفریقا را در سال ۲۰۱۵ به خود اختصاص داده است؛ اگرچه این رقم در سال ۲۰۰۰ به طوری میانگین ۴۰ درصد بوده است. در این دوره پنج ساله، تجارت بین آفریقا و آسیا پنج برابر شد و به ۲۵ درصد تجارت آفریقا با جهان در سال ۲۰۱۵ رسید. در سطح کشور، چین و هند هشتمین و نهمین شرکای تجاری بزرگ آفریقا در سال ۲۰۰۰ بودند ولی در سال ۲۰۱۵ آنها اول و دوم شدند. ایالات متحده آمریکا و فرانسه در سال ۲۰۰۰ اول

و دوم بودند اما اکنون به ترتیب چهارم و سوم هستند. تجارت بین ایالات متحده و آفریقا برای ششمین سال متوالی در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت. عمده واردات آمریکا از آفریقا نفت و کالاهایی مانند سنگ های قیمتی، کاکائو و سنگ معدن است. با افزایش تولید نفت و گاز، صادرات آفریقا به ایالات متحده روند نزولی خود را از اوج ۹۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به کمترین میزان خود یعنی ۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ ادامه داد (AFDB 2017 صفحه ۷۶).

راه آهن ساخت چین در آفریقا

چین یکی از گسترده ترین و مدرن ترین شبکه های ریلی جهان را در داخل خود ساخته است. اکنون این شرکت تخصص خود را به SSA برده است؛ در حالی که در یک قرن اخیر ساخت و ساز راه آهن جدید نسبتا کمی داشته است. پروژه های ساخته و تامین مالی شده توسط چین، یک سیستم راه آهن سبک دو ساله در پایتخت اتیوپی است. ارتباط ریلی بین نایروبی - پایتخت کنیا - و شهر بندری مومباسا یک پروژه بلندپروازانه نوسازی ریلی در نیجریه است که شامل یک سیستم حمل و نقل شهری برای لاگوس می شود. چین ادعا می کند که پروژه های عظیم ریلی در تانزانیا و اتیوپی ۶۴ شرکت چینی را در برمی گیرد و بیش از ۸۰۰۰ فرصت شغلی برای مردم محلی ایجاد کرده است.

اولین راه آهن برقی آفریقا - راه آهن فراملی - با اولین سفر خود از جیبوتی به سمت آدیس آبابا در ساعت ۱۰:۲۴ صبح روز ۱۰ ژانویه ۲۰۱۷، رسماً افتتاح شد. خط آهن جدید ۷۵۰ کیلومتری، آدیس آبابا - پایتخت اتیوپی - را به بندر استراتژیک جیبوتی در دریای سرخ متصل می کند و جایگزین راه آهن ۱۰۰ ساله فرانسه می شود. این راه آهن مسافت را کوتاه کرده و در عین حال بر سرمایه گذاری چین در بخش تولید در اتیوپی تاکید دارد. در همسایگی کنیا، این خط آهن به ارزش ۳.۸ میلیارد دلار، ۷۵۰ کیلومتر از پایتخت کنیا تا بندری در اقیانوس هند را طی می کند. خط نایروبی - مومباسا برنامه ریزی شده است که از کنیا به

سمت غرب به اوگاندا، کنگو، رواندا و بوروندی و از شمال به سودان جنوبی و اتیوپی امتداد یابد. اوهورو کنیاتا - رئیس‌جمهور کنیا - در میان نگرانی‌ها در مورد قیمت بالای آن و انتقاد از عدم ارزیابی اثرات زیست‌محیطی این راه آهن، بزرگترین پروژه زیرساختی از زمان استقلال این کشور را افتتاح کرد (مونگای ۲۰۱۷). قطار قرمز و سفید دیزلی در ۳۱ مه ۲۰۱۷ از مومباسا در سفر خود به نایروبی، کنیایی‌ها، مقامات چینی و شهروندانی از سراسر کشور را حمل کرد. راه‌آهن ساخت چین که Madaraka Express نامیده شده است، جایگزین راه‌آهن ساخته شده توسط بریتانیا در قرن نوزدهم به نام Lunatic Express شد. در آن زمان این نام بر راه‌آهن قدیمی گذارده شد؛ زیرا که روند ساخت آن جان افراد زیادی را گرفت و سرمایه‌گذاری زیادی را به خود اختصاص داد. به نظر می‌رسد خط جدیدی که توسط یک شرکت دولتی چینی ساخته شده است، بارهای مشابهی را حمل می‌کند. زیرا اول اینکه ارزان نیست. دوم اینکه بانک صادرات و واردات چین ۹۰ درصد از هزینه خط راه آهن را تأمین مالی کرد، در حالی که دولت کنیا ۱۰ درصد باقی مانده را تأمین کرد. منتقدان دولت می‌گویند که این خط راه‌آهن بیش از حد گران است و نگرانی‌ها در مورد بدهی خارجی کنیا و عدم شفافیت و فساد دولت نگرانی‌هایی وجود دارد. کشورهای آفریقایی به میزان زیادی از چین وام می‌گیرند. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴، نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار توسط بانک صادرات و واردات چین (Exim) برای پروژه‌های راه‌آهن تأمین مالی شد که بالغ بر ۸۲.۵ درصد از کل هزینه است. همچنین نگرانی‌هایی در مورد حفظ سرویس منظم پس از خروج چینی‌ها وجود دارد. این چالش برای راه‌آهن ساخت چین بود که تانزانیا و زامبیا را به هم متصل می‌کرد، همانطور که جیمی مونسون (۲۰۰۹) در «کتاب راه‌آهن آزادی آفریقا» مستند کرد.

به همین ترتیب در جیبوتی، بدهی این کشور بسیار دلهره‌آور است و ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن است. با این حال، وزیر دارایی جیبوتی چنین

نگرانی‌هایی را رد کرده و گفته است که نرخ رشد ۶.۷ درصدی به این کشور اجازه می‌دهد تا وام‌های خود را پرداخت کند.

شرکت جاده و پل چین تلاش کرده است تا از انتقادات در مورد استخدام کارگران کنیایی جلوگیری کند. همچنین زیرگذرهایی ساخت تا حیات وحش بتواند از راه آهن و پارک ملی تساوو عبور کند. با این حال، به گفته سازمان غیردولتی کنیایی (فیل‌ها را نجات بدهید) حداقل هشت فیل در نتیجه گیج شدن در کار ساخت و ساز کشته شده‌اند. این به شهرت بد چین در تخریب طبیعت کمکی نمی‌کند. بنیاد Born Free تخمین زده است که حدود ۷۰ درصد از عاج وحش در این کشور گسترده است. ارزش تجارت عاج سالانه ۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود. در نتیجه، کرگدن‌ها و فیل‌ها در ده سال آینده به سرعت به سوی انقراض کامل می‌روند. فعالان محیط زیست و افراد مشهور چینی مانند یائو مینگ - بسکتبالیست - از دولت خواسته‌اند که فروش تجاری عاج را ممنوع کند. در پایان سال ۲۰۱۶، چین ممنوعیت تجارت عاج و فعالیت‌های فرآوری آن را تا پایان سال ۲۰۱۷ اعلام کرد. به دنبال فشارهای بین‌المللی و داخلی، دولت چین در نهایت اقدام به ممنوعیت تجارت غیرقانونی موارد مربوط به حیات وحش کرد. در عین حال، این ممنوعیت به راحتی کارزار شی جین‌پینگ علیه مقامات فاسد که به استفاده از هدایای گرانبه‌ای عاج حکاکی شده به عنوان دریافت رشوه شناخته شده‌اند را تقویت می‌کند. علاوه بر این، این ممنوعیت به چین کمک می‌کند تا در زمانی که به نظر می‌رسد ایالات متحده به موضوعات تغییرات آب و هوایی پشت کرده است در مقابله با مسائل زیست محیطی پیش‌تاز باشد. با این حال باید دید این ممنوعیت چگونه اجرا می‌شود. اگر موفقیت‌آمیز باشد، آینده فیل‌ها تغییر داده خواهد شد.

به طور کلی، همه از چین راضی نیستند. در سال ۲۰۱۳، بیش از ۲۰۰۰ شرکت چینی در آفریقا تأسیس شد. شرکت‌های دولتی بزرگ، شرکت‌های کوچک و متوسط، و فروشندگان کوچک چینی همه در آفریقا هستند. با گذشت زمان بر تعداد صداهای منتقد آفریقایی افزوده شده است. چین اغلب به عدم شفافیت، حمایت از رژیم‌های سرکوب‌گر و عدم تعهد به حفاظت از محیط زیست متهم می‌شود. شرکت‌های چینی به‌خاطر شیوه‌های تجاری بحث‌برانگیزشان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. آن‌ها متهم به کم‌هزینه‌ترین مناقصه، شرایط بد کارگران و حتی استفاده از کارگران با مهارت پایین از چین به جای استخدام کارگران آفریقایی شده‌اند. شرایط بدکارگران به وجهه چین در سایت‌های ساختمانی سودان و آنگولا، در پروژه‌های زیرساختی بزرگ در موزامبیک و در معادن ذخایر معدنی زامبیا آسیب رسانده است. دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۱۱) دریافت که زامبیایی‌هایی که در معادن مس چینی کار می‌کنند، از شرایط شغلی اسفناکی رنج می‌برند که استانداردها و شیوه‌های داخلی و بین‌المللی را در صنعت معدن مس برآورده نمی‌کنند. به طور خلاصه، به نظر می‌رسد که شرکت‌های دولتی چین در زامبیا با مشکلات ایمنی و نیروی کار مشابهی روبرو هستند که در صنعت معدن داخلی چین وجود دارد. شرکت‌های چینی با موجی از مقاومت در میادین نفتی و معدن مس دست به گریبان هستند، جایی که کارگران به دلیل دستمزد پایین و شرایط خطرناک کاری اعتصاب کرده‌اند. در سال ۲۰۱۲، یک مدیر چینی در یک معدن زامبیا در شورش توسط کارگرانی که به تاخیر در پرداخت حداقل دستمزد بیشتر اعتراض داشتند، کشته شد.

تاجران چینی کالاهای وارداتی ارزان را در بسیاری از مراکز خرید آفریقا می‌فروشند. ۵۰۰ تاجر کنیایی در نایروبی شعار می‌دادند: «چینی‌ها باید بروند». آنها با هزاران تاجر چینی که با ویزای توریستی وارد شده بودند مخالف بودند. از سنگال تا کنیا، بازرگانان آفریقایی از مشاهده رقابت ناعادلانه تجار خصوصی چینی

که وارد آفریقا می‌شوند، خشمگین هستند. در شهر غبارآلود سالیما، بازرگانان مالاوایی در بازار پوشاک از ورود بازرگانان چینی به این شهر در سال‌های اخیر استقبال نمی‌کنند. به دلایل موجه، بسیاری از تاجران کوچک چینی از سرمایه‌گذاری در آفریقا می‌ترسند. خانم لین که یک فروشگاه لباس در مالاوی افتتاح کرد نیز همین‌طور است. او امیدوار است که سفارت چین از او و افرادی که برای کمک به کسب‌وکار به آفریقا مهاجرت کرده‌اند محافظت کند. او گفت: «من تقریباً هیچ چیز درباره این کشور نمی‌دانم، اما ما در اینجا سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌ام. ما ماشین داریم و نمی‌خواهیم ترک کنیم». تاجر خرد چینی در صدر فهرست اولویت‌های دولت چین برای درخواست کمک نیستند. با این حال چینی‌ها از حرکت به آفریقا دست نمی‌کشند. در مالاوی، تانزانیا، اوگاندا و زامبیا، دولت‌ها قوانین جدیدی را وضع کرده‌اند برای محدود کردن صنایع یا مناطقی که چینی‌ها می‌توانند در آن فعالیت کنند (کروپلی و مارتینا ۲۰۱۲).

یک روزنامه نگار در نشریه Sunday Nation می‌پرسد: «چرا چینی‌ها سازنده اصلی جاده‌های ما هستند؟» او مشاهده کرد که شرکت‌های چینی ساخت‌وساز ۷ جاده از ۱۱ جاده جدید در کنیا را بر عهده گرفته‌اند. او مدعی است که چینی‌ها کم‌ترین قیمت قراردادها را پیشنهاد داده‌اند. او با به چالش کشیدن دولت کنیا می‌پرسد: «این موضوع برای توسعه کارآفرینی محلی چه معنایی دارد؟ آیا کنیایی‌ها هنوز نمی‌توانند مانند همان را تحویل دهند؟». چین به فعالیت‌های دولت رئیس‌جمهور اوهورو کنیاتا که مواجه با اتهامات در دیوان کیفری بین‌المللی است، توجه ویژه‌ای داده است. نخست‌وزیر چین، لی کچیانگ، فاز اول قرارداد ۱۴ میلیارد دلاری ایجاد راه‌آهن بزرگی را برای اتصال مناطق داخلی سودان جنوبی، رواندا و اوگاندا امضا کرد. مقامات کنیا به ۵۰۰۰ کارگر چینی اجازه ساخت فاز اول مسیر را دادند. منتقدان خشمگین بودند و می‌گفتند که کنیا اکنون تقریباً مقرر چین در آفریقا است (لی ۲۰۱۴).

بر اساس گزارش Afrobarometer (2016)، به طور متوسط در ۳۶ کشور آفریقایی، چین با ۲۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دومین مدل محبوب برای توسعه ملی پس از ایالات متحده است. مهم‌ترین عواملی که در ایجاد تصویر مثبت از چین در آفریقا نقش دارند، توسعه زیرساختی آن (۳۲٪)، هزینه محصولات (۲۳٪) و سرمایه‌گذاری‌های تجاری (۱۶٪) است. از سوی دیگر کیفیت پایین کالاهای چینی (۳۵ درصد) به وجهه کشور لطمه می‌زند. همچنین نگرانی‌هایی در مورد فعالیت‌های چین در آفریقا وجود دارد که چهره چین در آفریقا را تخریب می‌کند از جمله: دور کردن مشاغل و کسب و کار از مردم محلی (۱۴٪)، استخراج منابع این قاره (۱۰٪) و دخالت در غصب زمین (۷٪). همه عواملی هستند که به وجهه منفی آن کمک می‌کند. حدود ۴ درصد از پاسخ‌دهندگان چین را به دلیل تمایل این کشور به همکاری با دولت‌های خودکامه سرزنش می‌کنند. در حالی که کیفیت پایین محصولات بیشترین عامل منفی در وجهه چین است که در ۲۶ ایالت از ۳۵ ایالت ذکر شده است. استخراج منابع به عنوان مخرب تصویر منفی از چین نیز در غنا (۴۳٪)، ماداگاسکار (۳۷٪)، گابن (۲۲٪) و سیرالئون (۲۰٪) مورد توجه قرار گرفته است. ملاحظات سیاسی و اجتماعی از نظر تأثیر مردم آفریقا بر تصویر چین بسیار پایین‌تر از (۵٪) است. قدردانی از مردم، فرهنگ و زبان چین با ۲ درصد کمترین رتبه را دارد.

این نظرسنجی به خوبی این یافته‌ها را در مورد چگونگی درک مردم عادی آفریقا از کشور چین و چینی‌ها را تأیید می‌کند. آفریقایی‌ها احساسات غیریکسانی نسبت به چینی‌ها دارند. احساسات آفریقایی بر اساس نوع تماس بین چینی‌ها و آفریقایی‌ها و ماهیت ارتباط بین آنها شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد که روابط بین مردم، به غیر از موقعیت‌های کاری، نادر است. هیچ نشانه‌ای مبنی بر داشتن یک دوست چینی توسط آفریقایی‌ها وجود ندارد. یکی از دلایل متعدد این درک، ترجیح چینی‌ها برای زندگی در اجتماعات چینی به دور از جامعه محلی است.

تصور این است که چینی‌ها غذا و عادات خود را ترجیح می‌دهند و واقعاً به آفریقایی‌ها و فرهنگ آن‌ها علاقه‌ای ندارند. به همین دلیل، شاید تعجب‌آور نباشد که چینی‌ها اغلب با سوءظن در نظر گرفته می‌شوند. بسیاری از آفریقایی‌ها شاکی‌اند از این‌که چینی‌ها مشاغل آن‌ها را می‌گیرند. برخی از آفریقایی‌هایی که با چینی‌ها کار می‌کنند می‌گویند که چینی‌ها آن‌ها را با خود برابر نمی‌دانند. در عوض، چینی‌ها نگرش پدرسالارانه و حتی نژادپرستانه اتخاذ کرده‌اند. صاحبان مشاغل کوچک از ورود چینی‌ها بیمناک هستند. برای مثال، یک کارآفرین در تجارت حمل و نقل آفریقای جنوبی شکایت می‌کند که چینی‌ها همیشه با ارائه «پایین‌ترین قیمت» وارد رقابت می‌شوند و در نتیجه بازار تجار محلی را نابود می‌کنند. به نظر می‌رسد بسیاری از محققان در دانشگاه‌های آفریقای جنوبی، کنیا و سنگال نسبت به حضور و اهداف واقعی چین در آفریقا تردید دارند. اظهارات چین مبنی بر همکاری برد-برد آن‌ها را به متقاعد نکرده است. آن‌ها نگران هستند که دولت چین فعالانه رهبران ملی مانند ژاکوب زوما در آفریقای جنوبی و اوهورو کنیاتا در کنیا محاکمه کند تا این‌که آفریقا در نهایت با چین رابطه نزدیکی داشته باشد. برخی معتقدند که چین در حال استثمار آفریقا است، درست همانطور که قدرت‌های استعماری سابق انجام می‌دادند. از سوی دیگر، رویکردهای عملی نیز وجود دارد از جمله: «بگذار بسازند و سرمایه‌گذاری کنند، بعداً می‌توانیم آن‌ها را بیرون کنیم». تجار اروپایی و آمریکایی همچنان به آفریقا می‌روند. این بدان معناست که شرکت‌های چینی در معرض بهترین شیوه‌های تجاری شرکت‌های غربی هستند و اغلب به منظور تطابق با آن‌ها فشار زیادی را متحمل می‌شوند. این بدان معناست که ادعای چین مبنی بر اینکه تعامل این کشور با آفریقا منحصر به فرد است و ماهیتی متفاوت از غرب دارد دیگر قابل اعتماد نیست. علاوه بر این، شرکت‌های چینی می‌خواهند در بازاری فعال باشند که بیشترین فرصت در آن وجود دارد. آن‌ها بهترین فرصت را در امتداد جاده ابریشم جدید می‌بینند. مزیت چین در

صنعت، صرفه جویی در مقیاس آن است. جاه طلبی جهانی آن در داشتن تجارت رقابتی بین المللی، در زیرساخت ها و فناوری سبز، موفقیت در رقابت یا شاید در همکاری با غرب است. SSA برای چین به دلیل داشتن مواد خام و تولید کم هزینه در آنجا و به عنوان مکانی برای آزمایش قدرت نرم خود مهم است.

منابع

- AfDB/OECD/UNDP. (2017). *African Economic Outlook 2017. Special Theme: Entrepreneurship and Industrialisation*. Paris: OECD Publishing. Retrieved from <https://doi.org/10.1787/aeo-2017-en>
- Afrobarometer. (2016). China's Growing Presence in Africa Wins Largely Positive Popular Reviews by Mogopodi, Chingwete, Okuru, & Samson. No. 122, 24 October 2016. http://afrobarometer.org/sites/default/files/publications/Dispatches/ab_r6_dispatchno122_perceptions_of_china_in_africa1.pdf
- Blunt, P., Turner, M., & Hertz, J. (2011). The Meaning of Development Assistance. *Public Administration and Development*, 31(3), 172–187.
- Carr, E. H. (1939). *Propaganda in International Politics*. Oxford: Clarendon Press.
- Chen, Y. (2007). Build China's Soft Power with the Context of Globalization, *Guoji Guangcha*, February 2007. In: McGiffert, C. (2009). *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States. Competition and Cooperation in the Developing World* (A Report of the CSIS Smart Power Initiative, March 2009). Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- China in Africa. (2009). *Strategic Overview*. Institute of Developing Economies, Japan External Trade Organization. Retrieved from www.ide.go.jp/English/Data/Africa.../china_all.pdf
- Cotula, L., Vermeulen, S., Leonard, R., & Keeley, J. (2009). *Land Grab or Development Opportunity? Agricultural Investment and*

- International Land Deals in Africa*. London/Rome: IIED/FAO/IFAD. ISBN: 978-1-84369-741-1.
- Craig, D. A., & Porter, D. (2006). *Development Beyond Neoliberalism? Governance, Poverty Reduction and Political Economy*. London: Routledge.
- Cropley, E., & Martina, M. (2012). *Insight: In Africa's Warm Heart, A Cold Welcome for Chinese*. Retrieved from <http://www.reuters.com/article/us-africa-china-pushback-idUSBRE88H0CR20120918>
- Easterly, W. (2007). *White Man's Burden*. Oxford: Oxford University Press.
- Grimm, S. (2011, November). *Transparency of Chinese Aid – The Published Information on Chinese External Financial Flows (Policy Briefing)*. Centre for Chinese Studies, Stellenbosch University.
- Harding, A. (2015, January 26). Sudan's Omar al-Bashir Gets Chinese-Built Presidential Palace. *BBC News, Africa*. Retrieved from <http://www.bbc.com/news/world-africa-30990268>
- He, W. (2017, January 5). Intertwined Future. In 2017, China-Africa Ties Will Face Both Opportunities and Challenges. *The Beijing Review*, No.1. Retrieved from http://www.bjreview.com/Opinion/201701/t20170103_800084566.Html
- Hu, A. (2006). Harmony Is Also the Last Word: It Has Become China's Greatest Soft Power. *Zhongguo Xinwen She*. October 12, 2006. In: McGiffert, C. (2009). *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States. Competition and Cooperation in the Developing World (A Report of the CSIS Smart Power Initiative, March 2009)*. Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- Human Rights Watch. (2009). *Well Oiled, Oil and Human Rights in Equatorial Guinea*. Retrieved from <https://www.hrw.org/report/2009/07/09/welloiled/oil-and-human-rights-equatorial-guinea>

- Human Rights Watch. (2011). 'You'll Be Fired If You Refuse' Labor Abuses in Zambia's Chinese State – Owned Copper Mines. Retrieved from <https://www.hrw.org/report/2011/11/04/youll-be-fired-if-you-refuse/labor-abuseszambias-chinese-state-owned-copper-mines>
- Huntington, S. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order* (p. 229). New York: Simon & Schuster.
- Jacobs, A. (2017, February 7). Joyous Africans Take to the Rails, with China's Help. 点击查看本文中文版. *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2017/02/07/world/africa/africa-china-train>
- Keohane, R., & Nye, J. (1977). *Power and Interdependence: World Politics in Transition*. New York: Little Brown.
- Kwendo, M. (2015). *Why Are Chinese the Main Builders of Our Roads?* Retrieved from <http://www.nation.co.ke/oped/Opinion/Why-are-Chinese-the-mainbuilders-of-our-roads/440808-2937412-vdsqs6z/index.html>
- Lai, H., & Lu, Y. (Eds.). (2012). *China's Soft Power and International Relations*(pp. 21–38). London: Routledge. Lee, M. (2014). *Inside Chinese-Africa Relations – The Lies, Damn Lies, Truths*. Retrived from <http://mgafrica.com/article/2014-08-25-chinese-africarelationsfive-things-you-thought-you-knew-but-arenttrue>
- McGiffert, C. (2009, March). *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States. Competition and Cooperation in the Developing World* (A Report of the CSIS Smart Power Initiative). Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- Monson, J. (2009). *Africa's Freedom Railway: How a Chinese Development Project Changed Lives and Livelihoods in Tanzania Hardcover*. Bloomington: Indiana University Press.
- Morgenthau, H. (1948). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. New York: Alfred A. Knopf.

- Morlin-Yron, S. (2017). *All Aboard! The Chinese-Funded Railways Linking East Africa*. Retrieved from <http://edition.cnn.com/2016/11/21/africa/chinese-funded-railways-in-africa/>
- Moyo, D. (2009). *Dead Aid: Why Aid Is Not Working and How There Is a Better Way for Africa*. New York: Penguin Books.
- Mungai, R. (2017). Is China Railroading Kenya Into Debt? *SCMP*, October 8, 2016. Retrieved from <http://www.scmp.com/week-asia/geopolitics/article/2026152/china-railroading-kenya-debt>
- Nye, J. (1990). *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*. New York: Basic Books.
- Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Nye, J. S. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affairs.OECD. Paris Declaration and Accra Agenda for Action (2005/2008). Retrieved from <http://www.oecd.org/dac/effectiveness/34428351.pdf>
- Pew Research Center. Global Attitudes and Trends. (2015, September 16). *Health Care, Education Are Top Priorities in Sub-Saharan Africa*.
- Rogers, D. (2016, July 7). China, Nigeria Agree New Deal for \$12bn Coastal Railway. *Global Construction Review*. Retrieved from <http://www.globalconstructionreview.com/news/china-nigeria>.
- Sachs, J. (2005). *The End of Poverty. Economic Possibilities for Our Time*. New York:Penguin Books.
- The Chinese Dragon and Africa. (2012). Retrieved from <http://allafrica.com/view/group/main/main/id/00015449.html>
- Tracking Chinese Development Finance. (n.d.). Retrieved from <http://china.aiddata.org/>
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. Long Grove: Waveland Press. White Paper on China's Foreign Aid. (2014). Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/china/2014-07/10/c_133474011.htm

- World Bank. (2016). *Global Economic Prospects*. Sub-Saharan Africa. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/publication/global-economic-prospects>
- Wu, R., & Wu, X. (Eds.) (1999) *Sunzi: The Art of War*. *Sun Bin: The Art of War* (Library of Chinese Classics). Beijing: Foreign Languages Press.
- Zheng, Y., & Zhang, C. (2012). Soft Power and Chinese Soft Power. In H. Lai & Y. Lu (Eds.), *China's Soft Power and International Relations* (pp. 21–38). London: Routledge

فصل ۴: فرهنگ

خلاصه

در سال ۲۰۱۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین خواستار توسعه بیشتر در عرصه فرهنگ به منظور افزایش قدرت نرم شد. هدف از آن ایجاد وجهه‌ای مطلوب‌تر برای چین با هویت فرهنگی جذاب است که آرام و پیوسته ذهن‌ها و قلب‌ها را به دست آورد تا با آن بتواند به اهداف سیاست خارجی خود در آفریقا برسد. کنفوسیوس‌گرایی دولت محور پایه‌ای است که بر اساس آن چین می‌تواند یک قدرت فرهنگی قوی ایجاد کند تا با استفاده از آن پروژه جهانی خود را پیش ببرد. چین دارای ۴۶ مؤسسه کنفوسیوس در آفریقا است که همگی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی محلی وابسته هستند. در آفریقا مانند جاهای دیگر، مؤسسات دوره‌های آموزشی زبان چینی را ارائه می‌دهند و فرهنگ چینی را ترویج می‌کنند. با این حال، تفکر چینی با اصول آفریقایی همخوانی ندارد. فرهنگ و ارزش‌های چینی بر میراث فرهنگی غنی آفریقا غلبه یا با آن رقابت نمی‌کند. همچنین ارزش‌های سیاسی چین با ارزش‌های جهانی دموکراسی و حقوق بشر رقابت نمی‌کنند - آن ارزش‌هایی که توسط آفریقایی‌ها تأیید شده‌اند.

کلیدواژگان: صادرات فرهنگ به عنوان قدرت نرم

مبانی فرهنگ سنتی چین که دارای تاریخ ۵۰۰۰ ساله است که در سلسله شانگ (۱۶۰۰-۱۰۴۶ قبل از میلاد) بیش از ۳۰۰۰ سال پیش نوشته شده است. تمدن چین از عصر یانندی و هوانگدی (امپراتور زرد) سرچشمه می‌گیرد که هر دو رهبر قبیله در فلات لوئس غربی چین بودند. تاریخ و فرهنگ چین به صورت مکتوب در طول سلسله ژو غربی (حدود قرن یازدهم - ۷۷۱ قبل از میلاد) نوشته شده است. در طول دوره بهار و پاییز (۷۷۲-۴۷۶ پیش از میلاد) دولت ژو به پایتخت جدید در لویانگ نقل مکان کرد که نشان دهنده پایان دوره ژو غربی و آغاز ژو شرقی است. این دوران به دلیل رشد در فلسفه، شعر، هنر و ظهور مکاتب کنفوسیوس، تائوئیست و موهیست شناخته شده است. سپس، ایالت‌های مختلف شروع به جدایی از حاکمیت مرکزی کردند که به دوره کشورهای در حال جنگ (۲۲۱-۴۷۶ قبل از میلاد) منجر شد.

آیین کنفوسیوس بخشی ذاتی از فرهنگ چینی است که ارزش‌های توازن، خیرخواهی، درستی، تواضع، خرد، صداقت، وفاداری و فرزنددوستی را در خود جای داده است. این‌ها هنوز بر ذهن مردم چین تأثیرگذار است. کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ قبل از میلاد) در دوره بهار و پاییز سلسله ژو به دنیا آمد و زندگی کرد. او فیلسوف، معلم و شخصیت سیاسی بود که ارزش تحصیل، فضیلت و تزکیه نفس را تبلیغ می‌کرد. کنفوسیوس می‌گوید که انسانیت یا «رن» عشق به مردم است و هر انسانی می‌تواند دارای خوبی، خیرخواهی و عشق باشد. این روح انسان‌گرایی در فلسفه‌های هند باستان نیز دیده می‌شود. در آثار فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، مانند مباحث افلاطون درباره حکمت، شجاعت، اعتدال، و عدالت و هم‌چنین در اخلاق نیکوماخوس ارسطو نیز یافت می‌شود. در اوپونتو آفریقا نیز به عنوان «مهربانی انسان» دیده شده است. انسانیت و برادری در اندیشه اخلاقی آفریقایی نقش اساسی دارد. برادری آفریقایی در مورد مهمان نوازی، سخاوت، توجه به دیگران و احساس مشترک افراد است. «برادر انسان، انسان است» (Onia

(nun ne onia) به این معناست که اگر انسان هستیم، (باید) برادر باشیم. مفهوم شخصیت (iwi) در اخلاق آفریقایی محوری است. «یک فرد از نظر اخلاقی بر اساس عقل خود - چه خوب و چه بد» ارزیابی می شود (گیکه، ۲۰۱۱). اخلاق مبتنی بر شخصیت آفریقایی معتقد است که کیفیت شخصیت افراد در زندگی اخلاقی ما بسیار اساسی است. سیستم خانواده گسترده در آفریقا به معنای «زندگی با هم» و حس «اجتماع برادران و خواهران» است. در عین حال، اهمیت فردیت و شخصیت به عنوان موتور زندگی اخلاقی شناخته می شود. در مقابل، در سنت چینی، زندگی باهم در هماهنگی به این معنی است که هر فردی جایگاه خود را در نظم مناسب روابط اجتماعی در خانواده و جامعه می داند: حاکم به رعیت، پدر به پسر، شوهر به زن، برادر بزرگتر به برادر کوچکتر و دوست به دوست. هر کدام وظیفه خاصی در این روابط دارند. اصل کنفوسیوسی اعتبار در قالب ایجاد روابط عاطفی بسیار نزدیک گوانشی (ارتباطات) و رنتینگ (محبت) با افرادی که با آنها اعتماد به کردی به اشتراک می گذارید، نقشی را ایفا می کند. اصل کنفوسیوسی بازگشت از طریق ایجاد ارتباطات عاطفی نزدیک به شکل روابط گوانشی (ارتباطات) و رنت (لطف) با افرادی که با آنها اعتماد مشترک دارید، نقشی را ایفا می کند. در همین حال، رفتار متقابل آفریقایی به این معنی است که مردم به یکدیگر کمک می کنند بدون اینکه در ازای آن درخواست لطفی داشته باشند. یک آفریقایی بهترین خانه و شام خود را به مهمان می دهد، بدون اینکه فکر کند کار خارق العاده ای انجام می دهد (کمپبل ۱۹۲۲، صفحه ۴۵).

کنفوسیوس مورد هجوم لگالیست‌ها (قانون‌گرایان) قرار گرفت. آنها اخلاقیات را نادیده گرفتند. به عنوان مثال هان فیزا (حدود ۲۸۰-۲۳۳ ق.م) استدلال می کرد که «مردم مطیع قدرت هستند و تعداد کمی از آنها می توانند تحت تأثیر آموزه‌های درست‌کاری قرارگیرند؛ زیرا مردم کمی برای انسانیت ارزش قائل هستند و عمل به درست‌کاری دشوار است». او کنفوسیوس را به عنوان

کسی که «شخصیت خود را پرورش داده و آموزه‌هایش را تبیین کرده و به اقصی نقاط دنیا سفر کرده به تمسخر می‌گیرد». در مقابل، آرمان کنفوسیوس ماهیت اخلاقی دارد. کنفوسیوس اصل فضیلت‌مند بودن و رقابت‌پذیر بودن را در یک دفتر حکومتی ترویج می‌کرد. اخلاقیات، امانتداری و هماهنگی مضامین رایج در آنالکت‌ها هستند که به طور مداوم توسط کنفوسیوس تکرار شده‌است (چان ۲۰۱۵، صفحه ۷).

کنفوسیوسیم دولت محور

در سال ۲۰۰۶، یو دان، استاد مطالعات رسانه در دانشگاه پکن، یک سلسه سخنرانی در مورد کنفوسیوس ایراد کرد. تلویزیون مرکزی چین آن‌ها را در مدت هفت روز پخش کرد. کتاب «یادداشت‌های یو دان در مورد آنالکت‌ها» میلیون‌ها فروش داشت. خانه قدیمی کنفوسیوس در کوفو در استان شان‌دونگ نیز بازسازی شد. واضح است که کنفوسیوس همچنان مهم است.

فرهنگ سنتی چین به منبع ارزشمندی از قدرت نرم چین مبدل شده است که به انتشار تصویر مطلوب از کشور کمک می‌کند. پروفیسور ژانگ پی‌وی در سخنرانی اصلی خود در کارگاه آموزشی ضمن خدمت برای مدیران موسسه کنفوسیوس در اکتبر ۲۰۱۳ گفت: «چین به عنوان یک قدرت منحصر به فرد، با قلمرو گسترده، جمعیت زیاد و فرهنگ فوق العاده خود در طول هزاران سال از تاریخ حفظ شده است.»

کنفوسیوسیم و آثار کلاسیک کنفوسیوس الهام بخش رئیس جمهور شی جین پینگ هستند. روزنامه برجسته حزب، People's Daily، ۱۳۵ مثال از «استفاده شی جین پینگ از کلاسیک‌ها» را ارائه می‌دهد (شی جین پینگ ۲۰۱۴). مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی بزرگداشت ۲۵۶۵مین سالگرد تولد کنفوسیوس و پنجمین مجمع عمومی کنفدراسیون بین‌المللی کنفوسیوس در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ در تالار بزرگ مردم پکن برگزار شد. رئیس جمهور شی جین پینگ در یک

سخنرانی مهم در افتتاحیه مراسم بزرگداشت بین‌المللی، فرهنگ سنتی چین و ارزش‌های کنفوسیوس را به عنوان راه حلی برای مشکلات معاصر ستایش کرد. دانشمندان و سیاستمداران از سراسر جهان به این کنفرانس دعوت شدند و به عنوان بخشی از برنامه از کوفو، زادگاه کنفوسیوس در استان شان‌دونگ و معبد معروف کنفوسیوس در آنجا دیدن کردند.

در واقع، دولت چین آیین کنفوسیوس را احیا کرده است. دولت کنفوسیوسم را ترویج می‌کند زیرا با اهداف داخلی و اهداف سیاست خارجی چین مطابقت دارد. همچنین به دلیل مخالفت با هژمونی فرهنگی ایالات متحده، از رویای چینی حمایت می‌کند. هدف «دنیای هماهنگ» که در چارچوب سیاست خارجی بیان شده است؛ نشان از تعهد چین به «توسعه صلح‌آمیز» در امور جهانی است.

تغییر نگرش دولت چین نسبت به آیین کنفوسیوس یک موضوع جالب و گیراست. در طول قرن بیستم، مائو تسه تونگ و رهبران انقلابی، کنفوسیوسم را که متعلق به دوران گذشته و امپراتوری‌ها و «فئودالی» بود؛ محکوم کردند. کنفوسیوس‌گرایی به عنوان مانعی برای گسترش فعالیت آن‌ها در نظر گرفته شد. در طول انقلاب فرهنگی، کنفوسیوسم یکی از «چهار عهد باستانی» بود که باید حذف می‌شد. در سال ۱۹۷۳، در اواخر انقلاب فرهنگی، همسر مائو کمپین «نقد لین، انتقاد کنفوسیوس» را راه‌اندازی کرد. در این مدت بسیاری از معابد کنفوسیوس ویران شدند و متون مقدس آموزه‌های او نیز سوزانده شد.

بیش از سه دهه بعد، آیین کنفوسیوس نقش خود را به عنوان «ارزش مرکزی فرهنگی» در کنفوسیوسم حکومت محور بازیافت. در حالی که مارکسیسم هنوز کارکرد و نقش خود را در لفاظی‌های دولت دارد و به عنوان ایدئولوژی پیشرو حزب کمونیست چین محسوب می‌شود؛ کنفوسیوسم و ارزش‌های کنفوسیوسی، «جامعه هماهنگ» را برای تضمین ثبات اجتماعی و

میراث حزب کمونیست چین ترویج می‌کند. «جامعه هماهنگ» در خدمت هدف ملی برای تحکیم وحدت است. یکی از اهداف آن «انسانی کردن» جامعه معاصر است که بافت اجتماعی سنتی آن از هم گسیخته شده است. به این ترتیب فرهنگ سنتی به بخشی از قدرت نرم چین تبدیل شده است. هدف آن ایجاد میدان دید قوی‌تر برای چین با هویت فرهنگی جذاب است که به آرامی و پیوسته ذهن و قلب را به خود جلب کند و به آن کمک کند تا به اهداف سیاست خارجی خود در آفریقا و سراسر جهان برسد. آیین کنفوسیوس به عنوان منبعی ارزشمند برای ساختن یک قدرت فرهنگی قوی برای چین به‌منظور پیشبرد جهانی شدن خود پذیرفته است.

صادرات فرهنگ چین به آفریقا

دولت چین به دنبال بهبود وجهه خود در آفریقا از طریق همکاری‌های فرهنگی و مؤسسات کنفوسیوس‌گرایی است. اولین مؤسسه کنفوسیوس‌گرایی آفریقا در سال ۲۰۰۵ در کنیا تأسیس شد. امروزه چین ۴۶ مؤسسه کنفوسیوس در این قاره دارد. آن‌ها به عنوان یک «شریک» وابسته به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی محلی، از کیپ تاون تا قاهره، فعالیت می‌کنند. در آفریقا نیز مانند جاهای دیگر، مؤسسه‌های کنفوسیوس دوره‌های زبان چینی را ارائه می‌دهند و فرهنگ چینی را ترویج می‌کنند. آن‌ها آزمون‌های مهارت زبان چینی برگزار می‌کنند و به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا بورسیه تحصیلی CI را برای مطالعه زبان چینی در دانشگاه‌های چین دریافت کنند. فعالیت‌های فرهنگ چینی شامل دوره‌های خوشنویسی، طب سنتی، طب سوزنی، هنرهای رزمی و غذاهای چینی است. رویدادهای مختلف مرتبط با فرهنگ چینی مانند جشن سال نو چینی در نظر گرفته شده است تا راه را برای دسترسی و ادغام در جامعه آفریقا هموار کند. هیئت‌ها و گروه‌های کر از چین به مؤسسات کنفوسیوس فرستاده می‌شوند تا از رویدادهای مختلف در کشورهای میزبان حمایت کنند. اخیراً، مراسم افتتاحیه راه‌آهن استاندارد گاج (ناپروبی-)

مومباسا) با حضور فرستاده رئیس جمهور شی جین پینگ به رهبری وانگ یونگ، عضو شورای دولتی برگزار شد. گروه کر مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه نایروبی برای اجرا در این جشن دعوت شد.

بسیاری از رهبران آفریقایی علاقه‌مند به ترویج زبان و فرهنگ چینی در کشور خود هستند با این باور که از افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری چین سود خواهند برد. بنابراین مؤسسه کنفوسیوس همکاری اقتصادی چین و آفریقا را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که چگونه اماکن فرهنگی و روابط اقتصادی دست به دست هم می‌دهند. بزرگترین شریک تجاری چین آفریقای جنوبی است. در نتیجه پنج مؤسسه کنفوسیوس در آنجا وجود دارد. میزبان آن‌ها دانشگاه استلنبوش (۲۰۰۷)، دانشگاه رودز (۲۰۰۷)، دانشگاه کیپ تاون (۲۰۱۰)، دانشگاه صنعتی دوربان (۲۰۱۳) و دانشگاه ژوهانسبورگ (۲۰۱۴) است. کنیا، قوه محرکه آفریقای شرقی، میزبان چهار مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه نایروبی (۲۰۰۵)، دانشگاه کنیاتا (۲۰۰۸)، دانشگاه اگرتون (۲۰۱۳) و دانشگاه موی (۲۰۱۵) است. با این حال، در سنگال تأسیس مؤسسات کنفوسیوس طبق برنامه پیش نرفت. مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه برگر در سنت لوئیس «افتتاح شده» اعلام شد اما به بازدید از دانشگاه در مارس ۲۰۱۶ نرسید و دلیل آن هنوز مشخص نیست. با این وجود، مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه داکار از سال ۲۰۱۳ راه اندازی شده و مشغول فعالیت است. بازدید از مؤسسات کنفوسیوس در آفریقای جنوبی (۲۰۱۱، ۲۰۱۴)، کنیا (۲۰۱۳) و سنگال (۲۰۱۶) نشان داد که افراد دانشگاهی در آفریقا نگرانی‌های مختلفی در رابطه «مشارکت با چین» دارند. بسیاری از نگرانی‌ها با **لاتینن** (۲۰۱۵) کاملاً تطابق دارد. مدیریت مؤسسه‌ها چالش برانگیز بود و مشکلات زیادی در ارتباطات و تقسیم مسئولیت وجود داشت. بسیاری از آن‌ها ناشی از اتخاذ یک سیستم مدیریتی دو نفره (یکی آفریقایی و دیگری چینی) در یک ساختار مشارکتی پیچیده بود. بسیاری از آفریقایی‌هایی که در این مؤسسه کار می‌کردند این احساس

را داشتند که قدرت فرهنگی-ایدئولوژیکی-سیاسی چین در اولویت است و چینی‌ها به فرهنگ آفریقایی آن‌ها احترام نمی‌گذارند. آموزش زبان چینی به عنوان یک وظیفه مهم در مؤسسات در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا انگیزه اولیه دانشجویان آفریقایی، دریافت بورسیه تحصیلی در چین است که در نتیجه فرصت‌های شغلی بهتری ایجاد می‌کند.

آموزش زبان ماندارین به آفریقایی‌ها

سفیر چین - ژائو ییل - در مراسم افتتاحیه موسسه کنفوسیوس در دانشگاه «ماکر» در دسامبر ۲۰۱۴ گفت: «کریسمس در راه است و من فکر می‌کنم موسسه کنفوسیوس در دانشگاه ماکر بهترین هدیه کریسمس برای همه است.»

با این حال، ترویج فرهنگ چینی و آموزش زبان چینی در آفریقا موضوع تک بعدی نیست و در حقیقت این موضوعات تنها اهداف موسسه کنفوسیوس نیستند. این مؤسسات به شدت راه را برای ادغام با دانشگاه‌های آفریقا هموار کرده‌اند و به‌طور دائم دولت‌ها را تحت فشار قرار داده‌اند تا زبان چینی را در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها بگنجانند و به عنوان زبان منتخب در مدارس دولتی تدریس شود. در نتیجه، از ژانویه ۲۰۱۶، ماندارین در مدارس آفریقای جنوبی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود. خبر اضافه شدن ماندارین به برنامه‌های درسی، اتحادیه معلمان دموکراتیک آفریقای جنوبی، بزرگترین اتحادیه معلمان آفریقای جنوبی را خشمگین کرد. آن‌ها گفتند که: «تدریس ماندارین در مدارس به عنوان یک سیلی برای زبان‌های آفریقایی تلقی می‌شود.» منتقدان شدیداً شکایت داشتند که زبان‌های محلی به جایگاه زبان دوم تنزل داده می‌شوند به طوری که هم‌تراز با ماندارین که یک زبان کاملاً خارجی در آفریقای جنوبی است، به حساب می‌آیند. در واقع، نگرانی‌هایی در مورد سیاست زبان در آفریقا موجود است زیرا که بیش از ۲۰۰۰ زبان آفریقایی در سراسر آفریقا وجود دارد. علاوه بر این، سه زبان اصلی جهان به عنوان زبان بین‌المللی در سراسر قاره آفریقا عمل می‌کنند: عربی

در شمال آفریقا، انگلیسی در جنوب و شرق آفریقا و نیجریه و فرانسوی در آفریقای مرکزی و غربی و ماداگاسکار (اطلس جهانی ۲۰۱۱، صفحه ۱۲۳). به عنوان مثال، آفریقای جنوبی دارای ۱۱ زبان رسمی است که دولت وضعیت برابر را تضمین می‌کند. طبق سرشماری سال ۲۰۱۱، isiZulu زبان مادری ۲۲.۷ درصد از جمعیت آفریقای جنوبی است، پس از آن isiXhosa با ۱۶ درصد، آفریقایی با ۱۳.۵ درصد، انگلیسی با ۹.۶ درصد، Setswana با ۸ درصد و Sesotho با ۷.۶ درصد پرگوینده‌ترین زبان‌های حال آفریقای جنوبی می‌باشند. هرکدام از زبان‌های رسمی باقی مانده کمتر از ۵ درصد از جمعیت را شامل می‌شوند که با آن زبان‌ها مردم تکلم دارند. انگلیسی زبان تجارت، سیاست و رسانه است (زبان‌های آفریقای جنوبی ۲۰۱۷).

عمدتاً سفیدپوستان و رنگین پوستان آفریقای جنوبی به زبان آفریکانس صحبت می‌کنند. ترویج ماندارین در حالی که از زبان‌ها و فرهنگ محلی محافظت نمی‌شود، موضوع انتقاد بسیاری از دولت‌های آفریقایی شده است. طرح‌های مشابهی هم‌چون معرفی ماندارین به مدارس دولتی نیجریه باعث سروصدا در میان برخی از مقامات شد. آن‌ها ادعا کردند که آموزش زبان‌های محلی مانند یوروبای نباید فدای ماندارین شود و جوانان نیجریه نمی‌توانند بدون دانستن زبان و فرهنگ خود بزرگ شوند.

بسیاری از زبان‌ها و گروه‌های زبانی-قومی آفریقایی از تمدن آفریقایی سرچشمه می‌گیرند. در سراسر این قاره، ۲۰۰ زبان آفریقایی در مدارس تدریس می‌شود. با این حال، نیاز به سرمایه‌گذاری در زبان‌های آفریقایی صرفاً یک تلاش آموزشی یا زبانی نیست. زبان خود نشانگر هویت افراد است. زبان بیانگر تفکر، فرهنگ و ارزش‌های فرد است. بنابراین می‌توان استدلال کرد که افزودن ماندارین به برنامه درسی مدارس، بیشتر یک ترفند سیاسی است تا یک سیاست آموزشی صحیح که در کشور اعمال می‌شود.

دولت چین از طریق مؤسسات کنفوسیوس فرهنگ چینی و آیین کنفوسیوس را حمایت می‌کند و بر ارزش‌های هماهنگی اجتماعی و اطاعت از قدرت تاکید می‌کند. دولت تفسیر خود از ارزش‌های کنفوسیوس را در کتاب‌های درسی مدارس و تبلیغات دولتی اعلام می‌دارد. برخی از آفریقایی‌ها این نگرانی را دارند که مؤسسه کنفوسیوس فرهنگ، زبان و هویت آفریقایی را به حاشیه رانده است. قدرت فرهنگی چین به عنوان شکل ظریفی از استعمار، نرم است.

منشور فرهنگی آفریقا بر زبان‌ها، تاریخ و سنت‌های آفریقایی، حقوق بشر و هویت تاکید دارد که همگی در دوران استعمار سرکوب شده‌اند. آفریقای پسااستعمار در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ به دلیل نقض حقوق بشر گسترده توسط دیکتاتورها بدنام بود. موبوتو در زائیر (کنگو کنونی) قدرت بی‌نهایت را به نفع توسعه و رفاهی مردم، به اجرا گذاشت و ارثی از نقض حقوق بشر را با خود به جا گذاشت. بحث‌ها در مورد یک پیمان مربوط به حقوق بشر برای آفریقا در لاگوس، نیجریه، در سال ۱۹۶۱ آغاز شد. (گاواناس ۲۰۰۹، صفحات ۱۳۵، ۱۶۳). منشور آفریقا در مورد دموکراسی، انتخابات و حکومت داری در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۷ در هشتمین جلسه عادی مجمع اتحادیه AU به تصویب رسید. بر اساس این منشور، دموکراسی و حاکمیت قانون، انتخابات عادلانه و حکمرانی اخلاقی برای حمایت از حقوق بشر در آفریقا ضروری است. حقوق بشر برای توانمندسازی مردم، تحولات اجتماعی مثبت و توسعه پایدار در این قاره حیاتی است. بنابراین، همه بازیگران علاقه‌مند به توسعه آفریقا باید خود را در تحقق منشور مشارکت دهند (منشور آفریقایی در مورد دموکراسی، انتخابات، و حکومت ۲۰۱۰).

استراتژی حقوق بشر برای آفریقا در سال ۲۰۱۱ توسط اتحادیه آفریقا تصویب شد. این چارچوبی برای اقدام جمعی توسط اتحادیه آفریقا، جوامع اقتصادی منطقه‌ای و کشورهای عضو است که با هدف تقویت سیستم حقوق بشر آفریقا ترسیم شده است (راهبرد حقوق بشر برای آفریقا ۲۰۱۴). حقوق بشر

آفریقایی مبتنی بر ارزش‌های آفریقایی است که از یک اصل اخلاقی-فلسفی احترام به مردم سرچشمه می‌گیرد (متز ۲۰۱۲). بنابراین آفریقا متعهد به حقوق بشری می‌باشد که برای توسعه دموکراسی الزامی است. ایده حقوق بشر با درک کنفوسیوس از اخلاق و جامعه نیز سازگار است.

دولت چین ادعا می‌کند که به حقوق بشر احترام می‌گذارد؛ اما به طور سیستماتیک طیف وسیعی از حقوق اساسی مانند آزادی بیان، تشکل، تجمع و مذهب را محدود می‌کند. رهبران چین این ایده‌ها را «نفوذ خارجی» توصیف کرده‌اند و کسانی را که آن‌ها را ترویج می‌کنند مجازات می‌کنند. دولت چین تحت رهبری شی جین پینگ، آزادی بیان را از طریق سانسور و مجازات به شدت محدود کرده است. اینترنت فضای کمی آزادتر ارائه کرده است اما سانسورچیان دولت وظیفه فعالی دارند تا با تمام اطلاعاتی که از نظر سیاسی حساس و در نتیجه غیرقابل قبول می‌دانند مقابله کرده و آن‌ها را مسدود کنند.

تبلیغات و تصویرسازی

از منظر چین، دیدگاه مغرضانه غربی‌ها از کشورشان ناشی از عدم درک آنها از ماهیت فرهنگ چینی است (لای ۲۰۱۲، صفحه ۸۵). در سال ۲۰۱۴ شی اعلام کرد: «ما باید قدرت نرم چین را افزایش دهیم، روایت خوبی از چین ارائه دهیم و پیام‌هایمان را بهتر به جهان منتقل کنیم.» (Jain 2017، صفحه ۱۲). رسانه در کنار قوه قضائیه، مجریه و مقننه به طور گسترده به عنوان رکن چهارم دموکراسی تلقی می‌شود. رسانه‌های چینی سال‌هاست که مشغول پروپاگاندا هستند و به دولت چین خدمات می‌دهند. چین مدت‌هاست که می‌داند چگونه تصویر مثبتی را در خارج از کشور تبلیغ کند. ادگار اسنو روزنامه‌نگار آمریکایی از سوی رهبران کمونیست به چین دعوت شد. او اولین غربی بود که با آنها ملاقات و مصاحبه کرد. داستان جنگ داخلی چین، زندگی مائو تسه تونگ به عنوان یک انقلابی، و راهپیمایی طولانی در کتاب ستاره سرخ برفراز چین (۱۹۳۷) نوشته شده است.

این کتاب مورد توجه غرب قرار گرفت و به پرفروش‌ترین کتاب در سراسر جهان تبدیل شد. رادیو بین‌المللی چین (رادیو پکن) در سال ۱۹۴۱ تأسیس شد در حقیقت «صدای چین» بود و به تمام زبان‌های اصلی جهان پخش می‌شد. طی سال‌ها، چین تصاویری را به نمایش گذاشت که خود را یک کشور سوسیالیستی صلح‌دوست و قربانی تجاوزات خارجی نشان می‌داد. در دهه ۱۹۶۰، کتاب کوچک قرمز مائو از نقل قول‌های او، مورد تحسین بسیاری از جوانان غربی قرار گرفت. پس از مرگش در سال ۱۹۷۷، دنگ شیائوپینگ بازگشت سیاسی داشت. مجله تایم، دنگ را در سال ۱۹۷۸ به عنوان «مرد سال» معرفی کرد. او در سال ۱۹۸۵ بار دیگر این عنوان را به دست آورد. رویکرد عملگرایانه دنگ در شعار معروف او «مهم نیست گربه سفید باشد یا سیاه، تا زمانی که موش می‌گیرد» برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی به اوج خود رسید. سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چین افزایش یافت. دولت چین به طور مستمر در حال سرمایه‌گذاری در «برندسازی» است که تصویری مثبت از خود ارائه دهد. در دهه ۹۰ با میزبانی کنفرانس بین‌المللی زنان سازمان ملل متحد در چین، دیده شدن خود را افزایش داد. علاوه بر این، بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ و نمایشگاه جهانی در سال ۲۰۱۰ که توسط چین برگزار شد، برای نمایش دستاوردها و توانایی‌های این کشور مورد استفاده قرار گرفت.

رسانه‌های چینی در آفریقا وظیفه ایجاد و شکل‌دادن به افکار عمومی در مورد چین را دارند تا آن را به عنوان یک دوست قدیمی پویا معرفی کنند که در تلاش برای تحقق رویای آفریقایی است. در سال ۲۰۱۲ چین شبکه CCTV آفریقا را راه‌اندازی کرد که اخیراً به عنوان بخشی از تغییر نام تجاری جهانی در عملیات بین‌المللی به CGTN آفریقا تغییر نام داده است. در طی پنج سال، بیش از ۳۰۰۰ ساعت محتوای تلویزیونی اختصاصی در مورد آفریقا تولید کرده است؛ در حالی که قراردادهای بازپخش با چندین ایستگاه تلویزیونی ملی در این قاره

را محفوظ دارد. در سال‌های اخیر رسانه‌های چینی دیگری وارد آفریقا شده‌اند و به آن پیوسته‌اند. شرکت رسانه‌ای چینی Star Times Media در ۱۴ کشور از جمله کنیا، اوگاندا، تانزانیا و آفریقای جنوبی حضور دارد و تا پایان سال ۲۰۱۷ در ۲۰ کشور برنامه ریزی شده است که حضور داشته باشد (شین هوا ۲۰۱۷). شین هوا، خبرگزاری رسمی چین است که برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را از طریق CCTV آفریقا پخش می‌کند. روزنامه CHAINA DAILY یک نسخه آفریقایی دارد که در نایروبی - پایتخت کنیا - منتشر می‌شود. همه این رسانه‌ها متعلق به دولت هستند و توسط بخش تبلیغات (اداره پروپاگاندا) حزب مرکزی کمونیست کنترل می‌شوند.

نتیجه

تصویر قدرت نرم چین در آفریقا تحت تسلط تجارت و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هاست. کمک‌های چین با تیم‌های پزشکی ابزار تبلیغاتی عالی برای عموم مردم در آفریقا هستند. هدایای «ساختمانی» مانند ساختمان‌های پارلمان، مراکز کنفرانس و استادیوم‌های فوتبال، با استقبال خوب دولت‌های آفریقایی مواجه می‌شوند؛ هرچند که توسط سازمان‌های غیردولتی مورد انتقاد قرار می‌گیرند. دیپلماسی و رسانه‌های چین به‌طور جدی با اهداف سیاسی و منافع اقتصادی دولت گره خورده‌اند. دیپلماسی این کشور به‌طور قانع‌کننده‌ای برای ایجاد اعتماد و شکل‌گیری همکاری با تصمیم‌گیرندگان و تأثیرگذاران آفریقا مورد استفاده قرار گرفته است. جلسات FOCAC به‌عنوان ویتروینی برای همکاری چین و آفریقا عمل می‌کند که شامل برنامه‌های سخنرانی، مراسم افتتاحیه، و نمایشگر تعهد پروژه‌های چین است. رسانه‌های چینی بر داستان‌های موفقیت‌آمیز همکاری چین و آفریقا تمرکز دارند و فرهنگ چینی را به تصویر می‌کشند. با این حال، بسیاری از این فعالیت‌ها مورد توجه مردم نیست. درحقیقت، در میان مردم عادی آفریقا، اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها با چینی‌ها برخورد بسیار کمی داشته‌اند. آن‌ها هرگز

در مورد «دنیای هماهنگ» چیزی نشنیده‌اند و بسیاری احساس می‌کنند که در نهایت، رابطه «برد-برد» یک طرفه خواهد بود. جایزه کنفوسیوس یک جایگزین چینی برای جایزه صلح نوبل است. این جایزه پس از آن که کمیته نروژی نوبل با دادن جایزه صلح سالانه خود به لیو شیائوبو، که به دلیل همکاری در نوشتن یک مانیفست حامی دموکراسی به نام منشور ۰۸، چین را خشمگین کرد، ایجاد شد.

زیمبابوه نمونه‌ای از یک کشور آفریقایی است که بدون هیچ گونه محدودیتی از حمایت اقتصادی و سیاسی چین برخوردار است. این کشور در استراتژی گسترده‌تر چین به‌منظور گسترش نفوذ خود در آفریقا نقش مهمی دارد. با وجود این که زیمبابوه توسط کشورهای غربی به دلیل خشونت سیاسی و نقض حقوق بشر محکوم شده است؛ چین با محدودیت‌های اعمال شده توسط قدرت‌های غربی مخالفت می‌کند. استراتژی نژادی رابرت موگابه برای توزیع مجدد زمین شکست خورد و اقتصاد زیمبابوه دچار سقوط شد. بازتوزیع بنیادی زمین به هزینه شهرک نشینان سفیدپوست به دلیل به نظارت ناکافی در اجرا بی‌نظم بود. روند اصلاحات ارضی زیمبابوه زمانی آغاز شد که پیچیدگی‌های رقابت سیاسی، مبارزه برای حفظ قدرت در حال افزایش بود.

حمایت چین از زیمبابوه، با توجه به اقتصاد بحران زده در دوران انزوای آن از جامعه بین‌المللی، حیاتی بوده است. در نتیجه، چین به «دوست در همه فصل‌ها» برای زیمبابوه تبدیل شد. این موضوع را پوستره‌های بزرگ خوشامدگویی از رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ و هیئت‌همراه را در هنگام ورود به حراره در راه FOCAC 2015 در آفریقای جنوبی به خوبی نشان می‌داد. نقطه اوج بیش از سه دهه همکاری مداوم چین با زیمبابوه، پذیرش یوان در سال ۲۰۱۵ بود (رامانی ۲۰۱۶). یک نظرسنجی جدید در آفریقای جنوبی، نیجریه و کنیا انجام شده که در آن ۳۳۳۰ پاسخ را از ۲۹ مارس تا ۹ ژوئیه ۲۰۱۶ جمع‌آوری کرده است و نگرانی بسیاری

از کشورهای آفریقایی را برجسته می‌کند. همچنین تأثیر دموکراسی را بر مشارکت، حتی در این نوع پرسشنامه، که در چین امکان پذیر نیست، آشکار می‌سازد. هنگامی که از شهروندان آفریقایی جنوبی، نیجریه و کنیا سوال شد که بهترین نمونه یک کشور توسعه یافته از نظر اقتصادی کدام است، آنها تمایل داشتند که به ایالات متحده و چین اشاره کنند. در کنیا، ۳۶٪ گفتند که ایالات متحده آمریکا بهترین نمونه است، در حالی که ۱۵٪ این نظر را در مورد چین داشتند. نظر مردم آفریقایی جنوبی بین دو کشور تقسیم شده است (۲۷٪ ایالات متحده، ۲۲٪ چین)، و نیجریه (۲۵٪ ایالت متحده و ۲۸٪ چین).

در پاسخ به این سوال که چه چیزی ایالات متحده یا چین را به مدل پیشرو برای توسعه تبدیل کرده است، بسیاری از پاسخ دهندگان به فرصت‌های اقتصادی و رشد در دو کشور اشاره داشتند. با این حال، فراتر از این بیان‌ها، مردم برای آنچه که ایالات متحده آمریکا یا چین را بهترین نمونه می‌سازد، دلایل مختلفی ارائه کرده‌اند. کسانی که ایالات متحده را نام بردند، تمایل داشتند بر حاکمیت ایالات متحده تمرکز کنند و از رهبری واقعی و سطح پایین فساد و همچنین آموزش به عنوان دلایل موفقیت اقتصادی ایالات متحده نام ببرند. کسانی که چین را بهترین نمونه یک کشور توسعه یافته از نظر اقتصادی می‌دانستند، این موفقیت را به فناوری چینی، تولید، صادرات و اخلاق کاری آن نسبت می‌دادند.

با وجود نگرانی‌های گسترده در مورد فساد سیاسی، اکثریت در هر سه کشور گفتند که شهروندان عادی می‌توانند با تلاش خود بر دولت خود تأثیر بگذارند. این باور رایج میان مردم کنیا، نیجریه و آفریقایی جنوبی که آن‌ها می‌توانند بر سیاستمداران خود تأثیر بگذارند، در گزارش سطح مشارکت عمومی در فعالیتهای سیاسی منعکس شده است. اکثریت قاطع گفتند که در سال گذشته یا گذشته‌های دورتر رای داده‌اند. یکی دیگر از اشکال فعالیت‌های سیاسی سنتی، حضور در یک رویداد سیاسی انتخاباتی است که حتی در این سه کشور بیشتر از ایالات

متحده بود. در نهایت، در حالی که فقدان دسترسی به اینترنت ممکن است تا حدودی تعداد افرادی را که به صورت آنلاین مشارکت سیاسی دارند را محدود کند باین حال بسیاری در این سه کشور از این طریق فعال بودند.

یافته‌های دیگر به شرح زیر است: بعد از سالی که شامل بسیاری از تظاهرات بزرگ دانشگاه‌ها در مورد شهریه بود، آموزش یک مسئله مهم برای عموم مردم آفریقای جنوبی تبدیل شد. درصد کسانی که مدارس با کیفیت پایین را به عنوان یک مشکل بزرگ نامیده اند از سال ۲۰۱۵ تاکنون ۱۳ درصد افزایش یافته است. و امروزه، ۳۶ درصد از مردم این کشور آن را به عنوان اولویت اصلی کشور خود معرفی کرده‌اند. وقتی از نیجریه‌ای‌ها در مورد اولویت‌های اصلی کشورشان پرسیده شد، تامین غذا و کمبود انرژی در صدر پاسخ‌ها بود. در سراسر سال ۲۰۱۶ کمبود مواد غذایی در شمال نیجریه و کمبود سوخت در سراسر کشور وجود داشت. نگرانی در مورد فساد دولتی به ویژه در کنیا گسترده است. همچنین مردم بیشتر از همه مایل بودند که ارتباطی بین حکمرانی و موفقیت اقتصادی ببینند. حداقل دو برابر کنیایی‌ها نسبت به نیجریه‌ای‌ها یا آفریقایی‌های جنوبی گفته‌اند که چرا رهبری خوب و سطوح پایین به یک کشور از لحاظ توسعه اقتصادی کمک می‌کند. پس از ۲۰۱۷، چین قدرت نرم خود را به منظور به دست آوردن جایگاهی در آفریقا تقویت کرده است. همانطور که قبلاً بحث شد؛ چین آفریقا را با دیپلماسی، فعالیت‌های اقتصادی، کمک‌های مالی و فرهنگ درگیر کرده است. چین به کشورهای آفریقایی کمک کرده است تا رشد خود را تسریع کنند. سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت با چین اقتصاد آفریقا را تقویت کرده است. مؤسسات کنفوسیوس در سراسر آفریقا به آموزش ماندارین و ترویج فرهنگ چینی می‌پردازند.

پس به طور کلی، قدرت نرم چین تا چه حد برای آفریقایی‌ها جذاب است؟ مهم‌ترین عاملی که در ایجاد تصویر مثبت از چین در آفریقا نقش دارد فعالیت‌های اقتصادی در سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و هزینه کالاهای مصرفی

مقرون به صرفه است؛ اگرچه کیفیت آن‌ها بسیار پایین است. سیاست و ملاحظات اجتماعی بر تصویر چین تأثیر می‌گذارند. چین و سیستم سیاسی آن در میان مردم به خوبی درک نمی‌شود. همین‌طور فرهنگ و زبان آن، به جز دانشجویان دانشگاه‌های کنفوسیوس!

تحلیل جذابیت قدرت نرم چین بر اساس سه عامل است: فرهنگ کشور، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی آن (Nye 2004). در این راستا، قدرت نرم چین چالش‌های زیادی برای غلبه بر آن دارد. فرهنگ چینی و ارزش‌های آن از جمله سلسله مراتب اجتماعی، تسلیم فرد در برابر نقش‌های اجتماعی، برابری جنسیتی و تعقیب فسا در چین امروزی کاملاً ملموس است. با این حال، دولت چین از طریق مؤسسات کنفوسیوس از فرهنگ چینی و آیین کنفوسیوس حمایت می‌کند و بر ارزش‌های هماهنگی اجتماعی و اطاعت از قدرت تأکید دارد. هم‌چنین تفسیر خود از ارزش‌های کنفوسیوسی را در کتاب‌های درسی مدارس و تبلیغات دولتی اشاعه می‌دهد. فرهنگ چینی که در مؤسسه‌های کنفوسیوس به نمایش گذاشته شده است به دلیل راهنمایی‌های سیاسی دولت، به طور ضعیفی منتقل می‌شود. نمایشگاه‌ها، رویدادهای فرهنگی و سمینارهای «آکادمیک» تا زمانی که نتوانند گفت‌وگو یا یک ارتباط دوطرفه واقعی برای تبادل ایده‌ها و دانش بین مردم را ترویج کنند، کاملاً بی‌فایده هستند. علیرغم تلاش‌های چین برای ترویج فرهنگ و زبان چینی در آفریقا، واقعیت این است که فرهنگ سنتی چینی با تاریخ ایده‌آل‌سازی شده و زمینه‌های اخلاقی آن زمانی که توسط دولت تبلیغ می‌شود، تعداد کمی از آفریقایی‌ها را به خود جذب می‌کند. تفکر چینی با منطق آفریقایی همخوانی ندارد. فرهنگ چینی و ارزش‌های آن بر میراث فرهنگی غنی آفریقا غلبه یا حتی با آن رقابت نمیتواند کند. علاوه بر این، ارزش‌های سیاسی چین با ارزش‌های جهانی دموکراسی و حقوق بشر که توسط آفریقایی‌ها مورد تأیید قرار گرفته‌اند نیز توان رقابت ندارد. اگرچه چین به عنوان سفیر فرهنگی در آفریقا در

زمینه قدرت نرم فرهنگی سرمایه‌گذاری کرده است، اما از نظر قدرت نرم فرهنگی با آمریکا یا اروپا فاصله زیادی دارد. صادرات فرهنگی دولتی چین، ضعف آن را در جذب مخاطبان جهانی آشکار می‌کند. چین می‌خواهد مورد استقبال قرار گیرد، اما استقبال کمتری از آنچه باید انجام شده است. چین در قلمرو قدرت نرم که شامل ایده‌ها، فردگرایی و ارتباطاتی است که برای آفریقایی‌ها جذاب باشد، مزیت نسبی ندارد. قدرت نرم چین فاقد ارزش‌های جهانی است، در حالی که سیاست خارجی آن با چشم‌انداز حزب کمونیست چین (CPC) درک می‌شود. و بدون شک، این در فهرست مواردی که آفریقایی‌ها از چین به ارث می‌برند، حداقل در میان افرادی که با آن‌ها صحبت کرده‌ام، نیست. گنجاندن قدرت نرم در استراتژی دولت دشوار است زیرا ابزارهای قدرت نرم هرگز به طور کامل تحت کنترل دولت نیستند. بنابراین اغلب زمان زیادی طول می‌کشد تا نتایج حاصل شود و نتایج نیز ممکن است انتظارات همه را برآورده نکند. بهترین تبلیغات، عدم تبلیغات است. وقتی دولت‌ها به عنوان فریب‌کار تلقی می‌شوند و ارتباطات به عنوان تبلیغات دیده می‌شوند، اعتبار کسانی که قدرت نرم را در دست دارند، از بین می‌رود. (نای ۲۰۱۱، صفحه ۲۰۱۱).

نتیجه نشان می‌دهد که علی‌رغم انتشار فرهنگ و داستان‌های موفقیت آمیز روابط چین و آفریقا که توسط رسانه‌های چینی منتشر شده است، قدرت نرم چین، به غیر از فعالیت‌های اقتصادی، در آفریقا چندان مورد استقبال قرار نگرفته است. حداقل نه به میزانی که دولت چین امیدوار بود. به این دلیل است که چین در تلاش بوده تا منابع اصلی قدرت نرم خود را جذاب کند. چین باید برای تولید همدردی، اعتماد و اعتبار، ایجاد تحسین و احترام و چیزی برای تقلید تلاش کند، و در نتیجه دیگران را تحت تأثیر قرار دهد تا نتایج مطلوبی کسب کنند. چین در آفریقا از طریق قدرت نرمش درک می‌شود: آمیختگی چشمگیری از دیپلماسی، کمک، تجارت و سرمایه‌گذاری، و فرهنگ. به طور خلاصه، اگرچه چین در

تثبیت حضور خود در آفریقا موفق بوده است، اما هنوز نتوانسته است قلب و ذهن آفریقایی‌ها را به دست آورد. علی‌رغم تلاش چین برای تثبیت خود به عنوان یک ابرقدرت نرم، هنوز از رقبای غربی خود بسیار عقب است. مهمترین دلیل آن نیز شکاف بین اینکه چین چگونه می‌خواهد دیده شود و چگونه دیده می‌شود.

منابع

- Campbell, D. (1922). *In the Heart of Bantuland: A Record of Twenty-Nine Years in Central Africa Among the Bantu Peoples*. London: Seely Service and Co.
- Chan, J. (2015). *Confucian Perfectionism: A Political Philosophy for Modern Times*. Princeton: Princeton University Press.
- Gawanas, B. (2009). *The African Union: Concepts and Implementation Mechanisms Relating to Human Rights* (pp. 135–163). <http://www.kas.de/namibia/en/publications/16347/>
- Gyeke, K. (2011). African Ethics. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2011 Edition), Edward N. Zalta (ed.). <https://plato.stanford.edu/archives/fall2011/entries/african-ethics>
- Jain, M. B. (2017). *Diplomacy in South-Asia: Myth or Reality?* London: LexingtonBooks.
- Lahtinen, A. (2015, August). China's Soft Power: Challenges of Confucianism and Confucius Institutes. *Journal of Comparative Asian Development*, 14(2), 200–225.
- Lai Hongyi, & Yiyi Lu. (Ed.). (2012). *China's Soft Power and International Relations*. Oxon: Routledge.
- Madrid-Morales, D. (2017). *Chinese Media Are Betting on Africa, but Is Anybody Really Watching?* Retrieved from <https://cpianalysis.org/2017/05/05/chinese-media-are-betting-on-africa-but-is-anybody-really-watching/>
- Mbude-Shale, N. (2015, November 11). *South Africa: Teaching Mandarin in Schools Is Another Slap in the Face for African Languages*. Retrieved from <http://theconversation.com/teaching-mandarin-in-schools-is-another-slap-in-the-face-for-african-languages-48505>

- Metz, T. (2012). African Conceptions of Human Dignity: Vitality and Community as the Ground of Human Rights. *Human Rights Review*, 13(1), 19–37.
- Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: PublicAffairs.
- Nye, J. S. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affairs. Pew Research Center. (2016, November 14). In Key African Nations, Widespread Discontent with Economy, Corruption but Most Are Optimistic About Future in South Africa, Nigeria, Kenya by Richard Wike, Katie Simmons, Margaret Vice and Caldwell Bishop. Retrieved from <http://www.pewglobal.org/2016/11/14/south-africans-worried-about-crime-and-corruption-prioritize-education/>
- Phillips, T. (2015, October 22). Zimbabwe's Robert Mugabe Awarded "China's Nobel Peace Prize." *The Guardian*. Retrieved from <http://www.theguardian.com/world/2015/oct/22/zimbabwes-robert-mugabe-awarded-chinas-nobelpeace-prize>
- Ramani, S. (2016, January 11). Zimbabwe: China's 'All-Weather' Friend in Africa. Samuel Ramani. *The Diplomat*. Retrieved from <http://thediplomat.com/2016/01/zimbabwe-chinas-all-weather-friend-in-africa/>
- Snow, E. (1937). *Red Star Over China*. New York: Collanz. The Languages of South Africa. (2017). Retrieved from <http://www.southafrica.info/about/people/language.htm>
- World Atlas. (2011). *Encyclopedia Britannica*. London: Dorling Kindersley Limited. Xi Jinping Uses the Classics. (2014, May 29). *The People's Daily*. Retrieved from <http://cpc.people.com.cn/n/2014/0529/c164113-25080175.html>
- Xinhua. (2017). *African News*. Chinese Media Firm to Expand Presence in Africa. Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/2017-03/21/c_136143657.htm

فصل پنجم : روابط رو به گسترش

خلاصه

رکود چین بیش از سایر شرکای جهانی به آفریقا ضربه زده است. تقاضای چین برای کالاها و مواد خام آفریقا کاهش یافته و وابستگی آفریقا به چین بیش از قبل آشکار شده است. تنوع و صنعتی شدن در دستور کار سیاست اقتصادی آفریقا بازگشته است. یکی از اهداف بلندپروازانه چین ، پیوند دادن جهان از طریق تجارت و سرمایه گذاری به وسیله ابتکار راه ابریشم جدید است. آفریقا در حال تبدیل شدن به یکی از مقاصد آن است. چین در آفریقا نه تنها به دنبال تجارت و سرمایه گذاری است، بلکه به دنبال افزایش حضور نظامی است. نفوذ چین در قاره آفریقا به منظور دستیابی به پایگاه‌ها و بنادر برای کنترل دریا از طریق فعالیت‌های دریایی در حال افزایش است.

کلیدواژگان: واقعیت جدید، مشارکت های نوظهور، ژئوپلیتیک

رکود اقتصادی چین بر بازارهای سراسر جهان تأثیر گذاشته اما آفریقا را بیش از سایر شرکای جهانی تحت تأثیر قرار داده است. تقاضای چین برای کالاهای آفریقایی و مواد خام کاهش یافته است. قیمت محصولات مهم صادراتی هم چون نفت، مس و آلومینیوم نسبت به اوج خود حدوداً به نصف کاهش یافته و قیمت سنگ آهن حتی بیشتر از این کاهش یافته است. علاوه بر این دشواری‌ها کاهش ارزش ارزهای آفریقایی، بازپرداخت وام‌های گرفته شده برای زیرساخت‌ها را دشوارتر کرده است. اکنون رونق به پایان رسیده است. دنیس دایکز، اقتصاددان آفریقای جنوبی می‌گوید: «این مثل این است که ما یک مهمانی بزرگ داشته‌ایم و عواقب آن بیشتر از آنچه که پیش‌بینی کرده بودیم ادامه می‌یابد.» (Findley, 2015) رابرت روتبرگ، کارشناس ارشد مرکز حکومت‌داری بین‌المللی در پست وبلاگ خود نوشت: «اگر چین برود، آفریقا هم می‌رود.»

طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۶) فعالیت اقتصادی در آفریقای جنوبی به طور قابل توجهی تضعیف شده است. رشد کل منطقه در سال ۲۰۱۵ به ۳.۵ درصد کاهش یافت و این پایین‌ترین سطح در ۱۵ سال گذشته بود و قرار بود در سال ۲۰۱۶ به ۳ درصد کاهش یابد. رشد بسیار کمتر از محدوده ۵ الی ۷ درصد که در دهه گذشته تجربه شده است. کاهش شدید قیمت کالاها فشار شدیدی را بر بسیاری از اقتصادهای بزرگ بلوک SSA وارد کرده است. صادرکنندگان نفت، از جمله آنگولا و نیجریه همانند صادرکنندگان غیرانرژی مانند غنا، آفریقای جنوبی و زامبیا با شرایط سخت اقتصادی مواجه هستند. در همین حال که گینه، لیبیا و سیرالئون به تدریج از بیماری همه‌گیر ابولا رهایی می‌یابند؛ چندین کشور جنوب و شرق آفریقا از جمله اتیوپی، مالاوی و زیمبابوه از خشکسالی شدید رنج می‌برند. با این حال، بسیاری از کشورهای دیگر مانند ساحل عاج، کنیا و سنگال به رشد سالانه ۰.۵٪ و حتی بیشتر ادامه می‌دهند. بانک جهانی (۲۰۱۷) کاهش شدید سرعت سرمایه‌گذاری SSA را از نزدیک ۸٪ در

سال ۲۰۱۴ به ۰.۶٪ در سال ۲۰۱۵ گزارش کرد. این بدترین وضعیت در بیش از دو دهه گذشته است که بسیار کمتر از میانگین سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۸ با رشد متوسط حدود ۶ درصد و رشد سریع ۱۱.۶ درصد در طول سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۸ بود. واردات چین از آفریقا ۲۰ درصد کاهش یافت. این سقوط به ویژه در بنین، بورکینافاسو، جمهوری کنگو، گینه استوایی، گینه بیسائو، موزامبیک، نیجریه، رواندا، سیرالئون، آفریقای جنوبی، سودان و سوازیلند احساس شد که بیش از ۷۵ درصد واردات چین از آفریقا را تامین می‌کنند. با این حال، کشورهایی مانند جمهوری کنگو، آنگولا و موریتانی بیشترین خطر را داشتند که تنها با یک کالای صادراتی به چین وابسته بودند. آنها بیش از ۴۵ درصد از صادرات خود را به چین داشتند. نیجریه، بزرگترین اقتصاد و تولیدکننده نفت آفریقا، از سقوط قیمت نفت متزلزل شد. در عین حال، باید با بوکوحرام، گروه افراطی اسلام‌گرایی مبارزه می‌کرد که مدت‌هاست قاره را به وحشت انداخته است. بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۱۵)، رکود اقتصادی چین یک خطر بزرگ برای چشم انداز اقتصادی آفریقا است.

کاهش سرعت اقتصاد چین و بهبود آهسته اقتصادهای پیشرفته همچنان بر رشد اقتصادی آفریقا تأثیر می‌گذارد و آن را به ۲.۲ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش داد. خشکسالی در بخش‌هایی از شرق و جنوب آفریقا، افزایش سطح ناامنی در شاخ آفریقا، ساحل و در حوضه دریاچه چاد در تضعیف بیشتر عملکردی اقتصادی موثر بود. کاهش قیمت‌های کالاهای اولیه همچنان ادامه دارد و رشد اقتصادی جهانی هنوز ضعیف است. در بین کشورهای دارای منابع و کشورهای غیر غنی، تفاوت‌هایی وجود دارد، اما به طور کلی، روند رشد منطقه کمتر از سطح قبل بحران مالی است. با این وجود، آفریقا همچنان شامل شش اقتصاد با سریع‌ترین رشد در جهان است که نرخ رشد اقتصادی همه آنها بالاتر از ۶.۵٪ است. این کشورها عبارت‌اند از اتیوپی (۱۰٪)، جمهوری دموکراتیک کنگو (۷.۷٪)، تانزانیا

(۷٪)، ساحل عاج (۸.۶٪)، رواندا (۶.۹٪) و کنیا (۶٪). به جز جمهوری دموکراتیک کنگو و ساحل عاج، همه آنهایی که نرخ رشد اقتصادی درخشانی دارند در شرق آفریقا منطقه متحدی را تشکیل داده‌اند.

تغییر چشم انداز

سقوط چین از مسیر رشد معجزه آسا باعث شده است تا اقتصاد خود را بازسازی کند و از اقتصاد مبتنی بر تولید به سوی یک اقتصاد مبتنی بر خدمات فاصله بگیرد. رشد آهسته و اصلاح اقتصادی چین، به طور اجتناب ناپذیری بر اقتصاد آفریقا تأثیر می‌گذارد. تجارت و سرمایه‌گذاری چین رشد را در آفریقا تسریع کرده است، اما فعالیت‌های اقتصادی چین نیز تأثیر نامطلوبی بر آفریقا داشته است. سطح مشارکت چین شمشیر دولبه‌ای برای آفریقا است. در طول این سال‌ها توسعه صنعتی این قاره ضعیف بوده است. بسیاری از کشورهای آفریقایی عمدتاً از تنوع بخشیدن به اقتصاد خود غفلت ورزیده‌اند زیرا واردات کالاهای ارزان قیمت چینی آسان‌تر از توسعه صنایع خود بود. آفریقا شاهد رشد کسب‌وکارهای کوچک چینی بوده است که در فروشگاه‌های مواد غذایی، خرده‌فروشی‌ها و منسوجات سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تخمین زده شده است که آفریقای جنوبی ممکن است ۷۵۰۰۰ شغل را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ به خاطر کارمندان چینی که از چین به آفریقا آمده‌اند از دست داده باشد.

واقعیت جدیدی نمایان شده است. آفریقا با نیاز به تنوع بخشیدن به اقتصاد، کاهش وابستگی به کالاها و صنعتی شدن مواجه است. رکود اقتصادی ریسک تجارت کالا را آشکار کرد و به دلایل خوبی کشورهای آفریقایی نگران هستند. با این حال، آفریقا به قاره گم‌شده بازمی‌گردد. بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۱۷) بازگشت ضعیفی برای کشورهای SSA برای سال ۲۰۱۷ پیش‌بینی می‌شود و رشد در سال ۲۰۱۸ با کمک بهبود قیمت کالاها و شرایط داخلی به تقویت خود ادامه خواهد داد.

دولت های آفریقایی نیاز به ایجاد شغل و توسعه دارند. این قاره نیاز به صنعتی شدن دارد تا برای جمعیت جوان و در حال رشد خود شغل ایجاد کند. این کشور به سرمایه گذاری در زیرساخت ها جهت «روشن» کردن آفریقا - ارائه خدمات انرژی مقرون به صرفه، پاک و قابل اعتماد - و ساخت جاده هایی برای حمایت از تجارت نیاز دارد. شناسایی و بهره برداری از پتانسیل های کشاورزی، حمل و نقل، مخابرات، آموزش و گردشگری با چالش روبرو است در حالی که فرصت های عظیمی را برای توسعه بخش تولید و به طور فزاینده ای بخش خدمات ایجاد می کنند.

شهرنشینی و صنعتی شدن

شهرنشینی و صنعتی شدن در کنار هم هستند. آفریقا به سرعت در حال شهرنشینی شدن است و شهروندان آن به شغل و خدمات نیاز دارند. جمعیت شهرنشین فعلی آن ۴۷۲ میلیون نفر است. این میزان در ۲۵ سال آینده دو برابر خواهد شد؛ زیرا مهاجران بیشتری از روستاها به شهرها می آیند و تا سال ۲۰۴۰ به یک میلیارد نفر خواهد رسید. بزرگ ترین شهرها سالانه ۴ درصد رشد می کنند. بنابراین مناطق شهری آفریقا نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورهای خود دارند. گزارش بانک جهانی (۲۰۱۷) نشان داد که شهرهای آفریقا تحت محدودیت های زیادی در حال رشد هستند. به طور معمول آنها سه ویژگی مشترک دارند که توسعه شهری را محدود و چالش های روزانه برای ساکنان ایجاد می کنند. آنها شلوغ، منقطع و گران هستند. شهرهای آفریقا مملو از فعالیت های اقتصادی، زیرساخت ها، مسکن و ساختمان های تجاری نیستند. بدون مسکن رسمی مناسب در دسترس برای شاغلین و بدون سیستم حمل و نقل برای جابجایی افراد دورتر، آفریقایی ها مجبورند در محله های تنگ و نزدیک محل کار خود زندگی کنند. شهرهای آفریقا تکه تکه شده اند. در هراره، زیمبابوه، مپوتو و موزامبیک بیش از ۳۰ درصد زمین در ۵ کیلومتری منطقه تجاری مرکزی

توسعه نیافته باقی مانده است. رفت و آمد شهری چالش برانگیز است، بنابراین پیاده‌روی روش اصلی برای حرکت از مکانی به مکان دیگر است. شهرهای آفریقا فاقد زیرساخت‌های حمل و نقل هستند و بسیاری از ساکنان آن نمی‌توانند با ماشین یا مینی بوس جابجا شوند. زیرساخت‌ها، سازه‌های صنعتی، تجاری و مسکن ارزان قیمت نتوانسته است با تمرکز مردم منطبق شود. بهبود شرایط در شهرهای آفریقا کلید ایجاد شغل و در نتیجه تسریع رشد اقتصادی است. مسکن و حمل و نقل مقرون به صرفه برای توسعه سوخت ضروری است.

ترویج صنعتی شدن در دستور کار سیاست اقتصادی آفریقا بازگشته است. صنعتی شدن در آفریقای قرن بیست و یکم مستلزم راهبردهای نوآورانه‌تر از تولید برای همه بخش‌های اقتصادی است که پتانسیل رشد و اشتغال دارند. در اجلاس FOCAC سال ۲۰۱۵، شی جین پینگ ده برنامه اصلی برای تقویت همکاری با آفریقا طی سه سال آینده را اعلام کرد. چین در راستای ارتقای صنعتی سازی، متعهد شده است که از توسعه این قاره با در نظر گرفتن آفریقا به عنوان «شریک» در همکاری ظرفیت تولید بین‌المللی حمایت کند. بنابراین چین مشتاق است تا سبد سرمایه‌گذاری خود در آفریقا را متنوع کند. این رابطه برای دسترسی چین به منابع و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و همچنین برای افزایش ظرفیت تولید آفریقا اهمیت دارد.

تولید

آفریقا در حال تبدیل شدن به یک پایگاه تولیدی برای چین است. اتیوپی، یکی از فقیرترین کشورهای جهان با جمعیت ۹۹.۴ میلیون نفر، به یکی از این پایگاه‌ها تبدیل شده است. در ده سال گذشته، رشد اتیوپی چشمگیر بوده است. (بانک جهانی ۲۰۱۶) ظاهراً چین به دلیل هزینه‌های کم و نیروی کار ارزان موجود وارد اتیوپی شده است. میانگین هزینه ماهانه تولید در آنجا حدود ۸۰ تا ۱۰۰ دلار است، در حالی که در مناطق ساحلی چین ۶۰۰ دلار است. برنامه این است که در دو

دهه آینده اتیوپی به بزرگترین تولید کننده آفریقا در طول سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۳۰ تبدیل شود و شرکت‌های خودروسازی چینی نقش اصلی را در رسیدن به این هدف ایفا می‌کنند. صنعت کوچک خودروسازی اتیوپی سالانه حدود ۸۰۰۰ خودرو تولید می‌کند. شرکت‌های اتیوپیایی و چینی با مشارکت یکدیگر کیت‌های خودرو را در مناطق صنعتی اطراف آدیس آبابا و شهر شمالی مکلّه مونتاژ می‌کنند و خودروهای حاصل از رقبای خود مانند خودروهای ژاپنی ارزان‌تر هستند (Maasho and Blair 2016).

زیرساخت‌هایی هم‌چون راه آهن، جاده و برق برای صنعتی شدن کشور ضروری است. چین خط آهنی را ساخته است که اتیوپی محصور در خشکی را به بندر جیبوتی برای حمل مواد خام و کالا متصل می‌کند. اتیوپی برای جبران کمبود برق در حال ساخت بزرگترین سد برق آبی بر روی رودخانه نیل است. چشم انداز ۲۰۲۵ دولت این است که کشور را به قطب تولید سبک در آفریقا با تمرکز بر منسوجات، چرم، فرآوری کشاورزی و داروسازی تبدیل کند. دولت توسعه شهرک‌های صنعتی را ترویج می‌دهد. پارک صنعتی هاواسا که توسط یک شرکت چینی طراحی و ساخته شده است، در ژوئیه ۲۰۱۶ افتتاح شد. این پارک شامل ۳۵ مرکز تولیدی با فناوری‌های جدید با انرژی سبز است (AfDB 2017، صفحه ۴۸).

کشاورزی

کشاورزی پتانسیل بالایی دارد. به طور متوسط ۱۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. با این حال، این نسبت کمتر از ۳٪ در بوتسوانا و آفریقای جنوبی تا بیش از ۵۰٪ در چاد متغیر است. بخش کشاورزی در دستور کار توسعه، اولویت بندی شده است؛ زیرا نقشی محوری در تقاضای غذا و اشتغال دارد و بیش از نیمی از کل نیروی کار در SSA را استخدام کرده است. (OECD-FAO 2016)

از اواسط دهه ۲۰۰۰ علاقه فزاینده‌ای به زمین و آب آفریقا وجود داشته است. SSA کانونی برای تملک زمین‌های بین‌المللی، به ویژه کشورهایمانند سودان، اتیوپی، ماداگاسکار، موزامبیک و تانزانیا است. بخش عمده‌ای از جمعیت روستایی این قاره برای امرار معاش و امنیت غذایی خود به زمین وابسته‌اند که موضوع تملک زمین در مقیاس بزرگ حساسیت زاست. چین به «غصب زمین» در آفریقا متهم شده است. برخی از شرکت‌های دولتی چین در بحث تملک زمین در آنجا شرکت داشته‌اند. ووهان کایدی، یک شرکت برق، در حال حاضر در حال مذاکره بر سر عطا امتیاز زمین در زامبیا برای کشت جاتروفا است. COFCO، شرکت دولتی بازرگانی غلات و دانه‌های روغنی است که در امتیاز عمده زمین برای کشت برنج و سویا در موزامبیک شرکت داشت، اگرچه در حال حاضر این معامله پیشرفتی نداشته است. تاکنون هیچ نمونه‌ای از خرید زمین بیش از ۵۰ هزار هکتار توسط چین در آفریقا وجود ندارد که قرارداد آن منعقد و پروژه اجرا شده باشد. «مزارع دوستی» چین در کشورهای مختلف آفریقایی به طور رسمی تحت مالکیت یک سازمان شبه دولتی چینی است، اما این مزارع عمدتاً در مقیاس متوسط، معمولاً کمتر از ۱۰۰۰ هکتار هستند (Cotula et al. 2009, p. 36). دولت میزبان از طریق یک نهاد ارتقای سرمایه‌گذاری در معامله زمین مشارکت دارد. به عنوان مثال در تانزانیا، مرکز سرمایه‌گذاری تانزانیا نقش مستقیمی در تسهیل دسترسی به زمین ایفا می‌کند. این مرکز کمک می‌کند تا تأیید رسمی سرمایه‌گذاری را از وزارتخانه کشاورزی (قابلیت کشاورزی)، وزارتخانه زمین و توسعه مسکن (ثبت زمین) و وزارت محیط زیست (ارزیابی تأثیرات زیست محیطی) دریافت کند. با این حال، عدم نظارت، تعادل و شفافیت در مذاکرات، زمینه را برای فساد معاملاتی ایجاد می‌کند که به نفع عموم نیست. سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های تولیدکنندگان و سازمان‌های جامعه‌محور به طور فعال نظرات خود را درباره برخی معاملات زمین پرمخاطب بیان کرده‌اند یا از آنها انتقاد کرده‌اند، مانند معاملات

مربوط به کشاورزی در کنیا و معاملات مربوط به سوخت‌های فسیلی و جنگل‌داری در اوگاندا (همان منبع، صفحه ۷۰). این سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی در مقیاس بزرگ، معیشت محلی را به خطر می‌اندازد و تولیدات آتی مردم محلی را به حاشیه می‌برد و در نتیجه سطح فقر را افزایش می‌دهد. همانطور که (Sköld 2017، صفحات ۳۱-۳۲) اشاره می‌کند، تمرکز بر کشاورزی مستلزم توجه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

استارت‌آپ‌ها و فناوری‌های جدید

تا همین اواخر، چین در زیرساخت‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های منابع طبیعی در مقیاس بزرگ در چند کشور بزرگ غنی از منابع طبیعی متمرکز بود. شرکت‌های دولتی چین حضور گسترده‌ای را در نیجریه، آفریقای جنوبی، سودان و زامبیا به دست آورده‌اند و راه را برای سایرین در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات هموار کرده‌اند. تولیدکنندگان بزرگ تلفن همراه چینی مانند TCL، Lenovo، Huawei Technologies و Xiaomi همگی آفریقا را هدف قرار داده‌اند. این صرفاً به این دلیل است که این قاره رشد قابل توجهی برای بازار تلفن‌های هوشمند خواهد داشت. انقلاب موبایل آفریقا از گسترش سریع دستگاه‌های تلفن همراه ناشی می‌شود. جنبش استارت‌آپی کنیا در حدود سال ۲۰۰۷ آغاز شد؛ زمانی که شرکت ارتباطات کنیایی Safaricom سرویس M-Pesa را راه‌اندازی کرد. این به افراد بدون حساب بانکی اجازه می‌دهد تا از طریق تلفن همراه واریز، برداشت، انتقال و پرداخت انجام دهند. در کشوری که کارگران در شهرها اغلب برای خانواده‌های خود در حومه شهر پول می‌فرستند، ایمنی و رهایی از رشوه و بوروکراسی که توسط M-Pesa ارائه شده به سرعت مشتریان را جذب کرد. شبکه نمایندگی M-Pesa شامل کیوسک‌ها، صاحبان مغازه‌های کوچک و سایر خرده‌فروشان است که در همه جای آفریقا، در شهرها و روستاهای کوچک نیز قابل مشاهده هستند.

به گفته نای، قدرت سخت و نرم به هم مرتبط هستند؛ زیرا هر دو جنبه‌ای از توانایی دستیابی به هدف از طریق تأثیرگذاری بر رفتار دیگران هستند. این امر در مورد تلفن‌های همراه و اینترنت نیز صدق می‌کند زیرا تغییر ماهیت قدرت رخ داده است. این موضوع به افراد ناتوان سنتی قدرت بخشیده است. امروزه اینترنت ابزاری پویا برای جستجوی اطلاعات است. همچنین به ابزار قدرت چه خوب و چه بد شده تبدیل است. خدماتی را به دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد ارائه می‌دهد؛ اما حملات سایبری را برای اهداف ایدئولوژیک یا جنایی نیز تسهیل می‌کند. این مسئله به دولت‌های مستبد کمک می‌کند تا مانند چین، کنترل خود را اعمال کنند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۱، مقامات دولتی مصر با تجمع هزاران معترض در میدان طاهر در قاهره، دسترسی به اینترنت و شبکه تلفن همراه را برای ۸۰ میلیون نفر قطع کردند.

اکنون، دولت‌های جنوب صحرای آفریقا به طور فزاینده‌ای از تاکتیک خاموشی و قطع دسترسی به اینترنت استفاده می‌کنند. در دسامبر ۲۰۱۶، در کشور گامبیا، رئیس‌جمهور وقت، یحیی جامه، در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری که سرانجام او را از قدرت برکنار نمود، خدمات اینترنت را قطع و تماس‌های تلفنی بین‌المللی را مسدود کرد. به همین ترتیب، در گابن اینترنت در طول انتخابات ریاست جمهوری مسدود شد. در جمهوری کنگو، شبکه‌های تلویزیونی به همین دلیل خاموش شدند. دولت اتیوپی پس از اعتراضات، برخی سایت‌های رسانه‌ای و خدمات اینترنتی را قطع کرد و در DRC در بحبوحه اعتراضات علیه تلاش‌های رئیس‌جمهور برای افزایش دوره ریاست جمهوری خود، سایت‌های رسانه‌های اجتماعی و پیامک‌ها را مسدود کرد. در زیمبابوه، قیمت‌های داده‌های تلفن همراه به منظور کاهش استفاده از رسانه‌های اجتماعی افزایش یافت. کامرون جدیدترین کشوری است که اینترنت را قطع کرده است تا ارتباطات آنلاین را محدود کند در حالی که یک سیستم فیلتر جدید نصب می‌کند. دولت آن در حال

خرید فناوری از شرکت‌های چینی است که به مقامات اجازه می‌دهد سایت‌های اینترنتی را فیلتر کنند به همان شیوه‌ای که دولت چین به مدت طولانی محتوای اینترنت را کنترل می‌کند. (Searc Essomba 2017)

مشارکت‌های نوظهور

چین در آفریقا تنها نیست. بازیکنان سستی نیز به سرعت در حال رشد هستند. اتحادیه اروپا در حال حاضر در حال مذاکره برای یک سری توافقنامه‌های مشارکت اقتصادی با بسیاری از کشورهای آفریقایی است. (<http://www.consilium.europa.eu/en/policies/auafrica/>). این توافقنامه‌ها با هدف ایجاد یک مشارکت تجاری و توسعه مشترک با پشتوانه حمایت توسعه‌ای حاصل شده است. نشست اتحادیه اروپا و آفریقا در بروکسل در ۲ تا ۳ آوریل ۲۰۱۴ با حضور ۶۰ رهبر اتحادیه اروپا و آفریقا برگزار شد. این بزرگترین اجلاس سران اتحادیه اروپا بود و به معنای «تغییر اساسی» در همکاری بود. مجمع تجاری سالانه اتحادیه اروپا و آفریقا با ۵۰۰ شرکت کننده بخش خصوصی در آستانه این اجلاس برای تعمیق روابط تجاری و سرمایه گذاری بین دو قاره برگزار شد. در سخنرانی خود، صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل، گفت که مشکلات آفریقا می‌توانند توسط خود آفریقایی‌ها حل شوند.

طی چند دهه، دولت ژاپن از طریق آژانس همکاری‌های بین‌المللی، ژاپن به منابع آب، آموزش، بهداشت و توانمندسازی برای توسعه روستایی در آفریقا کمک مالی اختصاص داده است. ژاپن تا سال ۲۰۰۰ بزرگترین شریک آسیایی آفریقا بود و از این سال به بعد چین پیشتاز شد. در سال ۲۰۱۵، تجارت کل ژاپن با آفریقا ۲۴ میلیارد دلار بود که سهم کوچکی در مقابل تجارت ۱۷۹ میلیارد دلاری چین و آفریقا محسوب می‌شود. ژاپن اکنون به دنبال تقویت روابط قدیمی خود است. ششمین کنفرانس بین‌المللی توکیو در مورد توسعه آفریقا اوت ۲۰۱۶ برای اولین بار در آفریقا - نایروبی - برگزار شد. در این نشست، نخست

وزیر ژاپن، شینزو آبه، برای توسعه آفریقا در سه سال آینده ۳۰ میلیارد دلار تعهد کرد. ژاپن همچنین ۱۰ میلیارد دلار برای پروژه‌های زیرساختی اختصاص داده است که قرار است با همکاری بانک توسعه آفریقا اجرا شود. اکنون ژاپن می‌خواهد که آفریقا «ژاپن را به عنوان شریک واقعی خود انتخاب کند» زیرا آفریقا نیازمند است به «کمک‌های ژاپن و فرهنگ سازمانی شرکت‌های ژاپنی که ارزش منابع انسانی را ارزیابی می‌کنند و بر کارآمدی خلاقانه تأکید می‌کنند». (Financial Times 2016) یون (۲۰۱۶) به مزیت رقابتی ژاپن اشاره کرد. گفتنی است کیفیت محصولات و پروژه‌های ژاپنی از محصولات چینی برتر هستند و همچنین امکان به اشتراک گذاری تخصص و انتقال فناوری که نیاز دارد؛ وجود دارد. مورداس (۲۰۱۶) گزارش داد که چین به ژاپن گفته است که از قاره دوم خود - آفریقا - دور شود و آن را متهم به «کسب منافع خودخواهانه و ایجاد شکاف بین چین و کشورهای آفریقایی» نموده است.

هند همچنین برای تعمیق روابط به آفریقا نگاه دارد. از نظر تاریخی، هند در شرق آفریقا (به ویژه در کنیا، تانزانیا و اوگاندا) و آفریقای جنوبی (آفریقای جنوبی، موریس، ماداگاسکار و سیشل) حضور اولیه داشته است. از این رو جمعیت زیادی از آفریقایی‌های هندی‌تبار در این مناطق وجود دارد. مزیت رقابتی هند وجود آفریقایی‌های هندی الاصل است. آن‌ها کمک بزرگی به تقویت روابط اقتصادی و فرهنگی آفریقا و هند می‌کنند. بسیاری از آن‌ها مشغول کارآفرینی خصوصی هستند و دسترسی به بازارهای آفریقا را برای شرکت‌های هندی تسهیل می‌کنند. سرمایه‌گذاران هندی بیشتر بر فرصت‌هایی در غرب و شمال آفریقا که در آن جمعیت قابل توجهی با منشاء هندی وجود دارد، تمرکز دارند (سیسه ۲۰۱۵). اولین مجمع تجاری هند و آفریقا در سال ۲۰۱۰ برگزار شد. شرکت‌های هندی در آفریقا در زمینه‌های خودرو، مخابرات، امور مالی، داروسازی، ساخت و ساز و منابع فعال هستند. در سال ۲۰۱۴ مقدار سرمایه‌گذاری آن‌ها در آفریقا ۵۰ میلیارد دلار بود.

آفریقا در جاه طلبی‌های جهانی هند نقش دارد. از آنجایی که هند برای به دست آوردن کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل از حمایت چین برخوردار نیست، به آرای کشورهای آفریقایی نیاز دارد. همچنین بر همکاری با کشورهای آفریقایی در زمینه فناوری اطلاعات، کشاورزی و مهندسی متکی است. همانطور که ماودسلی و مک‌کان (۲۰۱۱) اشاره می‌کنند یکی از مزایای این مشارکت برای آفریقا این است که هند دارای ظرفیت تحقیق علمی است. همچنین تولید کننده داروهای ژنریک ارزان قیمت برای مبارزه با بیماری‌های قابل پیشگیری است. برای آفریقایی‌ها، این به معنای دسترسی به فناوری پیشرفته و دستاوردهای سیستم‌های بهداشت عمومی آفریقا است.

باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده در تابستان ۲۰۱۳ از آفریقا بازدید کرد. سپس اجلاس سران ایالات متحده و آفریقا در ۴ تا ۶ اوت ۲۰۱۴ در واشنگتن برگزار شد. بلومبرگ نوشت: «آمریکا به تجارت با آفریقا بازگشته است.» بیش از ده ها شرکت، از جمله شرکت جنرال الکتریک و شرکت بین المللی بی‌زینس ماشینز، در آفریقا سرمایه گذاری کردند که نشان از یک استراتژی برای مشارکت مداوم ایالات متحده و آفریقا است.

رشد و منابع

روایت «خیزش آفریقا» که توسط مجله تایم ابداع شده است، رشد چشمگیر اقتصادهای آفریقا را برجسته کرده است. مراکز خرید و هتل‌های جدید در نایروبی، کیپ تاون و بسیاری از شهرهای آفریقایی دیگر از شاخص‌های توسعه و افزایش طبقه متوسط هستند. در واقع، در بسیاری از کشورهای آفریقایی امید به زندگی افزایش، مرگ‌ومیر نوزادان کاهش یافته است و افراد بیشتری به آموزش دسترسی دارند. آفریقا نیاز به تغذیه جمعیت بیش از یک میلیاردی خود دارد که از این تعداد ۲۳۹ میلیون نفر از مردم SSA گرسنه و دچار سوء تغذیه هستند. این قاره برای غلبه بر فقر، خشونت و بحران انسانی با چالش‌های عظیمی روبرو

است. این کشور از درگیری‌های سیاسی شدید، فساد و خویشاوندگرایی، کودتا و جنگ داخلی رنج می‌برد. اگرچه بیش از دو سوم کشورهای آفریقایی دموکراتیک شده‌اند، بیش‌تر احزاب حاکم اقتدارگرا هستند و رهبران آن‌ها از دموکراسی از طریق اقدامات غیردموکراتیک محافظت می‌کنند.

رشد اقتصادی چین کند شده است، اما همچنان یکی از موتورهای اصلی رشد در جهان باقی مانده است. از سال ۱۹۹۹، آفریقا محل آزمایش استراتژی «جهانی شدن» و قدرت نرم چین بوده است. استفاده از ابزارهای قدرت نرم برای دسترسی به مواد خام، نفت و مواد معدنی آفریقا حیاتی است. چین نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از آفریقا به عنوان «شریک» داشته و کمک‌های زیادی به آن‌ها برای پرورش محرک‌های رشد اقتصادی کرده است. این کشور از توسعه صنعتی و پروژه‌های کشاورزی آفریقا حمایت و در عین حال ظرفیت صنعتی آن را در بسیاری از کشورهای آفریقایی تقویت می‌کند. هدف چین ارتقای جایگاه خود در زنجیره تامین جهانی است و در عمل این بدان معناست که بیشتر عملیات تولیدی خود را به آفریقا منتقل خواهد کرد. چالش و فرصت همکاری چین و آفریقا در حال حاضر به سوی بهبود بیشتر روابط به منظور پاسخگویی به نیازهای توسعه پایدار آفریقا است. مطمئناً شرکت‌های چینی برای سرمایه‌گذاری و تجارت در آفریقا می‌مانند. کسب‌وکارهای جدید با تکنولوژی بالا و برندهای تثبیت شده در حال حرکت به قاره سیاه از چین و جاهای دیگر هستند.

آفریقا یکی از آسیب‌پذیرترین قاره‌ها در برابر تغییرات آب و هوایی است. امنیت غذایی به دلیل خطرات ناشی از خشکسالی، سیل، مهاجرت و افزایش درگیری‌ها تضعیف شده است. مردم زمانی رنج می‌برند که محیط زیست آسیب ببیند. زنان، کودکان و سالمندان آسیب‌پذیرترین افراد هستند. توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست در آفریقا باهم هم‌گام است. انرژی تجدیدپذیر عنصری حیاتی برای روشنایی آفریقا است. چین و هند، هر دو از انرژی‌های تجدیدپذیر

حمایت می کنند بنابراین ممکن است فرصتی برای آفریقا به منظور استفاده از انرژی خورشیدی مقرون به صرفه وجود داشته باشد. رکود اقتصادی به دولت‌های آفریقایی انگیزه داده است تا اهداف اقتصادی و اجتماعی خود را مجدد ارزیابی و اقتصاد خود را متنوع کنند. به گفته بانک توسعه آفریقا، کلید اصلی بسیج منابع داخلی و پیشبرد برنامه اقدام آدیس آبابا و دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار است.

برای ایجاد رشد و بسیج منابع، دولت‌های آفریقایی به رهبری سیاسی دوراندیش نیاز دارند تا استراتژی‌هایی را توسعه دهند که نه تنها شرکت‌های بزرگ، بلکه شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های نوپا را نیز شامل شود؛ آنهایی را که اغلب نوآوری‌های جدید ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، آموزش رسمی، به علاوه آموزش‌های حرفه‌ای و مدیریتی، برای افزایش بهره‌وری و رشد شرکت‌های آفریقایی و رقابت در بازارهای بین‌المللی ضروری است. امروزه، بسیاری از شرکای تجاری آفریقا از بازیگران جهانی و دارای تنوع جغرافیایی هستند. همکاری‌های منطقه‌ای نیز در حال افزایش است. در نهایت، این موضوع به دولت‌های آفریقایی بستگی دارد که پتانسیل این قاره را برای رشد و توسعه باز کنند و انتخاب‌هایی را انجام دهند که به نفع آفریقا و آفریقایی‌ها باشد. ابتکار راه ابریشم جدید چین با هدف پیوند دادن جهان از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری است و آفریقا یکی از مقاصد اصلی آن است. آفریقا به چین نیاز دارد و چین به دلایل اقتصادی و سیاسی به آفریقا نیاز دارد.

ژئوپلیتیک و روابط رو به جلو

در عرصه روابط بین‌الملل، چین، همان‌طور که در اختلافات مرزی دریای چین جنوبی مشاهده می‌شود، سیاست خارجی فعالانه‌ای را دنبال می‌کند. بنابراین، قدرت چین از نرم به سخت در حال حرکت است، اگرچه این کشور همچنان بر عدم تمایل رهبری جهان و مخالفت با دخالت قدرت‌های بزرگ اصرار دارد. چین

با اراده‌ای آهنین به سیاست «چین واحد» پایبند است. هنگامی که دونالد ترامپ - رئیس‌جمهور منتخب آمریکا - در دسامبر ۲۰۱۶ به تسای اینگون - رئیس‌جمهور تایوان - «تبریک گفت» و تلفنی صحبت کرد؛ این اقدام نقض بزرگی بر پروتکل‌های دیپلماتیک بود. ترامپ از تماس خود با این ادعا که نمی‌داند چرا آمریکا باید به سیاست «چین واحد» پایبند باشد، دفاع کرد. هیچ رابطه دوجانبه‌ای مهم‌تر از رابطه چین و آمریکا نیست.

تسای با فشار فزاینده‌ای از سوی پکن مواجه شد که تماس تلفنی او با ترامپ را تهدیدی برای «اصل چین واحد» تلقی می‌کرد. دولت‌مردان چین به سرعت واکنش نشان دادند و تایوان را در عرصه بین‌المللی، به ویژه در آفریقا، تحت فشار قرار دادند. در نتیجه این واکنش، کشورهای جزیره‌ای اقیانوس آرام، سائوتومه و پرنسپ، در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۶ روابط دیپلماتیک خود با تایوان را قطع کردند. چین از این گسست روابط استقبال کرد و این اقدام، تایوان را در عرصه جهانی منزوی‌تر ساخت. با این قطع ارتباط تایوان تنها با ۲۱ کشور ارتباط مستقیم دارد.

در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۷، خبرگزاری رویترز گزارش داد که نیجریه از تایوان خواسته است تا دفتر نمایندگی خود را از ابوجا، پایتخت فعلی، به لاگوس، پایتخت سابق، منتقل کند. تایوان از نیجریه خواست تا این موضوع را با در نظر گرفتن اصل «عمل متقابل» بررسی کند. بر اساس این اصل، نیجریه همزمان دفتر نمایندگی تایوان در تایپه، یک دفتر تجاری در پایتخت تایوان دارد. مقامات دولتی نیجریه با هم‌تایان چینی خود در ابوجا دیدار کردند. نیجریه متعهد است که به سیاست «چین واحد» پکن پایبند باشد و تایوان را بخشی از چین بداند. لو کانگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک نشست خبری منظم در پکن گفت: «چین از حمایت نیجریه از سیاست چین واحد قدردانی می‌کند. این موضوع به طور کامل مسئله‌ای تاریخی که بر اعتماد سیاسی دو طرفه بین چین و نیجریه تأثیر

می گذاشت را حل کرده است و مانع سیاسی را که مانع توسعه سالم روابط دوجانبه بود، از بین برد.»

رویکرد سیاست خارجی و دیپلماسی نرم چین به دنبال کسب قدرت و نفوذ است. این کشور از طریق مشارکت‌های اقتصادی و سازمان‌های بین‌المللی نفوذ سیاسی خود را اعمال می‌کند. چین خواهان احترام به عنوان یک قدرت بزرگ و همچنین شناخته شدن به عنوان یک عضو مسئول در سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان ملل متحد است. چین با میزبانی مقر بانک زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیایی (AIIB) به عنوان بزرگ‌ترین سهامدار آن، نقش فعالی در این راستا ایفا می‌کند. چین همچنین از طریق شبکه‌های خود با سازمان‌های بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، سازمان همکاری شانگهای و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای بین چین و انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن)، از جهانی‌سازی اقتصادی حمایت می‌کند.

با این حال، فعالیت‌های چین در آفریقا محدود به حوزه اقتصاد نیست. چین همچنین حضور نظامی خود را در این قاره گسترش داده است. این موضوع زمانی به وضوح آشکار شد که چین در سال ۲۰۱۱ از کشتی‌ها و سربازان خود برای محافظت از شهروندانش در لیبی استفاده کرد و ۳۵۰۰۰ نفر از آن‌ها را از این کشور خارج کرد. چین با فروش تسلیحات به کشورهایمانند تانزانیا (تانک‌ها و جت‌های جنگی)، برونودی و کامرون (خودروهای زرهی) و مراکش (لانچرهای موشک) دوست‌یابی می‌کند (The Economist (2016). طبق استراتژی نظامی چین (۲۰۱۵)، «نیروهای مسلح چین با تأکید بیشتر بر استفاده از نیروهای نظامی و ابزارهای جنگی، سخت‌تر تلاش خواهند کرد تا یک موضع استراتژیک مطلوب ایجاد کنند.» عملیات دریایی چین برای دسترسی به پایگاه‌ها و بنادر و در نتیجه کنترل دریا، با هدف افزایش نفوذ نظامی و سیاسی این کشور در آفریقا صورت می‌گیرد. چین اولین پایگاه نظامی خارجی خود را در جیبوتی، کشوری در ساحل

شرقی آفریقا، تأسیس کرده است. این پایگاه در شاخ آفریقا، منطقه‌ای استراتژیک و در نزدیکی یک پایگاه نظامی آمریکا قرار دارد. چین ادعا می‌کند که این پایگاه برای پشتیبانی لجستیکی و نظارت بر دزدان دریایی استفاده می‌شود. چین با قدرت نرم خود نیز در جیبوتی فعال است. این کشور ۱۴ میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت‌های جیبوتی هزینه کرده و همچنین یک مؤسسه کنفوسیوس در این کشور تأسیس کرده است. این اقدامات چین برای ایجاد روابط خوب با دولت و مردم جیبوتی انجام شده است. این اقدامات چین نشان‌دهنده جاه‌طلبی‌های این کشور در آفریقا است. چین به دنبال گسترش نفوذ خود در این قاره است و پایگاه نظامی جیبوتی یکی از ابزارهای این استراتژی است.

چین برنامه‌ای برای ساخت پایگاه‌های دریایی به نام «رشته‌های مروارید» دارد که از چین تا دریای سرخ و خلیج والویس در ساحل اقیانوس اطلس در نامیبیا کشیده شده است. به طور قطع، چین در حال نمایش قدرت خود به صورت سیاسی و نظامی است. با این حال، چین تنها کشوری نیست که در آفریقا پایگاه‌های نظامی خارجی دارد. علاوه بر پایگاه لمونیر متعلق به آمریکا، پایگاه‌های دیگری نیز متعلق به متحدان فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی و ژاپنی وجود دارد. اخیراً عربستان سعودی نیز اعلام کرده است که به عنوان بخشی از سیاست جدید خود برای مقابله با نفوذ سیاسی و نظامی نیروهای نیابتی ایران در سراسر منطقه، قصد دارد پایگاهی در جیبوتی احداث کند. رقابت اقتصادی و ژئوپلیتیکی در آفریقا در حال تشدید است و همه بازیگران به دنبال افزایش تعامل با این قاره هستند.

در ۱ ژوئن ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده از توافقنامه پاریس، که در سال ۲۰۱۵ توسط ۱۹۶ کشور امضا شد، خارج می‌شود. رهبران فرانسه، آلمان و ایتالیا در بیانیه مشترکی «قوی‌ترین تعهد» خود را برای اجرای اقدامات این توافقنامه را به تأیید رساندند و «همه شرکای خود را تشویق

کردند تا اقدامات خود را برای مقابله با تغییرات اقلیمی سرعت بخشند». رئیس جمهور امانوئل مکرون با انتقاد خروج ترامپ از پاریس به عنوان بخشی از دکترین «اول آمریکا»ی رئیس جمهور آمریکا، گفت: «وظیفه ماست که سیاره خود را دوباره عالی کنیم». چین، بزرگ‌ترین تولیدکننده دی‌اکسید کربن جهان، پس از تصمیم ترامپ، به سرعت اهداف توافقنامه پاریس را مجدداً تأیید کرد. به همین ترتیب هند، سومین تولیدکننده بزرگ گازهای گلخانه‌ای پس از ایالات متحده نیز این توافقنامه را تأیید کرد. طبق گزارش نیویورک تایمز (۲۰۱۷)، هند اکنون به شدت در منابع تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری می‌کند و برنامه‌های زغال‌سنگی خود را حتی در مراحل اولیه، لغو می‌کند. با کنار گذاشتن توافقنامه آب و هوای پاریس، ترامپ خلا بزرگی در رهبری جهانی ایجاد کرد. چین این را فرصتی برای خود می‌بیند و مشتاق است جای خالی ایالات متحده را پر کند. رئیس جمهور شی جین‌پینگ در اجلاس سالانه ۲۰۱۷ انجمن جهانی اقتصاد در داووس سوئیس حضور فعال داشت. او در سخنرانی خود از جهانی‌سازی و تجارت آزاد دفاع کرد. در رقابت بزرگ‌قدرت‌ها، تغییرات اقلیمی یکی از معدود مسائلی است که منجر به همگرایی میان دیگر کشورها شده است. چین، رقیب رو به صعود در میان ابرقدرت‌ها، از طریق طرح «یک کمربند، یک جاده» برای کسب قدرت و نفوذ جهانی تلاش می‌کند. اگر این پروژه موفقیت‌آمیز باشد، ممکن است به چین امکان دهد قوانین جدیدی برای بازسازی نظم اقتصادی جهان وضع کند. شاید توافق‌اشنگتن و قوانین نهادهای بین‌المللی کنار گذاشته شوند تا مبادلات تجاری بر اساس شرایط چین انجام شود.

آیا رویای چینی شی جین‌پینگ محقق خواهد شد؟ سؤال بزرگی است. کارزار او برای مقابله با فساد گسترده در چین ضربات مهلکی به جناح‌های مختلف و همچنین سطوح بالای حزب کمونیست زده است. مقامات دولتی و نظامی متعلق به این گروه‌های سودجو مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و زندانی شده‌اند.

تلاش‌های ضد فساد او و درخواست وفاداری بی‌قید و شرط رسانه‌های چینی به حزب کمونیست، سیگنال‌های متناقضی در مورد جامعه و اقتصاد چین ارسال کرده است. مخالفت عمومی با سیاست‌های دولت شی، به ویژه در مورد آزادی مطبوعات، در حال افزایش است. بنابراین، حفظ نظم و ثبات داخلی همچنان اولویت حزب کمونیست است. حزب کنگره نوزدهم خود را در پاییز ۲۰۱۷ برگزار کرد. اغلب، پیش از چنین رویدادهایی، شاهد درگیری‌های قدرت در سطوح بالا هستیم. برای مثال، قبل از کنگره هجدهم، بو شیلائی، دبیر حزب چانگ‌چینگ و رقیب شی، به اتهام فساد از صحنه سیاست حذف شد. حالا، شی جین‌پینگ با احساس خطر از سوی رقبایش، برای حکومت بر چین بر تمرکز قدرت در درون رژیم خود تکیه کرده است (پی، ۲۰۱۶). این مسئله نه تنها برای چین، بلکه برای کل جهان خبر خوبی نیست.

منابع

- AfDB. (2016). *African Economic Outlook 2016. Special Theme: Sustainable Cities and Structural Transformation*. Retrieved from www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Publications/AEO_2016_Report_Full_English.pdf
- AfDB/OECD/UNDP. (2017). *African Economic Outlook 2017. Special Theme: Entrepreneurship and Industrialisation*. Paris: OECD Publishing. Retrieved from <https://doi.org/10.1787/aeo-2017-en>
- Braude, J., & Jiang, T. (2017). *Why China and Saudi Arabia Are Building Bases in Djibouti*. Retrieved from http://www.huffingtonpost.com/joseph-braude/why-china-and-saudi-arabi_b_12194702.html

- Caulderwood, K. (2014, April 26). IMF Worries That Chinese Slowdown Could Damage Sub-Saharan Economies. *International Business Times*. Retrieved from www.ibtimes.com/imf-worries-chinese-slowdown-could-damage-su
- China's Military Strategy. (2015, May 26). The State Council Information Office of the People's Republic of China. *en.people.cn*. Retrieved from <http://en.people.cn/n/2015/0526/c90785-8897779.html>
- Cissé, D. (2015, November 13). China and India in Africa. The Two Asian Powers Are Rapidly Stepping Up Their Engagement in Africa. *The Diplomat*. Retrieved from <http://thediplomat.com/2015/11/china-and-india-in-africa>
- Cotula, L., Vermeulen, S., Leonard, R., & Keeley, J. (2009). *Land Grab or Development Opportunity? Agricultural Investment and International Land Deals in Africa*. London/Rome: IIED/FAO/IFAD. ISBN: 978-1-84369-741-1.
- Esposito, M., & Tse, T. (2015). *What Does China's Role in Africa Say About Its Growing Global Footprint?* Retrieved from <https://theconversation.com/what-does-chinas-role-in-africa-say-about-its-growing-global-footprint-49474>
- Financial Times. (2016, August 26). *Japan Looks to Boost Trade with Africa*. Retrieved from <https://www.ft.com/content/89e0c824-6ac4-11e6-a0b1-d87a9fea034f>
- Findley, S. (2015, August 28). Africa Uneasy as China Turmoil Threatens Investment Boom. *Times Live*. Retrieved from www.timeslive.co.za/local/2015/08/28/Africa-uneasy-as-China-turmoil-threatens-investmentboom
- IMF. (2016a). *Regional Economic Outlook: Sub-Saharan Africa: Time for a Policy Reset*. April 2016 Issue. Retrieved from

https://www.imf.org/external/pubs/ft/reo/2016/afr/eng/pdf/sr_eo0416.pdf

IMF. (2016b). *World Economic Outlook*. Update January 2016. Retrieved from <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2016/update/01>

Maasho, A., & Blair, E. (2016, June 4). With Chinese Help, Ethiopia Seeks to Be Africa's Top Car Manufacturer. *Automotive News Europe*. <http://europe.autonews.com/article/20160604/ANE/160609945/with-chinese-help-ethiopiaseeks-to-be-africas-top-car-manufacturer>

Mawdsley, E., & McCann, G. (Eds.). (2011). *India in Africa: Changing Geographies of Power* (pp. 41–61). Oxford: Pambazuka Press.

Mourdoukas, P. (2016, September 7). China Tells Japan To Stay Off Its Second Continent, Africa By. *Forbes*. Retrieved from <http://www.forbes.com/sites/panosmourdoukoutas/2016/09/07/china-tells-japan-to-stay-off-its-secondcontinentafrica/#6371b6342f70>

New York Times. (2017). *India, Once a Coal Goliath, Is Fast Turning Green*, June 2, 2017. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2017/06/02/world/asia/india-coal-green-energy-climate.html>

OECD-FAO. (2016). *Agricultural Outlook 2016–2025. Agriculture in Sub-Saharan Africa: Prospects and Challenges for the Next Decade*. Retrieved from <http://www.fao.org/3/a-BO092E.pdf>

Pei, M. (2016, March 28). In Beijing, Signs of a Major Political Power Struggle in the Offing by Minxin Pei. *Fortune*. Retrieved from <http://fortune.com/2016/03/28/china-politics-xi-jinping-power-struggle>

- Searcey, D., & Essomba, F. (2017, February 13). Silencing the Internet in Africa. *The New York Times*, International Edition, Monday. p. 5.
- Sköld, M. (2017). *Shades of Africa. Research on a Changing Continent*. The Nordic Africa Institute. www.nai.uu.se
- The Economist. (2016, August 13). *New Rivalries on a Contested Continent. Asia's Scramble for Africa. India, China and Japan Are Battling for Influence*. Retrieved from <http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21704804-india-china-and-japan-are-battling-influence-asias-scramble-africa>
- The EU-Africa Summit. (2014, April 10). *Eyes Increased Trade, Investment Ties*. <http://www.ictsd.org/bridgesnews/bridges/news/eu-africa-summit-eyesincreased-trade-investment-ties>
- Vollgraaf, R. (2015, September 17). *These Are the African Nations Most Exposed to China's Slump*. Retrieved from <http://www.bloomberg.com/news/articles/2015-09-17/these-are-the-african-nations-most-exposed-to-china-s-slump>
- World Bank. (2015). *Drop in Global Commodity Prices, Electricity Bottlenecks, and Security Risks Slow Africa's Economic Growth* (African Pulse, Report 2015). Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/region/afr/publication/africas-pulse-an-analysis-issues-shaping-africas-economic-future-october-2015>
- World Bank. (2016a). *Ethiopia Overview*, October 11, 2016. Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/country/ethiopia/overview>
- World Bank. (2016b). *Global Economic Prospects*. Sub-Saharan Africa. Retrieved from

<https://www.worldbank.org/en/publication/global-economic-prospects>

World Bank. (2017a). *Africa Overview*, April 1, 2017. Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/region/afr/overview>

World Bank. (2017b). *Africa's Cities: Opening Doors to the World*. Washington, DC: World Bank. Retrieved from <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/25896/211044ov.pdf>

World Bank. (2017c). *Africa's Pulse*. Washington, DC: World Bank Group. Retrieved from <http://documents.worldbank.org/curated/en/348741492463112162/Africas-pulse>

World Bank. (2017d). *China Overview*. <http://www.worldbank.org/en/country/china/overview>

Yun, S. (2016, August 31). *Africa in Focus. Rising Sino-Japanese Competition in Africa*. Brookings. Retrieved from www.brookings.edu/blog/africa-in-focus/2016/08/31/rising-sino-japanese-competition-in-africa

فصل ششم. فرجام

خلاصه

آفریقا نقشی راهبردی در بلندپروازی‌های اقتصادی و سیاسی چین ایفا می‌کند. بسیاری از کشورهای آفریقایی دریافته‌اند که وابستگی آن‌ها به چین، مشکلاتی را برای توسعه‌شان ایجاد کرده است و از این رو انگیزه بیشتری برای متنوع‌سازی اقتصاد خود پیدا کرده‌اند. در همین حال، چین نیز در آفریقا درس‌هایی در مورد جهانی‌شدن آموخته است و اکنون با چالش «عملکرد محلی» مواجه است. سرمایه‌گذاری‌های چین در زیرساخت‌ها و اکنون در بخش تولید، به کشورهای آفریقایی کمک می‌کند تا رشد اقتصادی داشته باشند. با این حال، این کشورها نیز با چالش متنوع‌سازی اقتصاد خود مواجه هستند و باید سیاست‌های خود را برای کنترل مسیر توسعه‌شان مجدداً ارزیابی کنند. دولت‌های آفریقایی همچنین در قبال شرایط مشارکت خود با چین و سایر بازیگران، مسئول هستند. چالش اصلی برای شرکت‌های تولیدی چینی در آفریقا، حاکمیت شرکتهای و پاسخگویی است که هر دو از ارکان اقتصاد بین‌المللی محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌گان: فرصت‌ها و چالش‌ها، بازکردن پتانسیل آفریقا

سیاست جهانی همواره عرصه‌ای پیچیده است و روز به روز بر این پیچیدگی افزوده می‌شود. تحولات اقتصاد جهانی، گسترش فناوری و نگرانی‌های مربوط به تغییرات اقلیمی به پراکنده شدن قدرت منجر شده‌اند. در همین حال، بازیگران فراسرزمینی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند. با تغییرات اقتصادی و سیاسی اخیر، ابعاد جدیدی در سیاست جهانی در حال شکل‌گیری است. به‌طور سنتی، هدف امنیت و ابزار نیروی نظامی با استراتژی موازنه قدرت مرتبط بوده، اما با تغییر ماهیت قدرت، تغییراتی در حال رخ دادن است. تضعیف تعهد به همکاری جهانی و احترام به هنجارهای مشترک، بنیان امنیت بین‌المللی را سست می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با شعار «دوباره آمریکا را عالی کنیم» بازی‌گردان عرصه سیاست جهانی شده است. خروج آمریکا از توافقنامه تجاری فراسیسیک (TPP) و توافقنامه تغییرات اقلیمی پاریس، سبک متناقض ترامپ و بی‌اعتنائی او به واقعیت‌ها و منافع مشترک را نشان می‌دهد. اکنون نظم جدیدی بین قدرت‌های بزرگ در حال شکل‌گیری است. روابط چین و آمریکا، خاورمیانه، کره شمالی و چین، همگی در دستور کار جهانی قرار دارند.

در عین حال، آمریکا تحت رهبری ترامپ دیگر نقش خود را در اجرای قواعد و هنجارهای لیبرالی که زمانی پیشناز آن‌ها بود، ایفا نمی‌کند. همچنین به وضوح مشخص شده که آفریقا در فهرست اولویت‌های ترامپ قرار دارد. باید دید که سیاست‌های حمایت‌گرایانه دولت آمریکا که در سال ۲۰۱۷ به قدرت رسید، چگونه بر توافقنامه‌های تجاری آفریقا-آمریکا و صادرات آفریقا به آمریکا تأثیر می‌گذارد. بانک توسعه آفریقا معتقد است که خروج آمریکا از TPP حتی ممکن است جذابیت آفریقا را به‌عنوان شریک تجاری جهانی تقویت کند.

در مدت زمان کمی بیش از سه دهه، چین از یک کشور در حال توسعه به یک ابرقدرت نوظهور تبدیل شده است. امروزه، چین بزرگترین شریک تجاری در بیش از ۱۰۰ کشور جهان است. با این وجود، تعاملات چین با آفریقا در طول

سالیان مورد انتقاد قرار گرفته است. منتقدان، حضور چین در آفریقا را «تهاجم به آفریقا»، «نئو استعمار جدید» و «دیپلماسی منابع» تشبیه کرده‌اند. با این حال، در حالی که تجار غربی، آفریقا را بازاری پرچالش و کوچک می‌دیدند، شرکت‌های چینی وارد این قاره شدند و تجارت و سرمایه‌گذاری را حتی در مناطق دشوار پیش بردند. چین با افزودن کمک‌های مالی و توسعه‌ای، تجارت و سرمایه‌گذاری خود را در آفریقا گسترش داد. در همین حال، به نظر می‌رسد غرب بر کمک‌های بشردوستانه تمرکز کرده است. مزیت رقابتی سیاسی چین ناشی از تمایل آن برای همکاری با هر دولتی، حتی رژیم‌های مطرود، و مزیت اقتصادی نسبی آن ناشی از استراتژی مناقصه با کمترین قیمت، توجه دیپلماتیک فراوان به شرکای خود، حمایت از پروژه‌های معتبر و ارائه کمک‌های توسعه‌ای بود.

قاره آفریقا نقش راهبردی در بلندپروازی‌های اقتصادی، سیاسی و جهانی چین ایفا می‌کند. فعالیت‌های اقتصادی چین در آفریقا با سرمایه‌گذاری‌های فزاینده در بخش تولید و همچنین تقویت اقدامات نظامی رونق گرفته است. چین همکاری امنیتی خود با سازمان ملل را افزایش داده و اولین پایگاه نظامی خود را در جیبوتی تأسیس کرده است، که نشانه‌ای از تغییر سیاست از قدرت نرم به قدرت سخت است. هنوز مشخص نیست که این اقدام عاقلانه بوده است یا خیر؛ اما به طور قطع اهمیت آفریقا در جاه‌طلبی‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک چین روز به روز بیشتر می‌شود.

آخرین گام در راستای کسب جایگاه قدرت جهانی، طرح «یک کمربند، یک جاده» رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ، مسیر تجاری عظیم جاده‌ی ابریشم نوین، است. نفوذ گسترده اقتصادی، سیاسی و مالی چین نه تنها موجب تقویت سرمایه‌گذاری و تجارت و افزایش تبادلات فرهنگی، آموزشی و گردشگری می‌شود، بلکه به برقراری توازن قدرت نظامی در سراسر آسیا، خاورمیانه و آفریقا نیز کمک می‌کند. چین بدون توسل به خطابه‌های سیاسی اخلاق‌گرایانه، از

قدرت نرم خود برای تقویت منافعش در آفریقا و پیشبرد همکاری دوجانبه استفاده کرده است. چین برای ترویج فرهنگ سنتی خود و یادگیری زبان چینی، شبکه‌ای از مؤسسات کنفوسیوس را در سراسر آفریقا ایجاد کرده است. این مؤسسات از طریق بورسیه‌های تحصیلی «درک چین» و بورسیه‌های «رهبران جوان»، دیدگاهی گزینشی از چین ارائه می‌دهند و همچنین کنفرانس‌ها و نشریات را تأمین مالی می‌کنند. با این حال، برنامه‌ی فرهنگی چین که به دیپلماسی پیوند خورده است، به اندازه تجارت و سرمایه‌گذاری‌هایش در قاره آفریقا، در ذهن مردم آفریقا نقش نبسته است.

در طول رکود اقتصادی چین، آفریقا متوجه شد که با وجود ارتباطات نزدیک، مزایای این رابطه عمدتاً به نفع چین بوده است. بسیاری از کشورهای آفریقایی دریافتند که وابستگی به چین برای توسعه اقتصادی آن‌ها مضر است. بنابراین، زمان آن رسیده بود که اقتصاد خود را متنوع کنند. چین اکنون به دنبال فرصت‌های جدیدی برای گسترش طیف فعالیت‌های اقتصادی خود در آفریقا است. اگرچه چین همچنان به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آفریقا ادامه می‌دهد اما اکنون درگیر مشارکت در تقویت بخش تولید نیز شده است. چین بخش قابل توجهی از پایگاه تولید خود را برای تولید کالا در این قاره و سپس فروش آن‌ها در بازارهای آفریقا و جهان منتقل می‌کند. شرکت‌های چینی در حال تلاش برای تبدیل شدن به شرکت‌هایی در سطح جهانی هستند و بنابراین باید مطابق با الگوها و سیاست‌های تجارت بین‌المللی عمل کنند. آن‌ها فرصت‌های جدیدی دارند که به آفریقا در صنعتی شدن کمک کنند، اما آن‌ها حتی با چالش‌های بیشتری مواجه هستند تا استانداردهای عملیات صنعتی، حاکمیت شرکتی و پاسخگویی را که در اقتصاد بین‌المللی عمل می‌شود، اعمال کنند، اما در شرکت‌های دولتی چینی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. این شرکت‌ها به دلیل فقدان مدل‌های تجاری مشارکتی، عدم کمک به ظرفیت‌سازی و فعالیت‌های تجاری مبهم مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

درواقع، دستورات سیاسی بر استراتژی کسب‌وکار تأثیر می‌گذارند و مقدم بر الزامات بازار هستند.

شرکت‌های دولتی چین باید از آفریقا درس بگیرند و بر اساس آن، جهانی‌شدن خود را ارتقا دهند. آنها با چالش «محلی عمل کردن» نه تنها برای بهبود شرایط کار و استفاده از نیروی کار محلی، بلکه برای تقویت مشارکت با جوامع محلی و ارتباط با مردم آفریقا روبرو هستند. به نظر می‌رسد این سخت‌ترین کار باشد، اما ارزش انجام دادنش را دارد زیرا برای همکاری با آفریقا، باید شریکی باشند که می‌تواند با اصول آن قاره سازگار شود.

کشورهای آفریقایی دیگر نمی‌توانند صرفاً به عنوان منابعی برای صنعتی شدن و توسعه سایر مناطق، اعم از چین، اروپا، ایالات متحده آمریکا و یا سایر مناطق باشند. در تغییر چشم انداز اقتصادی، چالش آن‌ها ایجاد شغل برای جمعیت جوان و پرانرژی آفریقا است. شهرنشینی با تمام چالش‌های اقتصادی و اجتماعی خود فرصتی برای رشد و توسعه است که همگی نیازمند حکمرانی خوب است. چین در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری‌های زیادی کرده و در حال حاضر به تولید کشورهای آفریقایی کمک می‌کند تا رشد کنند. چین در حال افزایش شایستگی‌های صنعتی خود در زنجیره‌های ارزش جهانی است. چین در حال گسترش توانایی‌های صنعتی خود در زنجیره‌های ارزش جهانی است. اگر چین به جای جستجو برای تولید مواد کم‌ارزش در آفریقا، به توسعه‌ی ظرفیت‌های تولید با ارزش افزوده در آن منطقه رو بیاورد، می‌تواند کمک قابل توجهی به توسعه‌ی آفریقا کند. بنابراین، بسیاری از کشورهای آفریقایی مجبور به بازنگری سیاست‌های خود برای تقویت موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود در آینده هستند. دولت‌های آفریقایی با چالش کنترل مسیر توسعه‌ی کشور خود و تضمین رشد برای ارائه خدمات عمومی به مردم خود مواجه هستند. آن‌ها باید الگوهای رشد پایدار را با تمرکز بر توسعه انسانی اتخاذ کنند تا زندگی مردم خود

را بهبود بخشند. آن‌ها همچنین در قبال شرایط مشارکت با چین و سایر بازیگران پاسخگو هستند. کشورهای آفریقایی می‌توانند در مورد اولویت‌های همکاری چین و آفریقا از طریق FOCAC که با همکاری NEPAD است، به توافق برسند. همانطور که NEPAD بیان کرده است، شفافیت، فساد و حکمرانی دستور کار اولویت‌دار است. کمیسیون اتحادیه آفریقا در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۱ در FOCAC به عنوان یک عضو کامل و نه صرفاً به عنوان ناظر، طی جلسه مقامات ارشد در هانگژو چین پذیرفته شد.

آفریقا می‌تواند مسیر متفاوتی را برای توسعه خود اتخاذ کند تا به نفع مردمش باشد، اما موانعی وجود دارد. علیرغم اینکه بسیاری از کشورهای آفریقایی در دهه گذشته بهبودهایی را در زمینه حکمرانی نشان داده‌اند، هیچ‌یک نتوانسته‌اند سوء استفاده از پول نفت را جلوگیری کنند. کشورها به دنبال دموکراسی هستند اما هنوز در کنیا، لیبیا، مالاوی، سنگال، سیرالئون و غنا دموکراسی به‌طور شکننده‌ای شکل گرفته است. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، مانند اتیوپی، گامبیا، تانزانیا و اوگاندا، همچنان شاهد سلطه حاکمیت تک‌حزبی یا اقتدارگرایانه تمام عیار هستیم. با این حال، بسیاری از آفریقایی‌ها امروزه «آزادی» بیشتری برای اعمال حقوق سیاسی و مدنی خود دارند، حقوقی که پیش‌تر از آن‌ها محروم بودند. می‌توان دموکراتیزه‌شدن در آفریقا را به معنای گشوده شدن فضای سیاسی و به لحاظ نظری، حق مشارکت برای همه معنا کرد. سازمان‌های جامعه مدنی و غیردولتی نقش فزاینده‌ای در دفاع از افراد آسیب‌پذیر و زیر سوال بردن انتخاب‌های دولت‌های آفریقایی دارند و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند تا شفاف و پاسخگو باشند.

بسیاری از کشورهای آفریقایی در معکوس کردن عقب‌ماندگی خود تا حد زیادی شکست خورده‌اند. همانطور که وانگاری ماتای (۲۰۱۰، صفحه ۱۱)، برنده‌ی جایزه صلح نوبل و یکی از اندیشمندان فعال و دوراندیش آفریقا، اشاره

می‌کند: «این نتیجه‌ی نخبگان فاسد آفریقایی و حکمرانی ضعیف است.» حاکمیت استبدادی اغلب با فساد، تبعیض و نظام رانت‌خواری مرتبط است، که منجر به تنش‌های قومی و افراط‌گرایی مذهبی می‌شود و خشونت را در مناطق وسیعی از قاره برمی‌انگیزد. نه رهبر آفریقایی بیش از ۲۰ سال است که در قدرت هستند و سه نفر از آن‌ها بیش از ۳۰ سال است که زمام امور را به دست دارند. همچنین واکنش عمومی شدیدی علیه رهبرانی وجود داشته است که سعی کرده‌اند دوره‌های ریاست‌جمهوری خود را طولانی‌تر کنند، مانند تلاش بلز کمپائوره برای تمدید ریاست‌جمهوری ۲۷ ساله‌ی خود در بورکینافاسو. او با یک قیام مردمی خشونت‌آمیز ناکام ماند. در همین حال، ناآرامی در برونندی با تلاش موفق رئیس‌جمهور پیر نکورونزیزا برای تمدید دوره‌ی ریاست‌جمهوری خود آغاز شد. با این حال، تغییر در سراسر قاره ملموس است. صدای زنان عمدتاً در عرصه سیاست غایب بوده است، اما در سال ۲۰۱۶، الن جانسون سیرلیف در لیبیا اولین زن رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک آفریقا شد.

تغییرات اقلیمی چالش‌های عظیم زیست‌محیطی و اقتصادی برای قاره ایجاد کرده است. اهداف توسعه‌ی هزاره‌ی سازمان ملل متحد خواستار اقداماتی برای بهبود زندگی مردم است. دستیابی به این امور همچنین اندازه‌گیری تعهدات رهبران و راه‌های انجام آن‌ها است. هر آنچه بر اکوسیستم‌ها می‌گذرد بر همه چیز تأثیر می‌گذارد - تنوع زیستی، حیات وحش، کشاورزی، دامداری، مهاجرت - که همه آن‌ها چالش‌هایی برای توسعه‌ی انسانی ایجاد می‌کنند. شهرنشینی و گردشگری نیز تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند. جمعیت وابسته به ظرفیت محیط زیست برای تأمین غذا، انرژی و آب است.

آفریقا دیگر قاره‌ای بی‌امید نیست. مشکلات هنوز وجود دارند، اما در یک نقطه عطف با فرصت‌ها و چشم‌اندازهای جدید قرار دارند. بیشتر از هر زمانی به رشد و توسعه پایدار نیاز است. باید به‌طور قاطع به چالش‌ها و فرصت‌های جاری پاسخ دهد. جمعیت جوان و پرانرژی‌اش همراه با منابع طبیعی فراوان، آفریقا را به

نیرویی برای رشد و توسعه تبدیل می‌کند. طبقه متوسط رو به رشد آفریقا با متخصصان تحصیلکرده و شهری از برندهای مد، خانه و محصولات سبک زندگی آگاه است. این منطقه در هنر، طراحی و موسیقی خلاق، پویا و پرنرنگ است. در فناوری‌های موبایل نیز نوآورانه است و از اپلیکیشن‌های خود ارزش افزوده می‌آفریند و محصولات و خدماتی را برای بازارهای محلی ایجاد می‌کند و همچنین در بازار جهانی رقابت می‌کند.

آفریقا می‌تواند از منابع سرشار خورشیدی، بادی و آبی خود برای حل مشکل کمبود انرژی و پیشبرد صنعت‌گرایی استفاده کند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی، گوشی‌های موبایل ارزان‌قیمتی را حتی در فقیرترین مناطق در دسترس قرار داده‌اند، در حالی که هزینه‌های تماس از پایین‌ترین میزان در جهان است. گسترش دستگاه‌های تلفن همراه منجر به نوآوری و انتشار اطلاعات و دانش شده است. علاوه بر این، اکنون صدای ساکنان مناطق دور افتاده نیز شنیده می‌شود. فضا و ابزارهای سیاسی برای به چالش کشیدن دولت‌های آفریقایی وجود دارد. به‌راستی، انقلاب موبایل آفریقا، قدرت اقتصادی و اجتماعی این قاره را با مسیرهای جدیدی برای توسعه‌ی آفریقا، احیا کرده است.

کلید موفقیت، آزاد کردن ظرفیت‌های آفریقا است. برای ایجاد تغییر، آفریقا باید «امارتچ» را به مدرسه بفرستد. این موضوع نیاز به تقویت مردم خود و به ویژه زنانش دارد. آینده کشورهای آفریقایی به حکومت بستگی دارد، زیرا حکومت خوب مهم است و این وظیفه دولت‌های آفریقایی است.

منابع

- AfDB/OECD/UNDP. (2017). *African Economic Outlook 2017. Special Theme: Entrepreneurship and Industrialisation*. Paris: OECD Publishing. Retrieved from <https://doi.org/10.1787/aeo-2017-en>
- Wangari, M. (2010). *The Challenge for Africa*. London: Arrow Books.

کتاب شناسی

- A Chinese in the Nubian and Abyssinian Kingdom (8th Century). (2001). The Visit of Du Huan to Molin-guo and Laobasa. *Arabian Humanities. International Journal of Archeology and Social Sciences in the Arabian Peninsula*, 9. <https://cy.revues.org/33>
- Adem, S. (2010). The Paradox of China's Policy in Africa. *African and Asian Studies*, 9, 334–355. Leiden: Brill.
- AfDB. (2016). *African Economic Outlook 2016. Special Theme: Sustainable Cities and Structural Transformation*. Retrieved from www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Publications/AEO_2016_Report_Full_English.pdf
- AfDB/OECD/UNDP. (2017). *African Economic Outlook 2017. Special Theme: Entrepreneurship and Industrialisation*. Paris: OECD Publishing. Retrieved from <https://doi.org/10.1787/aeo-2017-en>
- Africa Renewal. (2013, January). Retrieved from <http://www.un.org/africarenewal/magazine/january-2013/china-heart-africa>
- African Union. (n.d.). China-Africa Cooperation Forum (FOCAC). Retrieved from https://au.int/web/en/partnerships/africa_china
- Afrobarometer. (2016). China's Growing Presence in Africa Wins Largely Positive Popular Reviews by Mogopodi, Chingwete, Okuru, & Samson. No. 122, 24 October 2016. http://afrobarometer.org/sites/default/files/publications/Dispatches/ab_r6_dispatchno122_perceptions_of_china_in_africa_1.pdf

- Alden, C. (2005). China in Africa. *Survival: Global Politics and Strategy*, 47(3), 147–164. <https://doi.org/10.1080/00396330500248086>.
- Allen, K. (2015). *Zuma Says China-Africa Co-Operation 'Win-Win'*. Retrieved from <http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-35018241>
- Asante, M. (2007). *The History of Africa. The Quest for Eternal Harmony*. London: Routledge.
- Blunt, P., Turner, M., & Hertz, J. (2011). The Meaning of Development Assistance. *Public Administration and Development*, 31(3), 172–187.
- Braude, J., & Jiang, T. (2017). *Why China and Saudi Arabia Are Building Bases in Djibouti*. Retrieved from http://www.huffingtonpost.com/joseph-braude/why-china-and-saudi-arabi_b_12194702.html
- Brautigam, D. (2011). *The Dragon's Gift: The Real Story of China in Africa*. Oxford: Oxford University Press.
- Campbell, D. (1922). *In the Heart of Bantuland: A Record of Twenty-Nine Years in Central Africa Among the Bantu Peoples*. London: Seely Service and Co.
- Cardenal, J. P., & Heriberto, A. (2014). *China's Silent Army: The Pioneers, Traders, Fixers and Workers Who Are Remaking the World in Beijing's Image*. London: Penguin.
- Carmody, P. (2011). *The New Scramble for Africa*. Cambridge: Polity Press.
- Carr, E. H. (1939). *Propaganda in International Politics*. Oxford: Clarendon Press.
- Caulderwood, K. (2014, April 26). IMF Worries That Chinese Slowdown Could
- Chan, J. (1999). A Confucian Perspective on Human Rights for Contemporary
- Chan, J. (2015). *Confucian Perfectionism: A Political Philosophy for Modern Times*. Princeton: Princeton University Press.

- Chen, Y. (2007). Build China's Soft Power with the Context of Globalization,
- Chin, J. (2016, July 11). Violence in South Sudan Kills Two Chinese U.N. Peacekeepers. *The Wall Street Journal*. <https://www.wsj.com/articles/violence-in-south-sudan-kills-chinese-u-n-peacekeeper-1468224678>
- China in Africa. (2009). *Strategic Overview*. Institute of Developing Economies, Japan External Trade Organization. Retrieved from www.ide.go.jp/English/Data/Africa.../china_all.pdf
- China in the Heart of Africa. (2013, January). Opportunities and Pitfalls in a Rapidly Expanding Relationship by Ighobor Kingsley. *Africa Renewal*. Retrieved from <http://www.un.org/africarenewal/magazine/january-2013/china-heart-africa>
- China Posts Weakest Annual Economic Growth in 26 Years. *CNN*. Retrieved from <http://money.cnn.com/2017/01/19/news/economy/china-fourth-quartergdp-economic-growth>
- China. In *The East Asian Challenge for Human Rights* (pp. 212–237). Retrieved from http://www3.nccu.edu.tw/~kangchan/readings/PPP/Chan_J
- China's Africa Policy. (2006). Retrieved from http://www.gov.cn/misc/2006-01/12/content_156490.htm
- China's African policy. (2015). Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/2015-12/04/c_134886545.htm
- China's Arm Sales to Sudan. (n.d.). Retrieved from <https://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/080311-cah-arms-sales-fact-sheet.pdf>
- China's Military Strategy. (2015, May 26). The State Council Information Office of the People's Republic of China. *en.people.cn*. Retrieved from <http://en.people.cn/n/2015/0526/c90785-8897779.html>

- Cissé, D. (2015, November 13). China and India in Africa. The Two Asian Powers Are Rapidly Stepping Up Their Engagement in Africa. *The Diplomat*. Retrieved from <http://thediplomat.com/2015/11/china-and-india-in-africa>
- CNN. (2017). *Chinese Province Admits Falsifying Economic Data for Years*. <http://money.cnn.com/2017/01/18/news/economy/china-province-falsified-economic-data/index.html>
- Cotula, L., Vermeulen, S., Leonard, R., & Keeley, J. (2009). *Land Grab or Development Opportunity? Agricultural Investment and International Land Deals in Africa*.
- Cropley, E., & Martina, M. (2012). *Insight: In Africa's Warm Heart, A Cold Welcome for Chinese*. Retrieved from <http://www.reuters.com/article/us-africa-china-pushback-idUSBRE88H0CR20120918>
- Damage Sub-Saharan Economies. *International Business Times*. Retrieved from www.ibtimes.com/imf-worries-chinese-slowdown-could-damage-su
- Developing World* (A Report of the CSIS Smart Power Initiative, March 2009). Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- Dreher, Fuchs, Parks, & Strange. (2015). *West Fear Chinese 'Aid' to Africa. They're Wrong. Here's Why*. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2015/10/20/many-in-the-west-fear-chinese-aid-to-africa-theyre-wrong-heres-why/>
- Easterly, W. (2007). *White Man's Burden*. Oxford: Oxford University Press.
- Esposito, M., & Tse, T. (2015). *What Does China's Role in Africa Say About Its Growing Global Footprint?* Retrieved from <https://theconversation.com/what-does-chinas-role-in-africa-say-about-its-growing-global-footprint-49474>
- Felge, J. (2016, April 13). Why China's Djibouti Presence Matters. Beijing's Growing Role There Has Broader Strategic

- Implications. *The Diplomat*.
<http://thediplomat.com/2016/04/why-chinas-djibouti-presence-matters>
- Financial Times. (2016, August 26). *Japan Looks to Boost Trade with Africa*. Retrieved from <https://www.ft.com/content/89e0c824-6ac4-11e6-a0b1-d87a9fea034f>
- Findley, S. (2015, August 28). Africa Uneasy as China Turmoil Threatens Investment Boom. *Times Live*. Retrieved from www.timeslive.co.za/local/2015/08/28/Africa-uneasy-as-China-turmoil-threatens-investment-boom
- Flew, T. (2017). *China's Latest Attempt to Win Friends and Influence People*. Retrieved from <https://cpianalysis.org/2017/05/01/cgtn-chinas-latestattempt-to-win-friends-and-influence-people/>
- Gawanas, B. (2009). *The African Union: Concepts and Implementation Mechanisms Relating to Human Rights* (pp. 135–163). <http://www.kas.de/namibia/en/publications/16347/>
- Grimm, S. (2011, November). *Transparency of Chinese Aid – The Published Information on Chinese External Financial Flows* (Policy Briefing). Centre for Chinese Studies, Stellenbosch University.
- Guoji Guangcha*, February 2007. In: McGiffert, C. (2009). *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States. Competition and Cooperation in the*
- Habermas, J. (1978/1968). *Knowledge and Human Interest*. London: Heinemann.
- Hammersley, M. (1990). *Reading Ethnographic Research*. New York: Longman.
- Harding, A. (2015, January 26). Sudan's Omar al-Bashir Gets Chinese-Built Presidential Palace. *BBC News, Africa*. Retrieved from <http://www.bbc.com/news/world-africa-30990268>

- He, W. (2017, January 5). Intertwined Future. In 2017, China-Africa Ties Will Face Both Opportunities and Challenges. *The Beijing Review*, No.1. Retrieved from http://www.bjreview.com/Opinion/201701/t20170103_800084566.html
- Hu, A. (2006). Harmony Is Also the Last Word: It Has Become China's Greatest Soft Power. *Zhongguo Xinwen She*. October 12, 2006. In: McGiffert, C. (2009). *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States. Competition and Cooperation in the Developing World* (A Report of the CSIS Smart Power Initiative, March 2009). Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- Human Rights Watch. (2009). *Well Oiled, Oil and Human Rights in Equatorial Guinea*. Retrieved from <https://www.hrw.org/report/2009/07/09/welloiled/oil-and-human-rights-equatorial-guinea>
- Human Rights Watch. (2011). *'You'll Be Fired If You Refuse' Labor Abuses in Zambia's Chinese State – Owned Copper Mines*. Retrieved from <https://www.hrw.org/report/2011/11/04/youll-be-fired-if-you-refuse/laborabuseszambias-chinese-state-owned-copper-mines>
- Huntington, S. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order* (p. 229). New York: Simon & Schuster.
- Ikenberry, G. J. (2017). *China's Emerging Institutional Statecraft: The Asian Infrastructure Investment Bank and the Prospects for Counter-hegemony Project on International Order and Strategy*. Brookings. Retrieved from <https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2017/04/china-as-emerging-institutional-statecraft.pdf>
- IMF. (2016a). *Regional Economic Outlook: Sub-Saharan Africa: Time for a Policy Reset*. April 2016 Issue. Retrieved from <https://www.imf.org/external/pubs/ft/reo/2016/afr/eng/pdf/sreo0416.pdf>

- IMF. (2016b). *World Economic Outlook*. Update January 2016. Retrieved from <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2016/update/01>
- Jacobs, A. (2017, February 7). Joyous Africans Take to the Rails, with China's Help. 点击查看本文中文版. *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2017/02/07/world/africa/africa-china-train>
- Jacobs, A., & Yu, J. (2014). Dalai Lama Debacle Stirs Anger in South Africa. *Sinosphere, the China Blog of The New York Times*. Retrieved from <http://sinosphere.blogs.nytimes.com/2014/10/06/dalai-lama-debacle-stirs-angerin-south-africa>
- Jain, M. B. (2017). *Diplomacy in South-Asia: Myth or Reality?* London: Lexington Books.
- Keohane, R., & Nye, J. (1977). *Power and Interdependence: World Politics in Transition*. New York: Little Brown.
- Kuhn, R. (2013, June 4). Xi Jinping's Chinese Dream. *International New York Times*. Retrieved from <http://www.nytimes.com/2013/06/05/opinion/global/xi-jinpings-chinese-dream.html>
- Kurlantzick, J. (2007). *Charm Offensive: How China's Soft Power Is Transforming the World*. New Haven: Yale University Press.
- Kwendo, M. (2015). *Why Are Chinese the Main Builders of Our Roads?* Retrieved from <http://www.nation.co.ke/oped/Opinion/Why-are-Chinese-the-mainbuilders-of-our-roads/440808-2937412-vdsqs6z/index.html>
- Lahtinen, A. (2015, August). China's Soft Power: Challenges of Confucianism and Confucius Institutes. *Journal of Comparative Asian Development*, 14(2), 200–225.
- Lai, H., & Lu, Y. (Eds.). (2012). *China's Soft Power and International Relations* (pp. 21–38). London: Routledge.

- Larmer, B. (2017). Is China the World's New Colonial Power? *The New York Times*. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2017/05/02/magazine/is-china-the-worlds-new-colonial-power.html>
- Li, G. (2015, November 2). Xi's Blue Helmets: Chinese Peacekeeping in Context. *China Brief*, 15(21). <http://www.jamestown.org/programs/chinabrief/single>
- London/Rome: IIED/FAO/IFAD. ISBN: 978-1-84369-741-1.
- Craig, D. A., & Porter, D. (2006). *Development Beyond Neoliberalism? Governance, Poverty Reduction and Political Economy*. London: Routledge.
- Maasho, A., & Blair, E. (2016, June 4). With Chinese Help, Ethiopia Seeks to Be Africa's Top Car Manufacturer. *Automotive News Europe*. <http://europe.autonews.com/article/20160604/ANE/160609945/with-chinese-helpethiopia-seeks-to-be-africas-top-car-manufacturer>
- Madrid-Morales, D. (2017). *Chinese Media Are Betting on Africa, but Is Anybody Really Watching?* Retrieved from <https://cpianalysis.org/2017/05/05/chinese-media-are-betting-on-africa-but-is-anybody-really-watching/>
- Manji, F., & Marks, S. (Eds.). (2007). *Perspectives on China in Africa*. Nairobi/Oxford: Fahamu.
- Martina, M. & Brunnstom, D. (2015). China's Xi Says to Commit 8,000 Troops for U.N. Peacekeeping Force. *UN Reuters*. <http://www.reuters.com/article/us-un-assembly-china-idUSKCN0RS1Z120150929>
- Mawdsley, E., & McCann, G. (Eds.). (2011). *India in Africa: Changing Geographies of Power* (pp. 41–61). Oxford: Pambazuka Press.
- Mbude-Shale, N. (2015, November 11). *South Africa: Teaching Mandarin in Schools Is Another Slap in the Face for African Languages*. Retrieved from <http://theconversation.com/teaching-mandarin-in-schools-is-anotherslap-in-the-face-for-african-languages-48505>

- McGiffert, C. (2009, March). *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States. Competition and Cooperation in the Developing World* (A Report of the CSIS Smart Power Initiative). Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- McKinsey Global Institute. (2015). *Debt and (Not Much) Deleveraging Report*. Retrieved from <http://www.mckinsey.com/mgi/>
- McKinsey. (2010). *Lions on the Move: The Progress and Potential of African Economies*. Retrieved from http://www.mckinsey.com/insights/africa/lions_on_the_move
- McKinsey. (2015). *Debt and (Not Much) Deleveraging Report*. Retrieved from <http://www.mckinsey.com/mgi>
- Metz, T. (2012). African Conceptions of Human Dignity: Vitality and Community as the Ground of Human Rights. *Human Rights Review*, 13(1), 19–37.
- Monson, J. (2009). *Africa's Freedom Railway: How a Chinese Development Project Changed Lives and Livelihoods in Tanzania Hardcover*. Bloomington: Indiana University Press.
- Morgenthau, H. (1948). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. New York: Alfred A. Knopf.
- Morlin-Yron, S. (2017). *All Aboard! The Chinese-Funded Railways Linking East Africa*. Retrieved from <http://edition.cnn.com/2016/11/21/africa/chinese-funded-railways-in-africa/>
- Morrison, W. (2015, October 21). *China's Economic Rise: History, Trends, Challenges, and Implications for the United States* (CRS Report). Congressional Research Service. Retrieved from <https://fas.org/sgp/crs/row/RL33534.pdf>
- Mourdoukas, P. (2016, September 7). China Tells Japan To Stay Off Its Second Continent, Africa By. *Forbes*. Retrieved from <http://www.forbes.com/sites/panosmourdoukoutas/2016/09/07/china-tells-japan-to-stay-off-its-secondcontinent-africa/#6371b6342f70>

- Moyo, D. (2009). *Dead Aid: Why Aid Is Not Working and How There Is a Better Way for Africa*. Basingstoke: Macmillan.
- Mungai, R. (2017). Is China Railroading Kenya Into Debt? *SCMP*, October 8, 2016. Retrieved from <http://www.scmp.com/week-asia/geopolitics/article/2026152/china-railroading-kenya-debt>
- Muzi, K. (2012). *Black Man's Medicine*. Johannesburg: Jacana Media.
- Mwiti, L. (2014). *Inside Chinese-Africa Relations – The Lies, Damn Lies Truths*. Retrieved from <http://mgafrica.com/article/2014-08-25-chinese-africarelationsfive-things-you-t>
- Mwiti, L. (2015). *It's Hot, Dusty, and Tiny, but This City-State Is on the Way to Be One of Africa's Few Real Superpowers*. <http://mgafrica.com/article/2015-05-12-scenarios-you-wouldnt-have-thought-it-but-this-citystate-could-be-africas-only-actual-superpowerworlds-most-underratedunknown-punching-above-its-weight>
- Nathan, A., & Ross, R. (1997). *The Great Wall and the Empty Fortress: China's Search for Security*. New York: W.W. Norton.
- Nye, J. (1990). *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*. New York: Basic Books.
- Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Nye, J. S. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affairs. OECD. Paris Declaration and Accra Agenda for Action (2005/2008). Retrieved from <http://www.oecd.org/dac/effectiveness/34428351.pdf>
- OECD-FAO. (2016). *Agricultural Outlook 2016–2025. Agriculture in Sub-Saharan Africa: Prospects and Challenges for the Next Decade*. Retrieved from <http://www.fao.org/3/a-BO092E.pdf>

- Pakenham, T. (2011). *The Scramble for Africa 1876–1912*. London: Abacus.
- Parks, B. (1917). *10 Essential Facts About Chinese Aid in Africa*. Retrieved from <http://nationalinterest.org/print/feature/10-essential-facts-about-chineseaid-africa-14456>
- Pei, M. (2016, March 28). In Beijing, Signs of a Major Political Power Struggle in the Offing by Minxin Pei. *Fortune*. Retrieved from <http://fortune.com/2016/03/28/china-politics-xi-jinping-power-struggle> Pew Research Center. Global Attitudes and Trends. (2015, September 16). *Health Care, Education Are Top Priorities in Sub-Saharan Africa*.
- Pew Research Center. (2016, November 14). In Key African Nations, Widespread Discontent with Economy, Corruption but Most Are Optimistic About Future in South Africa, Nigeria, Kenya by Richard Wike, Katie Simmons, Margaret Vice and Caldwell Bishop. Retrieved from <http://www.pewglobal.org/2016/11/14/south-africans-worried-about-crime-and-corruptionprioritize-education/>
- Phillips, T. (2015, October 22). Zimbabwe’s Robert Mugabe Awarded “China’s Nobel Peace Prize.” *The Guardian*. Retrieved from <http://www.theguardian.com/world/2015/oct/22/zimbabwes-robert-mugabe-awarded-chinasnobel-peace-prize>
- Ramani, S. (2016, January 11). Zimbabwe: China’s ‘All-Weather’ Friend in Africa. Samuel Ramani. *The Diplomat*. Retrieved from <http://thediplomat.com/2016/01/zimbabwe-chinas-all-weather-friend-in-africa/>
- Rogers, D. (2016, July 7). China, Nigeria Agree New Deal for \$12bn Coastal Railway. *Global Construction Review*. Retrieved from <http://www.globalconstructionreview.com/news/china-nigeria>
- SA News. (2016). *China to Roll Out Ten Cooperation Plans in Africa*. <http://www.sanews.gov.za/world/china-roll-out-10-cooperation-plans-africa>

- Sachs, J. (2005). *The End of Poverty. Economic Possibilities for Our Time*. New York: Penguin Books.
- Sciences in the Arabian Peninsula*, 9. Retrieved from <https://cy.revues.org/33#quotation>
- Searcey, D., & Essomba, F. (2017, February 13). Silencing the Internet in Africa. *The New York Times*, International Edition, Monday. p. 5.
- Shambaugh, D. (2014). *China Goes Global: The Partial Power*. Oxford: Oxford University Press.
- Shen, S. (2016, April 19). 10 Characteristics of Chinese Diplomacy in the Xi Jinping Era. *Foreign Policy Blogs*. Retrieved from <http://foreignpolicyblogs.com/2016/04/19/10-characteristics-of-chinese-diplomacy-in-the-xijinping-era>
- Silverman, D. (2001). *Interpreting Qualitative Data: Methods for Analyzing Talk, Text, and Interaction* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications.
- Sköld, M. (2017). *Shades of Africa. Research on a Changing Continent*. The Nordic Africa Institute. www.nai.uu.se
- Smidt, W. (2001). A Chinese in the Nubian and Abyssinian Kingdoms (8th Century). *Arabian Humanities. International Journal of Archeology and Social*
- Snow, E. (1937). *Red Star Over China*. New York: Collanz.
- South African Government News Agency. (2016). *China to Roll Out Ten Cooperation Plans in Africa*. <http://www.sanews.gov.za/world/china-roll-out-10-cooperation-plans-africa>
- Spence, J. D. (1999). *The Search for Modern China* (2nd ed.). New York: W.W. Norton & Company.
- Su, A. (2016, June 6). China's Business and Politics in South Sudan by Alice Su
- Sun, Y. (2014, April 14). *Xi Jinping's Africa Policy: The First Year by Sun Yun*. The Brookings Institute. Retrieved from

- <http://www.brookings.edu/blogs/africain-focus/posts/2014/04/10-jinping-africa-policy-sun>
- Sun, Y. (2015). Xi and the 6th Forum on China-Africa Cooperation: Major Commitments, but with Questions. *Africa in focus*. <http://www.brookings.edu/blogs/africa-in-focus/posts/2015/12/07-china-africa-focac-investmenteconomy-sun>
- Swaine, M., & Tellis, A. (2000). *Interpreting China's Grand Strategy. Past, Present, and Future*. Washington, DC: Rand.
- Taylor, I. (2006, September). China's Oil Diplomacy in Africa. *International Affairs*, 82(5), 937–959. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1468-2346.2006.00579.x/abstract>
- Taylor, I. (2010). *The International Relations of Sub-Saharan Africa*. New York: The Continuum International Publishing Group
- Taylor, I., & Wu, Z. (2013). China's Arms Transfers to Africa and Political Violence. *Journal Terrorism and Political Violence*, 25(3), 457–475. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546553.2012.664588>
- The African Charter on Democracy, Elections and Governance. <http://unesdoc.unesco.org/images/0018/001879/187952e.pdf>
- The Ambassador of the People's Republic of China in Uganda Attends Launch Ceremony of Confucius Institute at Makerere University. Retrieved from <http://wcm.fmprc.gov.cn/pub/zflt/eng/jlydh/sjzs/t1222724.htm>
- The Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB). www.aiib.org/en/about-aiib/who-we-are/our-work/index.html
- The Chinese Dragon and Africa. (n.d.). Retrieved from <http://allafrica.com/view/group/main/main/id/00015449.html>
- The Economist. (2011). *The Africa Is Rising*. December 3, 2011. Retrieved from <http://www.economist.com/node/21541015>

- The Economist. (2016, August 13). *New Rivalries on a Contested Continent. Asia's Scramble for Africa. India, China and Japan Are Battling for Influence.* Retrieved from <http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21704804-india-china-and-japan-are-battling-influence-asias-scramble-africa>
- The EU-Africa Summit. (2014, April 10). *Eyes Increased Trade, Investment Ties.* <http://www.ictsd.org/bridges-news/bridges/news/eu-africa-summit-eyesincreased-trade-investment-ties>
- The Foreign Affairs*, Letter from Juba. <https://www.foreignaffairs.com/articles/south-sudan/2016-06-06/chinas-business-and-politics-south-sudan>
- The Freedom House. (2017). *Freedom in the World 2017*. China Profile. Retrieved from <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2017/china>
- The Guardian. (2015). *Governance Sliding Back in a Third of African Nations, Warns Ibrahim Index.* <https://www.theguardian.com/global-development/2015/oct/05/africa-governance-sliding-back-in-a-third-of-nationswarns-ibrahim-index>
- The Hopeless Continent. *The Economist*. May 13, 2000. Retrieved from <http://www.economist.com/printedition/2000-05-13>
- The Languages of South Africa. (2017). Retrieved from <http://www.southafrica.info/about/people/language.htm>
- The New African. (2015). *Does China Catch a Cold When China Sneezes?* <http://newafricanmagazine.com/does-africa-catch-a-cold-when-china-sneezes/>
- Tiezzi, S. (2014a). *China's New Silk Road Vision Revealed.* Retrieved from <http://thediplomat.com/2014/05/chinas-new-silk-road-vision-revealed>
- Tiezzi, S. (2014b, June 6). In South Sudan Conflict, China Tests Its Mediation Skills. *Diplomat*.

- <http://thediplomat.com/2014/06/in-south-sudan-conflictchina-tests-its-mediation-skills>
- Tracking Chinese Development Finance. (2017). Retrieved from <http://aiddata.org/publications/aid-china-and-growth-evidence-from-a-new-globaldevelopment-finance-dataset>
- Tucker, J. (2003). *The Silk Road: Art and History*. London: Philip Wilson Publishers.
- Tumanjong, E. (2014, May 17). Chinese Workers Kidnapped by Suspected Boko Haram Militants in Cameroon. *The Wall Street Journal*. <https://www.wsj.com/articles/chinese-workers-kidnapped-by-suspected-boko-harammilitants-in-cameroon>
- Twineyo-Kamugisha, E. (2012). *Why Africa Fails. The Case for Growth Before Democracy*. Cape Town: Tafelberg. United Nations Peacekeeping. <http://www.un.org/en/peacekeeping/resources/statistics/contributors.shtml>
- Violatti, C. (2014). Zhou Dynasty. *Ancient History Encyclopedia*. Retrieved from http://www.ancient.eu/Zhou_Dynasty/
- Vollgraaf, R. (2015, September 17). *These Are the African Nations Most Exposed to China's Slump*. Retrieved from <http://www.bloomberg.com/news/articles/2015-09-17/these-are-the-african-nations-most-exposed-to-chinas-slump>
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. Long Grove: Waveland Press.
- Wangari, M. (2010). *The Challenge for Africa*. London: Arrow Books. White Paper on China's Foreign Aid. (2014). Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/china/2014-07/10/c_133474011.htm
- Wike, R., & Simmons, K. (2016, September 16). *Health Care, Education Are Top Priorities in Sub-Saharan Africa*. Pew Research Center. Retrieved from

<http://www.pewglobal.org/2015/09/16/health-care-education-are-top-prioritiesin-sub-saharan-africa/>

World Atlas. (2011). *Encyclopedia Britannica*. London: Dorling Kindersley Limited.

World Bank. (2014). *Urban China: Toward Efficient, Inclusive, and Sustainable Urbanization*, Development Research Center of the State Council, the People's Republic of China. Washington, DC: World Bank. Retrieved from <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/18865>

World Bank. (2015). *Drop in Global Commodity Prices, Electricity Bottlenecks, and Security Risks Slow Africa's Economic Growth* (African Pulse, Report 2015). Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/region/afr/publication/africas-pulse-an-analysis-issues-shaping-africas-economic-future-october-2015>

World Bank. (2016a). *Ethiopia Overview*, October 11, 2016. Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/country/ethiopia/overview>

World Bank. (2016b). *Global Economic Prospects*. Sub-Saharan Africa. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/publication/global-economic-prospects>

World Bank. (2017a). *Africa Overview*, April 1, 2017. Retrieved from <http://www.worldbank.org/en/region/afr/overview>

World Bank. (2017b). *Africa's Cities: Opening Doors to the World*. Washington, DC: World Bank. Retrieved from <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/25896/211044ov.pdf>

World Bank. (2017c). *Africa's Pulse*. Washington, DC: World Bank Group. Retrieved from <http://documents.worldbank.org/curated/en/348741492463112162/Africas-pulse>

- World Bank. (2017d). China. Overview. <http://www.worldbank.org/en/country/china/overview>
- World Economic Forum. (2016). Retrieved from <https://www.weforum.org/agenda/2016/06/8-facts-about-chinas-economy>
- Wu, R., & Wu, X. (Eds.) (1999) *Sunzi: The Art of War. Sun Bin: The Art of War* (Library of Chinese Classics). Beijing: Foreign Languages Press.
- Wu, W. (2016). *AIIB and World Bank Reach Deal on Joint Projects, as China-led Lender Prepares to Approve US\$1.2 Billion of Funds This Year*. <http://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/1935932/aiib-andworld-bank-reach-deal-joint-projects-china-led>
- Wu, Y. (2006). *China and Africa* (p. 23). Beijing: China Intercontinental Press.
- Xi Jinping Uses the Classics. (2014, May 29). *The People's Daily*. Retrieved from <http://cpc.people.com.cn/n/2014/0529/c164113-25080175.html>
- Xi, J. (2015). *Open a New Era of China-Africa Win-Win Cooperation and Common Development*. Full Text: <http://english.cri.cn/12394/2015/12/05/4083s906994.htm>
- Xinhua. (2013, October 26). *Xi Jinping: China to Further Friendly Relations with Neighboring Countries*. Retrieved from <http://en.people.cn/90883/8437410.html>
- Xinhua. (2015). *Vision and Actions on Jointly Building Belt and Road*. Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/china/2015-03/28/c_134105858_2.htm. See also: *Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st-Century Maritime Silk Road*. (2015). *National Development and Reform Commission*. Retrieved from http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330_669367.html

- Xinhua. (2017). *African News*. Chinese Media Firm to Expand Presence in Africa. Retrieved from http://news.xinhuanet.com/english/2017-03/21/c_136143657.htm
- Yun, S. (2016, August 31). *Africa in Focus*. *Rising Sino-Japanese Competition in Africa*. Brookings. Retrieved from www.brookings.edu/blog/africa-infocus/2016/08/31/rising-sino-japanese-competition-in-africa
- Zhang, C. (2013). *Historical Changes in Relations Between China and Neighboring Countries (1949–2012)*. Retrieved from <http://isdpc.eu/content/uploads/images/stories/isdpc-main-pdf/2013-chi-historical-changes-in-relationsbetween-china-and-neighboring-countries.pdf>
- Zheng, Y., & Zhang, C. (2012). Soft Power and Chinese Soft Power. In H. Lai & Y. Lu (Eds.), *China's Soft Power and International Relations* (pp. 21–38). London: Routledge.